

# آموزشی آبجداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست و نهم | مهرماه ۱۴۰۴ | شماره‌ی پی‌دی‌بی ۲۳ | ۴۸ صفحه  
[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)



## معلمی؛ پیوند خانه مدرسه و زندگی



« مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا »

سوره احزاب، آیه ۲۳

از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نایل شدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می برند و هیچ تغییری و تبدیلی [در پیمانشان] نداده اند.

## به نام خدا

اللهم صل على محمد وآل محمد و عجل فرجهم

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فروش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ابراهیم‌شهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

رایانامه: [ebtedayi@roshdmag.ir](mailto:ebtedayi@roshdmag.ir)

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱



درگاه ورود به سامانه‌ی فروش و اشتراک



nazar.roshdmag.ir  
برای ثبت نظرات شما در مورد این مجله

# آموزشی ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست و نهم | مهرماه ۱۴۰۴ |  
شماره‌ی پی‌درپی | ۲۳ | ۴۸ صفحه

[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند. قیمت ۳۰۰۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد  
@roshd\_amoomezesh\_ebtedaei

## فهرست

۲ فصل یادگیری و همدلی، به وقت پیروزی | مهدی رضایی

۴ مناسبت‌های ماه | مریم ملکی

۶ سوره‌ی اول، پایه‌ی اول | مریم خدادادی، مریم‌السادات پورمسجدی میبیدی

## آموزش

۸ این شعار نیست؛ من عاشقم | مریم شهرآبادی

۱۰ مدرسه‌ی ما، کلاس ما | محمدسبحانی، حمید توانا، زهرا غلامی، زهرا سادات نورانی

۱۴ قدر بی‌داستانی با مشورت هوش مصنوعی | سیدعلی عبداللهی حسینی، عدرا بیگم هژری

۱۷ مدرسه در دست والدین | اعظم لاریجانی

۲۰ نه را به دایره‌ی واژگانت اضافه کن! | محسن آریزی

۲۳ فلسفه برای کودکان | پرستو بهاروند

۲۶ رنگ، زبان آشنا | مریم اسدی

۲۸ ماشین‌ها چگونه باهوش شدند؟ | ژارمن یولید سن‌ونسان

## در کلاس

۳۱ توانایی خودوالایی | امیرمسعود عباسی منجزی

۳۴ اگر جای او بودی... | محمود صیادی

۳۶ علیجان و آقا معلم | اعظم لاریجانی

۳۸ هدایت با تشویق و تنبیه | مریم‌السادات پورمسجدی میبیدی

۴۰ خلاقیت دست‌ساز | مریم جلیلی

## تجربه

۴۲ کلاس‌داری خوب | عفت کریمی‌زند

۴۴ سبک زندگی را بازی کن! | ندا سپهرایی

۴۶ پوشه‌های پایش | سحر زمانی‌بلیوندی

۴۸ معلم عروسکی | فاطمه‌زهرا گردنده‌ی



در نقشه، پراکنده‌ی فرهنگی‌ها مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. • قبل از درج‌شدن چاپ نشده باشد. • در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. • روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. • چکیده داشته باشد یا هدفها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. • اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

# فصل یادگیری و همدلی، به وقت پیروزی



مهدی رضایی

به نام او که از آیات او بسیار باید گفت  
خدا زنده است، این را اول اخبار باید گفت  
خدای اتم الاعلون، وقت نصرت و امداد  
خدای وعده‌های صادق لا ینقلب المیعاد  
خداوندی که از نیل خروشان جاده می‌سازد  
و اعجاز از عصایی پیش‌یافتاده می‌سازد  
عزیز مصر روزی یوسف در چاه افتاده است  
خدای ما خدای لحظه‌های خارق العاده است  
به خاک ذلت افتاده است، پیش او تکبرها  
خدای بدر، آن پیروزی دور از تصویرها  
به صدها جلوه ما آن روح را در کالبد دیدیم  
خدای بدر را در عبرت تلخ احد دیدیم  
خدای حاج قاسم، آن بزرگ روستازاده  
همان مردی که با اخلاص دنیا را تکان داده  
خدا این اشک‌ها را عصر عاشورا سیاسی کرد  
یکایک سوگواری‌های ما را هم حماسی کرد  
خدا با ماست، او اینجاست، هم مقصود، هم راه است  
همیشه نصرتش در باور ان تنصروا الله است  
خدا در غزه افشا کرد، راز روزگار این است  
که معیار شرافت نسبت ما با فلسطین است  
نماند ظلم پابرجا، نماند سرخوشی‌هایش  
مگر فرعون خیری دیده از کودک‌کشی‌هایش  
خدا زنده است و حرمان است در زندان خود ماندن  
خدا زنده است و کفران است در یُهت احد ماندن  
مبادا دست روی دست بگذاریم و بنشینیم



اگر حرکت کنیم، آن قله را نزدیک می‌بینیم  
در این اوضاع وانفسا مباش از بی تفاوت‌ها  
تبر بر دوش باید بود در پیکار با بت‌ها  
اگر چه سفره‌ها زخمی شد و این زخم کم هم نیست  
یقین داریم اما خارج از این مرز مرهم نیست  
نجابت، پابمردی، یک‌دلی، ایمان، امید اینجاست  
به هر سو رو کنی، جانی جوان، سروی رشید  
اینجاست  
ز خاطر بردن این سروها رسم فتوت نیست  
و ما را جز شهیدان با کسی عقد اخوت نیست  
به اسم صلح، در دستان شیطان نامه‌ی جنگ است

هراسی نیست در دل‌ها، اگر هنگامه‌ی جنگ است  
هراسی نیست از شیطان، ز‌های وهوی طغیانش  
اگر او می‌کند آغاز، دست ماست پایانش  
نترسیم و نترسانیم، ترس آهنگ ابلیس است  
بدان که ناامیدی آخرین نیرنگ ابلیس است  
بیا ای هم‌وطن فریاد شو ضد فراموشی  
خیالی خام را دیده، شتر در خواب خرگوشی  
بگو از دیرباز این مرز وقت رزم چالاک است  
از این قلدر ترش امروز در خوراها خاک است  
بسوز ای سعی باطل، پرچم ایران نمی‌سوزد  
نمی‌دانی مگر در شعله‌ها ایمان نمی‌سوزد

گمان بردی که این بار این حکایت فرق خواهد کرد؟  
خدا فرعون را یک بار دیگر غرق خواهد کرد  
هر آنچه داشتی رو کرده‌ای، این آخرین برگ است  
سر جان شرط می‌بندم، قمار آخرت مرگ است  
ولی ما وعده‌ی حقیق و از باطل نمی‌ترسیم  
شهادت آرزوی ماست، از قاتل نمی‌ترسیم  
به کف پیراهنی خونین، کسی از راه می‌آید  
خدا زنده است ای مردم، ولی الله می‌آید  
به استقبال او فریاد شد: انا علی العهدی  
کسی که هست عیسی از حواریون او، مهدی

شاعر: محمدرسولی

مهرماه، این ماه نویدبخش شکوفایی و آغاز دوباره، از راه رسیده است. شاید ماه مهر یعنی ماه مهریانی که حتماً هر پدر و مادری تصدیق می‌کند که پذیرش و آموزش ده‌ها دانش‌آموز در کلاس فقط برآمده از عشق و مهریانی آموزگار است. با افتخار و امید، دوره‌ی جدید نشریه‌ی «رشد آموزش ابتدایی» را آغاز می‌کنیم؛ نشریه‌ای که همواره کوشیده است همراهی صمیمی و علمی برای شما معلمان عزیز باشد. در واقع رشد آموزش ابتدایی همیشه در تلاش است به‌عنوان دست‌نامه بتواند مکمل و مقوم برنامه‌های شما آموزگاران محترم در پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی باشد. چه بسا مطلبی آموزشی یا شعری آرامش‌بخش یا طرح درسی قوی یا تجربه‌ای از آموزگاری در شهری دیگر بتواند ایده‌ی جدیدی در ذهن ما شکل دهد یا گره‌ی از ذهنمان بگشاید یا فقط حس خوبی به ما بدهد. در صورت وقوع هر کدام از این موارد رشد ابتدایی به هدف خود رسیده است. در این مسیر، ما نه‌فقط به انتقال دانش که به ترسیم سبک زندگی معلمی متعهدیم؛ سبکی که در آن ایثار، دانایی، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری در هم می‌آمیزد و شما را به‌عنوان معماران آینده‌ی این سرزمین ممتاز می‌سازد. در رشد آموزش ابتدایی معتقدیم که معلمی هنر زنده کردن آینده است.

تلاش هستیم موضوع محوری هر شماره همچون نخ تسبیح ارتباط‌دهنده‌ی مطالب آن شماره باشد؛ هر چند که مطالبی با موضوعات دیگر هم در هر شماره خواهیم داشت. موضوع ویژه‌ی مهرماه «سبک زندگی معلمی» است. معلمی تنها یک حرفه نیست؛ یک منش و هویت است و مهرماه نقطه‌ی اتصال تابستان است - به‌عنوان دوره‌ی بازآموزی و بازاندیشی و استراحت! - با پاییز - دوره‌ی تلاش و تجربه‌های تازه - شما آموزگاران، پرچم‌داران تربیت نسل‌هایی هستید که قرار است ایران فردا را بسازند. در این مسیر، سبک زندگی شما الگویی زنده برای دانش‌آموزان است؛ از صبر و نظم شما تا خلاقیت و مهریانی‌تان. در این شماره، می‌خواهیم با هم مرور کنیم که چگونه می‌توانیم این سبک زندگی را غنی‌تر سازیم؛ چگونه در هیاهوی روزمرگی، معلمی را به زیباترین شکل ممکن زیست کنیم، بدون آنکه از یاد ببریم که خود نیز نیاز به رشد و تعالی داریم.

شایسته است در طلوعه‌ی ماه مهر که در تلاقی با هفته‌ی گرامیداشت دفاع مقدس هشت ساله قرار دارد و در سالی که درگیر دفاع مقدس دیگری شدیم یاد می‌کنیم از تمامی اسوه‌های فداکاری که با بذل جان‌شان مسیر پیشرفت و سرفرازی ایران را هموار کردند. در کشوری با پیشینه‌ی تمدنی چندین هزار ساله و با اتکا به آموزه‌های ناب اسلامی، هویت ملی و مذهبی دو بال پرواز برای تربیت کودکانمان هستند. شما معلمان، نگهبانان این میراث

گران‌بها هستید. در کلاس‌های شماست که کودکان می‌آموزند عاشق فردوسی، سعدی و حافظ باشند و در عین حال، به شهدای میهن احترام بگذارند. این دوره از رشد، با تأکید بر این هویت مشترک، می‌کوشد راهکارهایی عملی برای تلفیق این ارزش‌ها در برنامه‌های درسی و رفتارهای روزمره ارائه دهد.

### صدای شما صدای رشد است

رشد آموزش ابتدایی، تنها با حضور و مشارکت شما همکاران عزیز معنا می‌یابد. از شما دعوت می‌کنیم تجربه‌ها، ابتکارات و دغدغه‌های خود را با ما در میان بگذارید. چگونه سبک زندگی معلمی را در شرایط امروز تعریف می‌کنید؟ چه روش‌هایی برای انتقال ارزش‌های ملی و مذهبی به دانش‌آموزان داشته‌اید؟ فرصت را غنیمت بشمارید و مطالب خود را برای ما ارسال کنید تا در شماره‌های آینده منتشر شود. نشریه‌ی رشد، خانه‌ی دوم همه‌ی معلمان ایران است. مفتخریم که در هر شماره میزبان آموزگاران از سراسر کشور هستیم؛ از استان‌های مختلف و با دیدگاه‌های مختلف.

در پایان مجدداً آغاز این دوره‌ی جدید را به همه‌ی شما همکاران فداکار تبریک می‌گوییم. امیدواریم این شماره و شماره‌های آینده، بتواند همراه، الهام‌بخش و تسهیل‌گر مسیر پرچالش و در عین حال شیرین معلمی باشد. بیایید با همکاری یکدیگر، آموزش ابتدایی ایران را هر روز بالنده‌تر از دیروز بسازیم.



مریم ملکی  
گازشناسی ارزش فلسفه و حکمت  
اسلامی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی

برای برخورد با مناسبت‌های تقویمی طیفی از رویکردها ارائه می‌شوند، از نادیده‌گرفتن کامل تا کنش فعال در مورد مناسبت‌ها، متناسب با برنامه‌ی درسی. در تجربه‌ی سال‌های گذشته‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی بخش‌هایی از این طیف بررسی شده است. امسال به سراغ رویکرد استفاده‌ی حداکثری از مناسبت‌ها خواهیم رفت. در هر شماره، مناسبت‌های هر ماه به همراه محتوای مرتبط در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی فهرست می‌شود. به‌مرور پیشنهادهایی اجرایی، طرح درس یا محتوای آماده‌شده‌ای را تقدیم دیدگان شما همکاران گرامی می‌کنیم. در این بخش تجربه‌ها و دیدگاه‌های شما می‌تواند راهنمای شماره‌های آینده باشد. بنابراین به‌طور ویژه از شما دعوت می‌کنیم نظرات خود را با ما در میان بگذارید؛ پیشنهاد جدید ارائه دهید یا از تجربه‌ی انجام این فعالیت‌ها در کلاس خود روایت کنید.

۴ مهر: روز گرامیداشت سربازان وطن  
کتاب: هدیه‌های آسمان، پایه‌های پنجم و ششم،  
بخش «مناسبت‌های ملی و دفاع مقدس»  
کتاب: مطالعات اجتماعی، پایه‌ی پنجم، درس  
«دفاع و امنیت»

۷ مهر: روز آتش‌نشانی و ایمنی  
کتاب: علوم، پایه‌ی سوم، درس ۸: «ایمنی در خانه و مدرسه»  
کتاب: هدیه‌های آسمان، پایه‌ی چهارم، درس‌های مرتبط با کمک به دیگران  
۷ مهر: سقوط هواپیمای فرماندهان جنگ  
کتاب: هدیه‌های آسمان، پایه‌ی ششم، درس‌های دفاع مقدس و شهدا  
کتاب: فارسی، پایه‌ی پنجم، متن‌های ادبی درباره‌ی شهدا



۹ مهر: ولادت امام  
حسن عسکری (ع)  
کتاب: هدیه‌های آسمان،  
پایه‌های سوم تا ششم، بخش  
زندگی‌نامه‌ی ائمه (ع)  
کتاب: فارسی، پایه‌ی چهارم،  
داستان‌های ائمه (ع)



۸ مهر: روز بزرگداشت مولوی  
کتاب: فارسی، پایه‌های پنجم و ششم، اشعار و  
داستان‌های مرتبط با مولوی  
کتاب: هدیه‌های آسمان، پایه‌ی ششم، معرفی  
شخصیت‌های تأثیرگذار اسلامی  
۸ مهر: روز جهانی ناشنوایان  
کتاب: علوم، پایه‌ی سوم، درس «حواس پنج‌گانه»  
کتاب: هدیه‌های آسمان، پایه‌ی چهارم، درس‌های  
«مهربانی و کمک به دیگران»

۵ مهر: روز جهانی جهانگردی  
کتاب: مطالعات اجتماعی،  
پایه‌ی چهارم، درس ۱۲: «سفر  
به شهرهای ایران»  
کتاب: فارسی، پایه‌ی  
پنجم، بخش «گردشگری و  
ایران‌شناسی»

در پایه‌ی اول ابتدایی، شعر «ایران پاینده، سرباز رزمنده» به این موضوع پرداخته است. در پایه‌ی دوم ابتدایی در درسی با عنوان «پرچم»، جایی از خون شهدا صحبت به میان می‌آید. در پایه‌ی سوم ابتدایی، در درس فارسی، دانش‌آموزان با شهید فهمیده و شهیده‌سهام خیام و گذری از زندگی آن‌ها در کنار زندگی ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده به‌عنوان فداکاران آشنا می‌شوند و در درس «ایران آباد» نیز اشاره‌ای به رزمندگان می‌شود. در پایه‌ی چهارم ابتدایی در بخشی به اسم «نام‌آوران» و باز هم در کتاب فارسی «فرمانده‌ی دل‌ها؛ شهید حسین خرازی» معرفی می‌شود و در دل‌روایتی از این شهید، نامی از شهید جهان‌آرا و بهنام محمدی هم آورده می‌شود و داستان خرمشهر و شلمچه نیز به میان می‌آید. در پایه‌ی پنجم ابتدایی، در کتاب فارسی، درباره‌ی سرود ملی به قهرمانان دفاع مقدس اشاره می‌شود و در درس «دفاع از میهن» نیز روایت از اسکندر و قهرمان ایرانی، یعنی آریو برزن، شروع می‌شود و در نهایت به روایت هشت سال دفاع مقدس می‌رسیم. در پایه‌ی ششم ابتدایی و باز هم در کتاب فارسی به «شهید در باقلی سورانی» و «شهید محمد جواد تندگویان» پرداخته می‌شود. در کتاب مطالعات اجتماعی، مفهوم «ایستادگی در برابر بیگانگان» آمده است و روایت آزادسازی خرمشهر بار دیگر بیان می‌شود. در کتاب هدیه‌های آسمانی نیز «حماسه آفرینان» عنوانی است که بخشی از بار معرفی شهدای دفاع مقدس را به دوش می‌کشد.



پویانمایی زندگی‌نامه‌ی حافظ شیرازی

### شاعر مهربان: حافظ

هدف: آشنایی دانش‌آموزان با حافظ، اشعار او و درک مفهوم امید و مهربانی در شعر او



#### مراحل اجرا

۱. شروع جادویی (فال حافظ کودکانه)

معلم جعبه‌ای زیبا به اسم «جعبه‌ی فال» می‌آورد که داخل آن برگه‌هایی با ابیات ساده‌ی حافظ، به همراه معنای آن به زبان کودکانه، وجود دارد. هر دانش‌آموز برگه‌ای را برمی‌دارد و معلم مفهوم شعر را به زبان ساده توضیح می‌دهد.

مثال:

دارم امید عاطفتی از جناب دوست

کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست  
این شعر امید به مهربانی و بخشش خداوند را به بچه‌ها یادآوری می‌کند.

۲. بازی «جورچین غزل‌ها»

ابیات یک غزل ساده‌ی حافظ روی کارت‌های جدا نوشته و به دانش‌آموزان داده می‌شود. آن‌ها باید با همکاری هم، ترتیب درست شعر را پیدا کنند و مثل یک جورچین کنار هم بچینند. بعد از کامل شدن شعر، همه با هم آن را بلند می‌خوانند.

۳. تماشای فیلم زندگی حافظ (نمونه‌ای از فیلم به صورت رمزینه آمده است)

با دانش‌آموزان فیلم آشنایی با زندگی حافظ شیرازی را مشاهده می‌کنیم.



# سوره‌ی اول، پایه‌ی اول

تبیین آموزه‌های سوره‌ی مبارکه‌ی حمد برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی

مریم خدادادی

کارشناسی ارشد قرآن و حدیث

مریم‌السادات پورمسجدی میبدی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، آموزگار پایه‌ی

اول ابتدایی

زیبایی است؛ ما به خیلی از این زیبایی‌ها توجه نداریم؛ باید سعی کنیم آن‌ها را ببینیم و تحسین کنیم. فقط روی همین مفهوم تأکید می‌کنیم و درباره‌ی مفاهیم دیگر مانند ضلالت، غضب، صراط مستقیم و مفاهیمی که در سطح رشدی دانش‌آموزان نیست، با آن‌ها گفت‌وگو نمی‌کنیم. اگر خودمان کارهای خوب بچه‌ها و زیبایی‌های دیگری را که در برنامه‌های روزانه و محتواهای درسی مشاهده می‌کنیم تحسین کنیم، بچه‌ها نیز این دیدن و ستودن زیبایی‌ها را یاد می‌گیرند و زیبایی‌بینی و تحسین در آن‌ها فعال می‌شود. کودکان در اثر چنین ارتباطی با سوره‌ی حمد، به زیبایی‌ها بیش از پیش توجه می‌کنند و نسبت به آن‌ها ابرازی همراه با ستایش و تحسین خواهند داشت؛ همچنین به واسطه‌ی توجه به زیبایی‌ها، احساس بهتری پیدا می‌کنند و خوش‌حال‌تر خواهند بود.

اصلی‌ترین کار در آموزش این سوره، خواندن سوره در فضایی شاد، همراه با معنویت و نشاط است. در کنار خواندن سوره، پیام آن را هم باید آموزش دهیم. بدین منظور، طی زمان آموزش این سوره، هر روز باید آن را در فضایی بانشاط و به شیوه‌های گوناگونی که مورد علاقه‌ی بچه‌های کلاس‌مان است، بخوانیم. تکرار خواندن سوره علاوه بر القای حس حضور، بچه‌ها را با سوره مانوس می‌کند و آن‌ها به تدریج می‌توانند سوره را از حفظ بخوانند؛ هر چند خیلی از دانش‌آموزان سوره حمد را حفظ هستند. خوب است توجه داشته باشیم که بیشترین تأثیر را بر رشد

حمد را مختص پروردگار همه‌ی موجودات عالم معرفی می‌کند؛ خداوند رحمان رحیمی که مالک روز جزاست. تنها اوست که شایستگی عبادت دارد و تنها از او باید یاری جست. هدایت‌کننده خداست و هدایت‌یافتگان کسانی هستند که به ایشان نعمت داده شده است؛ کسانی که در صراط مستقیم‌اند، نه آنان که گمراه یا مورد غضب هستند. این سوره، از حمد و ستایش پروردگار سخن می‌گوید؛ همه‌ی ستایش‌ها، تحسین‌ها، خوبی‌ها و زیبایی‌ها را از آن پروردگاری می‌داند که پروردگار نعمت‌هاست؛ پروردگاری که رحمت خود را همه جا گسترده است و مسیر زندگی را برای بندگان خود روشن می‌کند.

## هدف تربیتی سوره‌ی حمد

۱. ارتقای توان دیدن انواع زیبایی‌ها و خوبی‌ها؛
  ۲. افزایش تحسین و ابراز زیبایی‌ها و خوبی‌ها؛
  ۳. افزایش شادی و نشاط و ابرازهای مسرورانه.
- برای آموزش سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان پایه‌ی اول و انتقال پیام این سوره به آن‌ها، از زیبایی‌ها سخن می‌گوییم و زیبایی‌ها و خوبی‌ها را به آن‌ها نشان می‌دهیم. به آن‌ها می‌گوییم: «دنیا پر از

فهم قرآن در دبستان» عنوان برنامه‌ی آموزش سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم به دانش‌آموزان ابتدایی است؛ آموزشی که سبب رشد دانش‌آموزان می‌شود و توان‌ها و استعدادهاى نهفته‌ی آن‌ها را فعال می‌کند. مهم‌ترین کار برای آموزش سوره‌های قرآن، خواندن و شنیدن سوره است. در واقع اصلی‌ترین برنامه‌ی آموزش سوره در فهم قرآن، همین خواندن و شنیدن تعریف می‌شود؛ خواندن سوره باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها با آن انس بگیرند. بدین منظور، از انواع روش‌ها می‌توان بهره برد. در الگوی فهم قرآن، الزامی برای ترجمه‌ی تک‌تک آیات برای دانش‌آموزان کلاس وجود ندارد؛ زیرا دانش‌آموزان در سطحی نیستند که همه‌ی جزئیات سوره را درک کنند و آن‌ها را به کار گیرند؛ اما در سطحی هستند که مفهوم کلی و کلیدی سوره را متناسب با رشد خود درک کنند. آن‌ها مفهومی را درک می‌کنند که می‌تواند برای آن‌ها کاربرد داشته باشد و می‌توانند به آن عمل کنند.

الگوی آموزشی فهم قرآن در پایه‌ی اول، به فعال‌سازی انواع ابراز همراه با جهت‌دارکردن عمل به سمت شادی و نشاط می‌پردازد. بر اساس اهداف حوزه‌ی تفکر هر دوره‌ی رشدی باید برای آن دوره سوره‌ای انتخاب شود که در ادامه دانش‌آموزان را به «خیرگزینی» برساند. سوره‌ی مبارکه‌ی حمد اولین سوره‌ی ارائه‌شده برای آموزش در پایه‌ی اول است. آموزش این سوره با رویکرد مواجهه با انواع زیبایی‌ها، خوبی‌ها و نعمت‌ها، در شکوفایی ابراز مسرورانه و همراه با شادمانی و تحسین کودکان مؤثر است. اگر بتوانیم در این سوره ستایش زیبایی و خوبی را بیاموزیم، در واقع ستایش خداوند را به بچه‌ها یاد داده‌ایم؛ زیرا خداوند خالق زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و هر چه زیبایی است متعلق به اوست.<sup>۱</sup> سوره‌ی مبارکه‌ی حمد با نام خدا آغاز می‌شود و





آموزش سوره حمد

حمد به منظور القای جذاب و پر هیجان مفاهیم، مانند: ذکر «الحمد لله»، «خدا، خدای کرده، هنرنمایی کرده»، «خدای زیبای من، چه زیبا آفریدی، نقاشی جهان را، چقدر قشنگ کشیدی»؛

● داستان‌های شاد درباره‌ی انواع زیبایی‌ها و تحسین آن‌ها؛

- بازی‌هایی که بچه‌ها را شاد می‌کنند؛
- پدیده‌ها، نعمت‌ها و رفتارهای زیبایی که در تصویرهای کتاب‌های درسی دیده می‌شوند؛
- شعرهای کتاب فارسی که درباره‌ی نعمت‌ها یا زیبایی طبیعت هستند؛<sup>۱</sup>
- تکلیف‌های تمییز و مرتب دانش‌آموزان؛
- شکل‌ها و الگوهای رنگارنگ کتاب ریاضی؛
- سایه‌ها، نعمت چشم و رعایت بهداشت در کتاب علوم؛
- جشن قرآن و گفتن «بسم الله»؛
- حتی خواندن سوره‌ی حمد در کتاب قرآن به‌عنوان کار زیبا و قابل تحسین (دربخش و خدادادی، ۱۴۰۳).

### اهداف تربیتی آموزش سوره مبارکه‌ی حمد در هر پایه

- موضوعاتی که مطرح شد ابعاد گوناگون آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی حمد، در پایه‌ی اول ابتدایی بود. هیچ محدودیتی در اینکه سوره‌ها به پایه‌های دیگر نیز آموزش داده شوند، وجود ندارد؛ تنها باید با توجه به اقتضائات رشدی دانش‌آموزان هر پایه، روش‌های ارائه و اهداف متناسب با آن پایه را دنبال کنیم. هدف تربیتی سوره‌ی حمد در شش پایه‌ی ابتدایی چنین است:
- پایه‌ی اول:** دیدن زیبایی‌ها و تحسین آن‌ها؛
- پایه‌ی دوم:** دیدن وجوه متعدد زیبایی پدیده‌ها و رفتارها و تحسین آن‌ها؛
- پایه‌ی سوم:** انجام رفتارهای زیبای تحسین‌برانگیز؛
- پایه‌ی چهارم:** انجام رفتارهای زیبا با وجود سخت‌بودنشان؛
- پایه‌ی پنجم:** انجام رفتارهای زیبا در مواجهه با دیگران؛
- پایه‌ی ششم:** انجام کارهای گروهی زیبا (مدرسه‌ی دانشجویی قرآن و عترت، ۱۳۹۹).

منابع

۱. دزبخت، رضا و خدادادی، مریم، ۱۴۰۳، فهم قرآن: پایه‌ی اول دبستان، چاپ اول، تهران: قرآن و اهل بیت نبوت (ع).  
 ۲. مدرسه‌ی دانشجویی قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۹، آموزش مفاهیم سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان دبستان، چاپ اول، تهران: قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

می‌دهد یا از دیگران می‌بیند؛ مانند حرف خوب زدن، مهربانی کردن، هدیه‌دادن، قرض‌دادن، گذشت کردن، آشتی کردن، کمک کردن، خوش حال کردن دیگران و بوسیدن دست پدر و مادر و... (وبگاه فهم قرآن در ابتدایی و متوسطه‌ی اول و دوم).

### «مراحل آموزش سوره»

طی هفته‌هایی که در محضر سوره‌ی مبارکه‌ی حمد هستیم، در موقعیت‌های گوناگون، پیام این سوره را به دانش‌آموزان القا می‌کنیم. برای این منظور می‌توانیم این روند را دنبال کنیم، البته این روند فقط یک پیشنهاد است؛ مثلاً می‌توانیم در مدت سه یا چهار هفته، فقط موضوع مرحله‌ی اول یا دوم را با بچه‌ها کار کنیم یا می‌توانیم همه‌ی موضوعات را در همه‌ی جلسات با هم پیش ببریم؛ اما اگر احساس کردیم کلاسمان نیاز به تنوع دارد، می‌توانیم بدین ترتیب سوره را آموزش دهیم:

**مرحله‌ی اول:** زیبایی‌های طبیعی، عینی و ملموس مانند گل‌ها و گیاهان و موجودات زیبا را به دانش‌آموزان نشان دهیم. توجه آن‌ها را به این نوع از زیبایی‌ها جلب کنیم و با تحسین این پدیده‌ها، تحسین کردن را به کودکان آموزش دهیم.

**مرحله‌ی دوم:** به کودکان یاد بدهیم نعمت‌هایی را که در اختیار دارند، ببینند، قدر آن‌ها را بدانند و شکرگزار باشند؛ نعمت‌هایی مانند سلامتی، انواع خوراک و پوشاک و امکاناتی که دارند، کلاس و مدرسه و درس، وجود خانواده و معلم و دوست و فامیل و همسایه و خلاصه هر نعمتی که برای آن‌ها قابل درک است؛ مثلاً قدر مادر و پدر خود را بدانند و با بوسیدن دست آن‌ها و محبت به آن‌ها شکر این نعمت را به جا آورند.

**مرحله‌ی سوم:** کارهای زیبای دانش‌آموزان و سایر افراد را به آن‌ها نشان دهیم و رفتارهای زیبایشان را تحسین کنیم تا توجهشان به کارهای خوب و رفتارهای زیبا جلب و به‌مرور زمان، زیبایی‌های رفتاری در آن‌ها نهادینه شود.

برای انتقال پیام سوره در موقعیت‌های متعدد می‌توانیم از همه‌ی امکانات و شرایط کمک بگیریم. برخی از این امکانات عبارت‌اند از:

- انواع نماهنگ‌ها و تصویرهایی که زیبایی‌ها را نشان می‌دهند؛
- شعرهایی که با بیان زیبایی‌ها بچه‌ها را به وجد می‌آورند و به تحسین وامی‌دارند؛<sup>۲</sup>
- استفاده از شعارهای مناسب سوره‌ی مبارکه‌ی

دانش‌آموزان همین خواندن سوره خواهد داشت (دزبخت و خدادادی، ۱۴۰۳).

لازم است حداقل سه هفته یا یک ماه این سوره در کلاس ما حضور داشته باشد تا دانش‌آموزان به آن رشد موردنظر ما برسند. مهم است که ابتدا خودمان باور کنیم در محضر سوره‌ی حمد هستیم و بخواهیم به واسطه‌ی زندگی کردن با این سوره‌ی مبارکه رشد کنیم. در این صورت به راحتی می‌توانیم احساس محبت به سوره‌ی حمد و حس حضور آن را به دانش‌آموزان هم منتقل کنیم.

زیبایی‌هایی که می‌توانیم طی آموزش سوره حمد به بچه‌ها معرفی کنیم، انواع گوناگونی دارند. این دسته‌بندی کمک می‌کند بتوانیم موقعیت‌های متنوعی را برای انتقال پیام سوره و رشد بچه‌ها ایجاد کنیم. برخی از این موقعیت‌ها عبارت‌اند از:

**پدیده‌ها:** زیبایی‌هایی که می‌توان آن‌ها را در طبیعت دید؛ مانند آسمان، خورشید، ماه، ستاره‌ها، ابرها، دریاها، کوه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها، درخت‌ها، گل‌ها و حیوانات و... .

**رخدادها:** اتفاقات خوبی که در زندگی می‌افتد و ما یا دیگران را خوش حال می‌کند؛ مثل برنده‌شدن، به خیر گذشتن یک خطر، بارش برف و ایجاد فرصت برف بازی<sup>۳</sup> و... .

**نعمت‌ها:** آنچه خدا به ما داده است و ما به واسطه آن خوش حال هستیم؛ مانند اعضای بدن، سلامتی، قدرت یادگیری، پدر و مادر، معلم و لوازم زندگی و... .

**رفتارها:** کارهای زیبایی که دانش‌آموز انجام





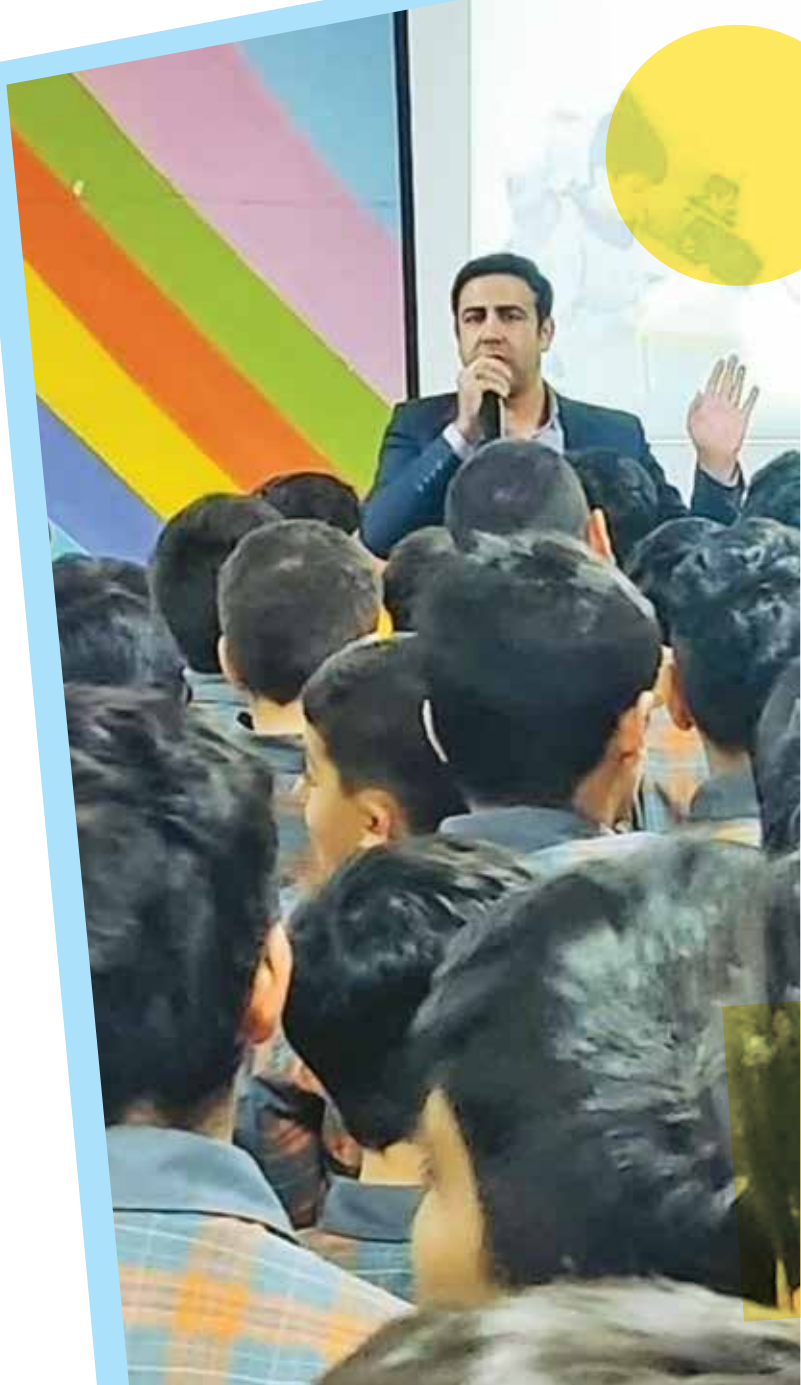
مریم شهرآبادی

# این شعار نیست؛ من عاشقم

دیروز در جایگاه معلم و امروز در جایگاه مدیر، فرقی نمی‌کند. وقتی خلاقیت داشته باشید و عاشق معلمی و بچه‌ها باشید، شرایطی فراهم می‌آورد تا مسیر پرفرازونشیب آموزش را با تأثیری عمیق‌تر و مسئولیتی سنگین‌تر بگذرانید. کسب عنوان‌های معلم نمونه‌ی منطقه‌ای در سال ۱۳۹۳، معاون نمونه‌ی استانی در سال ۱۴۰۰، معلم پژوهنده‌ی برتر کشوری در سال ۱۴۰۰، رتبه‌های استانی و کشوری در رشته‌های قصه‌گویی و نقالی، تألیف بیش از ۳۰ عنوان کتاب کمک‌آموزشی در پایه‌های ابتدایی از سال ۱۳۹۲ تا کنون و همچنین طراحی و تألیف ۱۱۱ عنوان بازی زبان‌آموزی برای معلمان ابتدایی در سال ۱۴۰۲ از افتخارات آقای «محسن طاهری رفیق» معلم و مدیر فعال در شهرستان شهریار است. ایشان مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دارد و از سال ۱۳۸۹ وارد آموزش‌وپرورش شده و با حدود ۱۵ سال سابقه‌ی تدریس در پایه‌های متعدد در دوره‌ی ابتدایی، از سال ۱۳۹۳ به‌عنوان مدیر مدرسه‌ی ابتدایی با ۲۵۰ دانش‌آموز مشغول فعالیت است. وقتی از ایشان پرسیدم چه شد که حرفه‌ی معلمی را انتخاب کردید، جوابشان این بود: «بدون هیچ شعاری، عاشق معلمی هستم و علاقه‌ی قلبی‌ام به تربیت نسل آینده و تأثیر عمیق معلم در سرنوشت دانش‌آموزان من را به این حرفه جذب کرد.» در ادامه، گفت‌وگوی ما با این مدیر فعال از نظراتان می‌گذرد:

■ **حس دیروز شما در جایگاه معلم و امروز شما در جایگاه مدیر مدرسه چگونه است؟**  
در سمت معلمی، تمرکز من بیشتر بر یک کلاس درس و چند دانش‌آموز خاص بود؛ اما امروز مسئولیت سنگین‌تری دارم. باید شرایطی فراهم کنم که همه‌ی معلمان و دانش‌آموزان مدرسه رشد کنند.

■ **منظورتان از اینکه می‌گویید باید شرایطی فراهم آورم که معلمان و دانش‌آموزان رشد کنند، چیست؟**





نمونه بازی تفاوت‌ها و شباهت‌ها



نمونه بازی تمرکز شنیداری

تدریس «فعالیت می‌کنم. همچنین در ارائه‌ی دوره‌های آموزشی تعاملی برخط نیز فعال هستم.

### ■ اگر خاطره‌ای از زمان تدریس یا مدیریتتان دارید، بفرمایید.

معلمی و محیط مدرسه همیشه با خاطرات خوب همراه است. وقتی برای تولید کتاب صوتی به دانش‌آموزان فراخوان دادیم، بسیار ناامیدکننده شروع شد؛ چون هم تولید کتاب صوتی برای دانش‌آموزان جدید بود و هم آن‌ها علاقه‌ای به خواندن و تولید فایل صوتی نداشتند. کم‌کم با انجام برخی اقدامات، دانش‌آموزان به این موضوع علاقه‌مند شدند. روزی یکی از اولیا پیش من آمد. از بنده تشکر کرد و گفت: «ما خانواده‌ی کتاب‌خوانی هستیم؛ اما پسرم اصلاً به کتاب‌خواندن علاقه نداشت، هر اقدامی که بلد بودیم، انجام دادیم و پسرم کتاب‌خوان نشد. با طرح کتاب صوتی که در مدرسه اجرا کردید، نه تنها پسرم به کتاب‌خواندن علاقه‌مند شده است، بلکه تمام کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ی شخصی‌اش را هم خوانده است. به پیشنهاد خودش برای خرید کتاب‌های جدید به کتابفروشی‌های متعدد مراجعه کردیم و برایش کتاب‌های زیادی خریدیم. پسرم تقریباً هر روز یک کتاب را می‌خواند و این کار برای او تبدیل به یک عادت شده است. برای تولید کتاب صوتی مدرسه، زمان زیادی وقت می‌گذارد که این موضوع مرا بسیار خوشحال می‌کند.» بعد از رفتن اولیای دانش‌آموز، نفس راحتی کشیدم و بسیار خوش‌حال شدم از اینکه تأثیرگذار بوده‌ام. تأثیرگذاری مثبت روی افراد همیشه لذت‌بخش است و این خاطرات همیشه من را در مسیر آموزش امیدوار و دلگرم نگه می‌دارد.

■ **چه برنامه‌ای برای آینده‌تان دارید؟**  
می‌خواهم و تلاش می‌کنم مدرسه را به یک مدرسه‌ی نوآور و پیش‌تاز در سطح منطقه تبدیل کنم. با امید به خدا، برای نشر و آموزش فعالیت‌های صورت‌گرفته به سایر مدرسه‌ها نیز آماده هستم.

**ما هم برای ایشان آرزوی موفقیت و سعادت داریم.**

### ■ آیا برای شنیدن حرف‌های دانش‌آموزان فرصت کافی دارید؟

بله، بنده سعی می‌کنم بخشی از زمان حضورم در مدرسه را به موضوعات آموزشی بپردازم و حتی در کلاس‌های درس، دقایقی را به صحبت با دانش‌آموزان و شنیدن حرف‌های آن‌ها اختصاص می‌دهم.

### ■ وضعیت دیروز و امروز مدرسه را چطور می‌بینید؟

من در مدرسه‌های متعددی مشغول به تدریس بودم؛ اما مدرسه‌ای که اکنون مدیریت آن را بر عهده دارم، در سال تحصیلی ۱۴۰۴ - ۱۴۰۳ با تلاش گروهی توانسته است به سطح بالاتری از نظم، کیفیت آموزشی و نشاط دانش‌آموزی برسد. با فعالیت‌هایی مثل ایجاد بازارچه‌ی صنایع‌دستی، تولید کتاب صوتی و منشور اخلاقی که شامل آموزش ارزش‌های اخلاقی به‌صورت دو هفته یک بار بود، شوق و نشاط و انگیزه و نظم در مدرسه ایجاد شد. آخرین کار پژوهش‌محوری که در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ در مدرسه طراحی و اجرا کرده‌ام، چاپ اولین کتاب صوتی تعاملی و بازی‌محور در ایران است که عکس دانش‌آموزان مدرسه در صفحات کتاب به‌عنوان راوی قصه‌ها چاپ شده و همچنین صدای دانش‌آموزان مدرسه به‌صورت رمزینه در این کتاب قابل پخش است. به این صورت که دانش‌آموز کتاب‌های داستان را در منزل می‌خواندند و صدای خود را در هنگام خواندن داستان‌ها ضبط می‌کردند و به‌صورت فایل صوتی برای ما می‌فرستادند. ما این فایل‌های صوتی را که در حقیقت کتاب صوتی هستند، در کانال کتاب صوتی مدرسه برای استفاده‌ی همه‌ی دانش‌آموزان قرار می‌دهیم. بازی‌های تعاملی فراوانی هم برای این کتاب طراحی کرده‌ام. برای هر بازی یک رمزینه طراحی شده است و کاربر می‌تواند با پویبش رمزینه‌ها بازی‌ها را انجام دهد. در نهایت همه‌ی این بازی‌ها و فعالیت‌ها منجر به پرورش درک مطلب می‌شود.

### ■ به غیر از مدیریت مدرسه، فعالیت دیگری هم دارید؟

در کنار مدیریت مدرسه، در زمینه‌ی مشاوره‌ی آموزشی برای معلمان و مربیان فعالیت دارم و گاهی اوقات در کارگاه‌های «ارتقای مهارت‌های

فکر می‌کنم با شیوه‌ی مشارکتی، بهتر می‌توان این مسیر را پیمود. برای انجام کارهای پرورشی و آموزشی جلساتی با همکاران تشکیل می‌دهیم و وظایف را مشخص می‌کنیم. همچنین همه‌ی همکاران در انجام طرح‌های آموزشی و پرورشی، هم پیشنهاد می‌دهند و هم مشارکت می‌کنند. همیشه تأکید ویژه‌ای بر روش تعاملی با مشارکت معلمان، اولیا و دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها داشته‌ام و دارم. هر سال هم یک یا چند فعالیت ناب و خلاقانه با مشارکت همکاران و اولیا در مدرسه طراحی و اجرا می‌کنیم.

### ■ در مورد فعالیت ناب و خلاقانه توضیح بیشتری بدهید.

مثلاً برای کتاب‌خوانی، مسابقه‌ی «به‌گوش باش» را طراحی کردیم که هر هفته، پنج‌شنبه‌ها، فایل کتابی که انتخاب کرده‌ایم و سؤالات مربوط به آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم و آن‌ها برای افزایش درک مطلب به سؤالات پاسخ می‌دهند. بعد هم از نمرات برتر تقدیر می‌شود. یا هر هفته طرح «یک مهارت» را داریم که ضمن آن، مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهیم. به این صورت که شنبه‌ی هر هفته یک مهارت در مدرسه معرفی می‌شود و دانش‌آموزان برای آن مهارت یک نقاشی، تکه‌فیلم، فایل صوتی یا داستان آماده می‌کنند و آن هفته تمامی آموزش‌های ما در مدرسه حول همان مهارت است.

### ■ آیا در زمان تدریس هم از ایده‌ی خاصی استفاده می‌کردید؟

بله، در تدریس همیشه از روش بازی‌محور استفاده می‌کردم و نتیجه‌ی آن تألیف کتاب بازی زبان‌آموزی است که تجربه‌ی سال‌ها پژوهش و فیش‌برداری‌های روزانه‌ی من است. بازی‌ها از نوع بازی‌های ساده‌ی کلاسی هستند که با ابزار ساده قابلیت اجرا دارند و می‌توانند برای معلمان ابتدایی مفید باشند. این کتاب در سال ۱۴۰۲ به چاپ رسیده است.

### ■ ارتباط شما با دانش‌آموزان چطور است؟

در کل، کار با بچه‌ها برای من همیشه لذت‌بخش بوده و هست. ارتباطم با دانش‌آموزان صمیمی و حمایتی است و تلاش می‌کنم همیشه شنونده‌ی حرف‌هایشان باشم.

# مدرسه‌ی ما، کلاس ما

مهاجرت می‌کنند. برخی از آن‌ها هم که در کشور می‌مانند، احساس می‌کنند توانایی استفاده از آموخته‌های خود را ندارند و برخی دیگر که موفق هستند، این موفقیت را نتیجه‌ی تحصیل در این نظام آموزشی نمی‌دانند.

راهکار تقویت هویت و نقش‌آفرینی دانش‌آموزان، در راستای پیشرفت کشور، رویکرد مسئله‌محوری است. دانش‌آموزان زمانی که با مسائل گوناگون درگیر می‌شوند و درصدد حل آن مسائل برمی‌آیند، تعلق هم به آن‌ها پیدا می‌کنند، خواه آن مسئله خانه باشد، خواه مدرسه، محله، کشور یا تمدن اسلامی.

مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌مندی فرد در مواجهه با مسائل و محیط اطراف موضوع مهمی است که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت باید به آن توجه کرد. دانش‌آموز مسئولیت‌پذیر تمرین می‌کند به‌سادگی از کنار مسائل عبور نکند، هر مسئله‌ای را که با آن برخورد می‌کند، بادقت بنگرد. او یاد می‌گیرد نسبت به اطراف خود حساس باشد و بنابراین، می‌تواند مسائل گوناگون را در وهله‌ی اول کشف کند. سپس خود را مسئول حل تمام یا قسمتی از آن مسئله‌ها بداند. پس از طی این مسیر، تمرین می‌کند مسئله را در چارچوب و روندی منظم تحلیل کند و به‌تنهایی یا با همکاری هم‌گروه‌های خود راه‌حلی مقبول برای آن ارائه می‌دهد. در این فرایند دانش‌آموز دغدغه‌مند باور می‌کند که می‌تواند مسئله‌های واقعی اطراف خود را حل کند. افق‌های ذهن چنین دانش‌آموزی فراتر از آن چیزی را می‌بیند که دیگران می‌بینند. در این مسیر، اعتمادبه‌نفس او نیز تقویت و برای حل مسائل بزرگ‌تر آماده می‌شود. با توجه به نکات بیان‌شده و به‌منظور تقویت هویت مدرسه‌ای دانش‌آموزان، افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها، درگیر شدن با مسائل مدرسه و تقویت حس مسئولیت‌پذیری آنان رویدادی با نام «مدرسه‌مونه» طراحی کرده‌ایم.

اسم این رویداد با تلفیقی از محیط «مدرسه و خانه» و با هدف ایجاد حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه انتخاب شده است (چون مدرسه مانند خانه‌مان است، پس ما دانش‌آموزان مدرسه را دوست داریم و برای حل مسائل مدرسه تلاش می‌کنیم).

یک مجموعه، از یک کل احساس کند، بدانند اینکه دارد حالا درس می‌خواند، این جزئی از یک حرکت جمعی و عمومی است، قطعه‌ای از مجموعه‌ی پیشرفت کشور است. این را به دانش‌آموز باید القا کرد. البته خود معلم قبل از دانش‌آموز باید این را در خودش احساس کند. این توصیه‌ی ما به معلمان است. بدانید این کلاس شما یک نقطه‌ی جدافتاده‌ای از مجموعه نیست؛ این، یکی از اجزای مجموعه است که دارد با حرکت خود، این ماشین عظیم را که اسمش کشور است، اسمش جامعه است، اسمش نظام است، حرکت می‌دهد و پیش می‌برد. با این نگاه به شغل خودتان نگاه کنید و این نگاه را به دانش‌آموز منتقل کنید. این همان هویت‌دادن به دانش‌آموز است؛ یعنی احساس کند که جزو مجموعه‌ای است که دارد همه‌ی کشور را حرکت می‌دهد. کار او فقط یک کار شخصی نیست» (۱۴۰۳/۲/۱۲).

اما با وجود هزینه‌های بالایی که همه‌ساله در وزارت آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، هنوز تا تحقق این مطالبه فاصله‌ی زیادی هست. تعدادی از دانش‌آموزان ما به کشورهای دیگر

محمد سبحانی  
کارشناس مددکاری اجتماعی و عضو بنیاد

تعلیم و تربیت برهان  
حمید توانا

دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی و عضو بنیاد  
تعلیم و تربیت برهان

زهرا غلامی

کارشناسی علوم تربیتی و عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان  
و یا کمک زهرا سادات نورانی

کارشناسی علوم کامپیوتر و گرافیکست و عضو بنیاد  
تعلیم و تربیت برهان

در سال‌های اخیر، مقام معظم رهبری بر کلیدواژه‌ی «هویت» تأکید بسیار ورزیده‌اند. یکی از خواسته‌های ایشان از معلمان و مسئولان آموزش و پرورش تربیت نسل باهویتی است که به پیشرفت کشور حساس و برای آن نقش‌آفرین باشد.

«شما به این دانش‌آموزان نگاه م‌لی بدهید؛ یعنی چه؟ یعنی ما یک نقشه‌ی گسترده‌ای داریم برای اداره‌ی کشور، برای پیشرفت کشور؛ یک جدول است. اگر خانه‌های این جدول درست پُر شود، نتیجه‌اش می‌شود پیشرفت کشور. کلاس شما یکی از خانه‌های این جدول است. این دانش‌آموز خودش را جزئی از



مخاطب این رویداد دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی به بالا بوده‌اند (پایه‌های چهارم به بالا)؛ چون این گروه بیشتر از سایر بچه‌ها با مسائل مدرسه درگیر می‌شوند و می‌خواهند که آن‌ها را حل کنند. دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی نیز می‌توانند به مسائل کلاس خود فکر کنند و درصدد حل آن باشند و می‌توان نام رویداد آن‌ها را «کلاس‌مونه» گذاشت. البته با توجه به محدودیت‌های زیادی که در مدرسه‌های دولتی وجود دارند، پیشنهاد می‌شود این رویداد ابتدا با بچه‌های پایه‌ی ششم برگزار شود. این نوشتار برای توضیح بهتر رویداد مسئله‌محوری مدرسه‌مونه تهیه شده است و مطالبی از قبیل روند اجرای رویداد، توجیه مربیان، نکات و ملاحظات اجرایی و... در سه بخش پیش‌نیاز رویداد، روز رویداد و اجرای راهکار گردآوری شده است.

### پیش‌نیاز رویداد

- توجیه مدیر، معلمان و کارکنان مدرسه: برای هرچه بهتر برگزار شدن این رویداد، توجیه و همراهی مدیر مدرسه، مربیان و کارکنان مدرسه ضروری است.

**نکته‌ی ۱:** همراهی مدیر برای پیاده‌سازی این رویداد بسیار مهم است؛ چراکه اگر مدیر همراه نباشد، اجازه نخواهد داد دانش‌آموزان مسائلی را که شناسایی کرده‌اند، حل کنند. در این صورت، دانش‌آموزان ناراحت و مأیوس خواهند شد. پس از توضیح کامل رویداد به مدیر مدرسه، اگر همراهی لازم ایشان ایجاد نشد، بهتر است این رویداد در فضای کلاس باقی بماند و دانش‌آموزان فقط مسائل کلاس خود را حل کنند.

**نکته‌ی ۲:** همراهی معلمان نیز در این برنامه بسیار اهمیت دارد. اگر در مدرسه‌ای معلمان پایه‌ی ششم همراه نبودند، بهتر است این رویداد در پایه‌های دیگر برگزار شود.

- ایجاد انگیزه و دغدغه برای دانش‌آموزان: خوب است این مسئله برای دانش‌آموزان ایجاد شود که چرا باید دغدغه‌ی مدرسه را داشته باشند و برای شناسایی مسائل مدرسه تلاش کنند. بدین منظور، تکه‌فیلمی آماده شده است که خوب است قبل از شروع رویداد برای دانش‌آموزان پخش شود (یک نمونه به صورت رمزینه پاسخ سریع آمده است).

**نکته‌ی ۱:** پس از پخش تکه‌فیلم، نیاز نیست به

### نمونه‌ی کاربرگ‌ها

The image displays four sample worksheets (کاربرگ‌ها) for the 'Classroom Problem Solving' project, numbered 1 to 4. Each worksheet contains text, diagrams, and tables for students to use.

- Worksheet 1:** Contains introductory text and a table with 4 rows and 2 columns.
- Worksheet 2:** Contains introductory text and a table with 4 rows and 2 columns.
- Worksheet 3:** Contains introductory text and a table with 4 rows and 2 columns.
- Worksheet 4:** Contains introductory text and a table with 4 rows and 2 columns.

مدرسه است.

### روز رویداد

پس از توضیح روند رویداد به مدیر، مربیان و کارکنان مدرسه و مشخص شدن روز رویداد، کاربرگ‌های مشخص شده چاپ و به هر گروه یک کاربرگ داده می‌شود (فایل کاربرگ‌ها به صورت رمزینه پاسخ سریع آمده است).

**نکته‌ی ۱:** بهتر است گروه‌بندی دانش‌آموزان در روز قبل رویداد انجام شود تا در مدیریت زمان رویداد مشکلی ایجاد نشود.

**نکته‌ی ۲:** بهتر است تعداد اعضای هر گروه چهار نفر باشد. همه‌ی آن‌ها باید در تصمیم‌گیری و مشورت سهیم باشند.

دانش‌آموزان بگویم که باید خودشان مسئله‌ای را حل کنند. رسیدن به این نکته (حل کردن یکی از مسائل مدرسه) به صورت طبیعی هنگام پُر کردن کاربرگ‌ها حاصل خواهد شد. برای زمینه‌سازی و جذابیت هرچه بیشتر رویداد مدرسه‌مونه، طرح گرافیکی جذابی آماده شده است که خوب است یک هفته قبل از شروع رویداد در کلاس نصب شود.

در این طرح گرافیکی، اشکال گوناگونی دیده می‌شود که در کنار هم مدرسه یا خانه‌ای را ساخته‌اند. با این طراحی می‌خواهیم دانش‌آموز به این نکته برسد که مسئله‌ای که او حل می‌کند، قطعه‌ای از جورچین پیشرفت



کاربرگ‌ها



فیلم ویژه  
دانش‌آموزان -  
علمک

**نکته ۳:** حتماً ابتدا کاربرگ ۱ به دانش آموزان داده شود. نباید تمامی کاربرگ‌ها را در ابتدای رویداد به گروه‌ها داد. در این مرحله، دانش آموز باید مسائل گوناگون را شناسایی کند و مسئله‌های موردنظرش را در کاربرگ بنویسد. کوچکی و بزرگی مسئله مهم نیست، ثبت تمام مسائل هدف این کاربرگ است.

هدف کلی این کاربرگ این است که دانش آموز مسائل متعدد مدرسه را مشاهده کند. مسائلی را ببیند که هم‌روزه به راحتی از کنار آن می‌گذرد. سپس آن‌ها را در کاربرگ مربوطه ثبت کند.

**نکته ۱:** خوب است یکی از دانش آموزان تمام کاربرگ‌ها را به نمایندگی از دیگر دانش آموزان با صدایی بلند و به صورت روان بخواند. پس از خواندن متن، توضیح شفاهی نیز به دانش آموزان داده شود. بهتر است این توضیح را معلم‌مان به دانش آموزان منتقل کنند.

**نکته ۲:** توجه دانش آموز برای بیان فرصت‌ها در کنار مشکلات بسیار مهم است. دانش آموزان غالباً به مشکلات مدرسه فکر می‌کنند؛ اما باید توجهشان به بررسی فرصت‌های مدرسه نیز سوق داده شود (چه کنیم که مدرسه بهتر شود؟)

**نکته ۳:** مسائل این کاربرگ باید به صورت واگرا نوشته شود؛ یعنی دانش آموزان هر گروه مسئله‌های موردنظرشان را بدون اقتناع و مشورت با دیگر اعضای گروه در این قسمت بنویسند.

**نکته ۴:** برای مدیریت هر چه بهتر زمان، نیازی به داشتن برگه‌ی چرک‌نویس نیست. دانش آموزان حتماً باید تمام مسائل را در همین کاربرگ بنویسند؛ چراکه نوشتن مسائل در چرک‌نویس و ثبت دوباره‌ی آن‌ها در این کاربرگ، امری زمان‌بر است.

زمان‌بندی پیشنهادی برای تکمیل این کاربرگ ۳۰ الی ۴۰ دقیقه است. در کاربرگ شماره ۲، دانش آموزان باید از میان تمام مسئله‌هایی که شناسایی کرده‌اند، ده مورد را انتخاب و در کاربرگ شماره ۲ ثبت کنند. پس از ثبت مسائل گزینش شده، مسئول حل هر مسئله نیز باید مشخص شود.

**نکته ۱:** در این مرحله دانش آموزان باید با یکدیگر مشورت کنند. باید به حضور فعال

تک تک دانش آموزان در گروه توجه شود.

**نکته ۲:** یکی از مهم‌ترین اهداف این رویداد تغییر نگرش دانش آموزان از مطالبه‌گری صرف، به سمت مسئول دانستن خود در قبال مسئله‌هایی است که در اطراف آن‌ها وجود دارد. به همین دلیل، در قسمتی از این کاربرگ به مسئول دانستن بچه‌ها در قبال کارها اشاره شده است. در این مرحله نباید از دانش آموزان بخواهیم که حتماً اسم خود را به عنوان مسئول هر بخش بنویسند، بلکه باید این فرایند به صورت طبیعی پیش برود تا بچه‌ها در کاربرگ شماره ۳ با این ادبیات آشنا شوند و مسئولیت

کار خودشان را به عهده بگیرند. زمان‌بندی پیشنهادی برای تکمیل این کاربرگ ۱۰ الی ۲۰ دقیقه است. در کاربرگ شماره ۳، دانش آموزان باید مسئله‌ای را بین تمام مسائلی که در کاربرگ قبلی نوشته‌اند، انتخاب و با هم گروهی‌های خود، مسئله‌ی مورد نظر را حل کنند. سپس راه‌حل‌های گوناگونی را که برای حل مسئله انتخاب کرده‌اند، ثبت و کار را تقسیم کنند.

**نکته ۱:** شاید در کاربرگ ۲، مسائلی شناسایی شده باشد که حل آن در توان دانش آموزان نباشد. در این حالت باید از گروه مربوطه



که دانش‌آموزان را به کنشگری تشویق می‌کند و قدردان زحمات دانش‌آموزان است، می‌تواند حس خوبی را به این رویداد به دانش‌آموزان منتقل کند.

**نکته‌ی ۴:** اگر رویداد فقط در کلاس برگزار می‌شود و مسائل دانش‌آموزان منحصر به محیط کلاس است، امضا و تأیید مدیر الزامی ندارد، گرچه در این حالت نیز خوب است مدیر در جریان فعالیت کلاسی دانش‌آموزان قرار بگیرد و مسائل آن‌ها را بخواند.

**نکته‌ی مهم:** پس از تکمیل کاربرگ شماره‌ی ۴ و تأیید معلم، این کاربرگ به مدیر داده و سپس به دانش‌آموزان بازگردانده می‌شود.

### اجرای راهکار

بعد از آنکه معلم و مدیر مدرسه کاربرگ ۴ را تأیید کردند، نوبت به اجرای راهکار و حل مسئله می‌رسد. در این مرحله، پیگیری معلم بسیار مهم است. معلم باید بستر و شرایطی را ایجاد کند تا دانش‌آموزان مسئله‌های خود را حل کنند.

خوب است دانش‌آموزان پس از حل مسئله‌های متعدد، یک یا چند کدام از این فعالیت‌ها را انجام دهند:

– **ارائه‌ی گزارشی از روند کار در کلاس:** خوب است یکی از اعضای گروه روند شناسایی مسئله و حل آن را برای سایر دانش‌آموزان در کلاس توضیح دهد. انجام این فعالیت به این سبب که دانش‌آموزان با دیگر مسائل آشنا می‌شوند، بسیار مهم است.

– **کلاس انشا:** دانش‌آموزان می‌توانند انشایی درباره‌ی روز رویداد و چگونگی حل مسئله‌ی طلایی بنویسند.

– **برگزاری نمایشگاه:** هر گروه می‌تواند برای خود غرفه‌ای داشته باشد و روند حل مسئله را با استفاده از تصویرها و شکل‌های گوناگون به دیگر دانش‌آموزان مدرسه انتقال دهد. در این نمایشگاه می‌توان از مسئولان دیگر مدرسه نیز دعوت به عمل آورد.

**نکته‌ی مهم:** اگر کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان به ادامه‌ی این رویداد علاقه‌مند بودند، می‌توان به آن‌ها پیشنهاد داد که در فعالیت بعدی، مسئله‌ی مهم و نسبتاً بزرگی را در مدرسه شناسایی کنند تا همه‌ی کلاس با محوریت مربی، آن مسئله را حل کنند.



گروه ثبت می‌شود. پس از اینکه اعضای گروه این شناسنامه را ثبت کردند، ابتدا معلم و سپس مدیر مدرسه می‌بایست مسئله و راه‌حل دانش‌آموزان را تأیید و نظرات خود را در مورد روند حل مسئله بیان کنند.

**نکته‌ی ۱:** امکان دارد دانش‌آموزان در نوشتن تاریخ پیشنهادی برای حل مسئله با مشکل مواجه شوند؛ اما خوب است که معلم به آن‌ها کمک کند تا برای زمان حل مسئله‌ی خود نیز برنامه‌ریزی کنند.

**نکته‌ی ۲:** ابتدا معلم شناسنامه‌ی هر گروه را بررسی کند و اگر با مسائلی مواجه شد که دانش‌آموزان توان حل آن را ندارند، آن مسائل را به گروه بازخورد دهد تا آن‌ها برنامه‌شان را تصحیح کنند. بسیار مهم است که اگر مسئله یا راه‌حلی برای دانش‌آموزان مناسب نیست و احتمال دارد مدیر آن را رد کند، به دست معلم تصحیح شود.

**نکته‌ی ۳:** توجیه این موضوع برای معلم و مدیر مدرسه بسیار مهم است که دانش‌آموزان در ابتدای مسیر مسئله‌محوری و کنشگری هستند و نباید ذوق آن‌ها از بین برود. در بازخورد معلم و مدیر به شناسنامه‌ی هر گروه باید به ادبیات نوشتاری هم توجه شود. ادبیاتی

بخواهیم که از مسائل دیگری که در کاربرگ ۱ انتخاب کرده‌اند، استفاده کنند.

**نکته‌ی ۲:** گاهی دانش‌آموزان به‌جای نوشتن مسئله، در قسمت مسئله‌ی طلایی، راه‌حل می‌نویسند؛ مثلاً به‌جای کثیف‌بودن حیاط مدرسه نوشته می‌شود: تمیز کردن حیاط مدرسه با جارو. در این شرایط، معلم باید نوشتن صحیح مسئله را به دانش‌آموزان متذکر شود.

**نکته‌ی ۳:** نوشتن راه‌حل‌های متعدد و خلاقانه کمی برای دانش‌آموزان سخت است. غالباً دانش‌آموزان برای حل مسئله‌هایی که انتخاب کرده‌اند، راه‌حل‌های کلیشه‌ای به ذهنشان می‌رسد. در این مواقع باید از آن‌ها خواست به راه‌های متعدد فکر کنند و به راه‌حل‌های محدودی که نوشته‌اند، قانع نشوند.

**نکته‌ی ۴:** همه‌ی اعضای گروه باید در حل مسئله‌ی طلایی نقش داشته باشند. حتماً باید به این نکته توجه کرد که اسم تمامی اعضای گروه در تقسیم کار آورده شود و هر کدام از آن‌ها در حل مسئله نقش داشته باشند.

زمان پیشنهادی برای این کاربرگ ۱۰ الی ۲۰ دقیقه است.

در کاربرگ انتهایی، خلاصه‌ای از اقدامات صورت‌گرفته در برگه‌ای با عنوان شناسنامه‌ی

# تدریس داستانی با مشورت هوش مصنوعی!

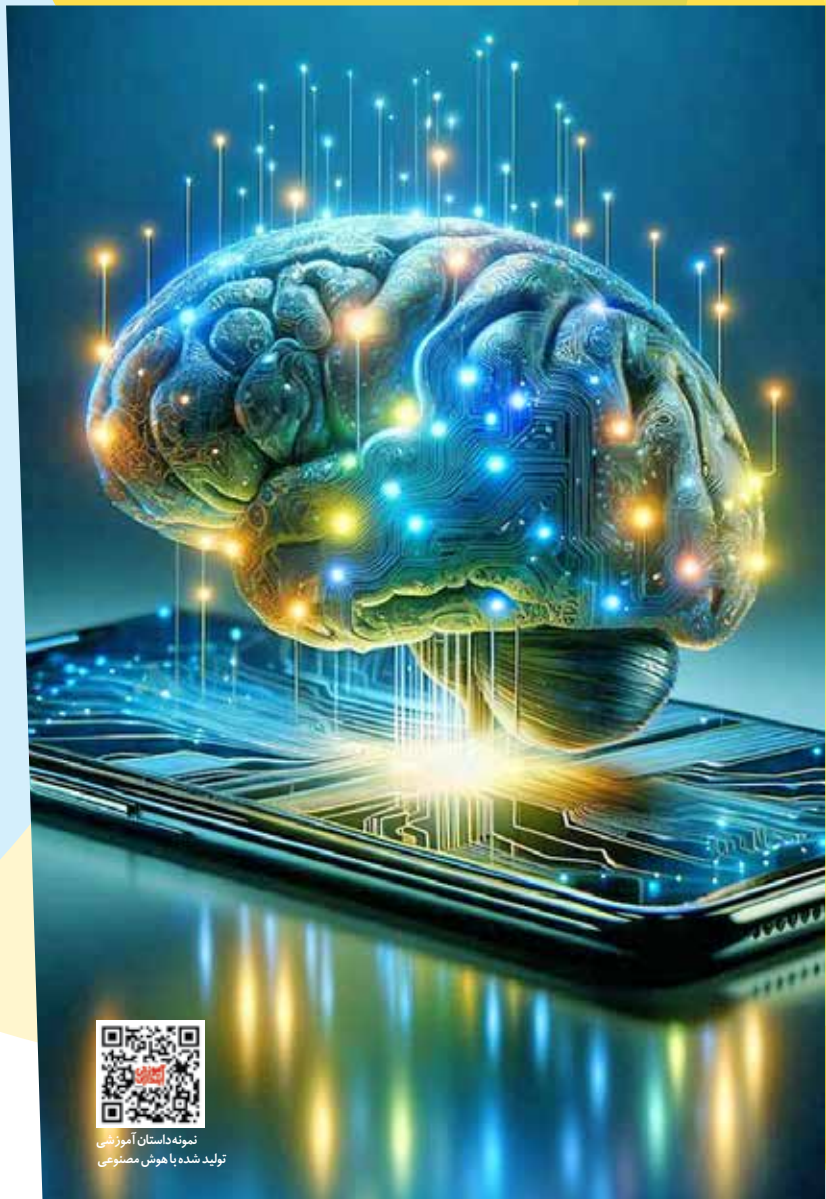
سیدعلی عبداللہی حسینی  
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، مربی (کوچ)  
عملکرد  
عذرابیگم هژیوی  
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و مدیر  
مدرسه‌ی ابتدایی

روش تدریس «داستان‌محور» یکی از روش‌های مؤثر و جذابی است که از آن برای انتقال مفاهیم آموزشی به دانش‌آموزان استفاده می‌شود. این روش به‌خصوص در کلاس‌های درس دوره‌ی ابتدایی، نقش مهمی در تقویت تفکر خلاق و مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان دارد. در دنیای امروز، ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند به معلمان کمک کنند داستان‌های آموزشی جذاب و تعاملی بسازند؛ داستان‌هایی که نه تنها برای دانش‌آموزان جذاب‌اند، بلکه می‌توانند فرایند یادگیری را شخصی‌سازی کنند. این مقاله به بررسی روش استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در تولید داستان‌های آموزشی و نحوه‌ی بهره‌برداری از آن‌ها در دوره‌ی ابتدایی می‌پردازد.

یکی از مشکلات اساسی معلمان، در مدرسه‌ی ابتدایی، این است که تولید محتوای آموزشی، به‌ویژه داستان، می‌تواند برای آن‌ها زمان‌بر، تخصصی و پیچیده باشد. اینجاست که می‌توان از هوش مصنوعی کمک گرفت. ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند با کاهش زمان و هزینه، فرایند تولید محتوای آموزشی را ساده‌تر کنند.

در این شماره، نحوه‌ی استفاده از «Writer for me» را برای تولید داستان‌های آموزشی توضیح می‌دهیم:

وارد وبگاه یا برنامه‌ی کاربردی چت‌جی‌پی‌تی شوید. از قسمت بالای صفحه، سمت چپ، دو خط همبرگری را کلیک کنید، نوار ابزاری باز می‌شود. گزینه‌ی Explore Gpt s را کلیک کنید. منتظر بمانید صفحه‌ی جدید که در آن انواع هوش مصنوعی وجود دارد، نمایش داده شود. از نوار ابزار بالا، طبقه‌ی writing را کلیک کنید. گزینه‌ی Writer for me را انتخاب کنید. پس از باز شدن صفحه، در قسمت نوشتن پیام، شروع به نوشتن متاپرامپت کنید. یادتان باشد برای دریافت خروجی باکیفیت، باید درخواست باکیفیتی ارائه دهید.



نمونه داستان آموزشی  
تولید شده با هوش مصنوعی



روش تولید داستان‌های  
آموزشی یا استفاده از  
هوش مصنوعی



## به نمونه‌ی متاپرامپت داده‌شده توجه کنید:

تو نویسنده و متخصص داستان هستی و سال‌های زیادی است که برای کودکان رده‌های سنی «الف» و «ب» قصه‌های خواندنی و تربیتی می‌نویسی. به‌عنوان معلم پایه‌ی اول ابتدایی قرار است مفهوم «گیاهان قسمت‌های مختلفی دارند» را تدریس کنی. لطفاً بر اساس عناصر اصلی و فرعی قصه‌نویسی، داستانی را برای کودکان هفت‌ساله بنویس که با اجرای آن، دانش‌آموزان بتوانند مفهوم «گیاهان قسمت‌های مختلف دارند» را عمیقاً درک کنند. انتظار داریم با طراحی پرسش‌ها یا فعالیت‌هایی، قصه را به‌صورت تعاملی آماده کنی. مدت‌زمان اجرای این قصه، در کلاس درس، بین ده تا پانزده دقیقه است.

## گام دوم: سفارشی‌سازی محتوا

در این مرحله، معلم باید قصه‌ای را که هوش مصنوعی تولید کرده است، با دقت مطالعه کند و در صورت نیاز، با نوشتن پرامپت بعدی، جواب مناسب‌تر و باکیفیت‌تری را دریافت کند. وقتی قصه‌ای را که هوش مصنوعی برای پرامپت داده‌شده تهیه کرده بود، خواندیم، متوجه شدیم متن قصه نیاز به اصلاحاتی دارد؛ بنابراین پرامپت بعدی را چنین نوشتیم:

کلمات نوشته‌شده در قصه، خیلی جدی و با لحن رسمی است و قابل‌درک برای بچه‌های هفت‌ساله نیست؛ بنابراین متن را بازنویسی کن، به‌گونه‌ای که از کلمات غیررسمی و خودمانی در متن قصه استفاده شود و واژگان به‌کارگرفته‌شده، با سن کودک متناسب باشد.

می‌توان مشخص کرد که شخصیت‌های داستان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند (مثل دانش‌آموزی کنجکاو یا معلمی مهربان). این ابزار قادر است شخصیت‌ها، رویدادها و حتی موقعیت‌های متعدد را ایجاد کند و داستانی مطابق با نیازهای آموزشی معلم ارائه دهد. در این مورد نیز با نوشتن آخرین پرامپت، قصه‌ی نهایی تولید شد:

متن قصه را «گسترده‌تر» و «طولانی‌تر» کن، به‌ویژه در بخش معرفی قسمت‌های گوناگون گیاه تا قصه برای کودکان جذاب‌تر شود.

## گام سوم: استفاده از قصه در کلاس درس

اجرای قصه به‌صورت تعاملی، به‌خصوص برای کودکان کلاس اول، می‌تواند تجربه‌ای جذاب و آموزنده باشد. در ادامه، چند پیشنهاد کاربردی برای اجرای بهتر و باکیفیت‌تر قصه‌ی «ماجراجویی دانه کوچولو» که با هوش

مصنوعی آن را ساخته‌ایم، بیان می‌کنیم:

### ۱. استفاده از حرکات نمایشی و صداهای متنوع

الف) صداسازی متناسب با هر شخصیت صدای خود را برای هر شخصیت متفاوت کنید؛ مثلاً صدای «باد مهربون» آرام و ملایم باشد، صدای «بارون شیطون» شاد و پرهیجان، صدای «خورشید خانم» گرم و دلنشین و صدای توتو (دانه کوچولو) می‌تواند معصوم و کودکانه باشد.

ب) شبیه‌سازی با حرکات بدن برای شخصیت‌های غیرانسانی مثل باد و باران، از حرکت دست‌ها و چرخش بدن و حتی از شبیه‌سازی صدا با دست کمک بگیرید؛ مثلاً برای «باد» دست‌هایتان را به‌آرامی حرکت دهید و صدای «وووو» در بیاورید یا برای باران، انگشت‌هایتان را به‌آرامی روی میز یا روی هوا تکان دهید.

ج) نمایش رشد دانه با بدن خود رشد دانه را نشان دهید: ابتدا خم و سپس جمع شوید (مثل دانه). به‌تدریج قد بکشید و باز شوید (مثل رشد ساقه و برگ). بچه‌ها هم می‌توانند همراه شما این حرکات را انجام دهند.

### ۲. تعامل مستقیم با کودکان

الف) پرسش و پاسخ از سؤال‌هایی که در متن قصه آمده

است، به‌صورت زنده و طبیعی استفاده کنید. پس از هر اتفاق جدید، از بچه‌ها نظرشان را بپرسید:

- ریشه‌ها کجا هستند؟  
- اگه ساقه نباشه، چه اتفاقی می‌افته؟  
- برگ‌ها چطور غذا درست می‌کنن؟  
ب) تشویق به ایفای نقش بچه‌ها را در داستان مشارکت دهید؛ مثلاً یک نفر نقش باد مهربون را بازی کند و «وووو» کند، یک نفر نقش باران شیطون باشد و با دستش روی میز «تق تق» باران را نشان دهد و بقیه‌ی بچه‌ها نقش دانه‌های کوچولو را بازی کنند و رشدشان را نشان دهند.

### ۳. استفاده از وسایل کمکی و ابزارهای ساده

الف) تصویرها یا نقاشی‌ها تصویرهای ساده‌ای را از قسمت‌های گوناگون گیاه (ریشه، ساقه، برگ و گل) تهیه کنید و هنگام معرفی هر قسمت، آن‌ها را نشان دهید. این کار کمک می‌کند بچه‌ها بهتر مفهوم را درک کنند. حتی می‌توانید از بچه‌ها بخواهید با انگشت، هر قسمت را روی نقاشی گیاه نشان دهند.

ب) وسایل نمایشی از وسایل ساده و دست‌ساز استفاده کنید؛ مثل استفاده از پارچه‌ای آبی برای نمایش باران، تکه‌ای مقوا یا چراغ قوه برای خورشید و بادبزن برای نمایش باد.

#### ۴. استفاده از بازی‌های حرکتی و نمایشی در بین قصه

الف) حرکت ریشه‌ها  
وقتی ریشه‌ها معرفی می‌شوند، از بچه‌ها بخواهید انگشتان دستشان را مثل ریشه‌ها حرکت دهند و تصور کنند در خاک فرو می‌روند.

- قد کشیدن ساقه  
وقتی ساقه رشد می‌کند، از بچه‌ها بخواهید بلند شوند و مثل ساقه، صاف بایستند و دست‌هایشان را بالا ببرند.

- ارتباط برگ‌ها با خورشید  
وقتی برگ‌ها نور خورشید را می‌گیرند، از بچه‌ها بخواهید دست‌هایشان را مثل برگ باز کنند و گرفتن نور را نشان دهند.

#### ۵. فضاسازی و استفاده از محیط کلاس

الف) طراحی فضای داستانی  
کلاس را طوری آماده کنید که حال و هوای جنگل و خاک را تداعی کند. گوشه‌ای از کلاس را برای «خاک» مشخص کنید (با پارچه‌ای قهوه‌ای یا خاکی‌رنگ خاک را نشان دهید). از وسایل ساده برای نمایش خورشید، باد و باران استفاده کنید، حتی می‌توانید از صداهای ضبط‌شده‌ی باد، باران، و پرند‌ها استفاده کنید تا قصه زنده‌تر شود.

ب) مکان‌یابی داستانی  
هر قسمتی از کلاس می‌تواند نماینده‌ی یک بخش از داستان باشد؛ مثلاً در سمتی از کلاس «ریشه‌ها» باشند، جایی که بچه‌ها حرکت ریشه‌ها را انجام می‌دهند، سمت دیگر

متعلق به «نور خورشید» باشد، جایی که بچه‌ها برگ‌هایشان را باز می‌کنند.

#### ۶. درگیر کردن احساسات کودکان

الف) تشویق حس کنجکاوی  
از بچه‌ها بخواهید حدس بزنند در مرحله‌ی بعدی چه اتفاقی می‌افتد؛ مثلاً از آن‌ها بپرسید: «به نظرتون بعد از ریشه‌ها، چه چیزی باید رشد کنه یا برگ‌ها چه کاری می‌تونن انجام بدن؟»

ب) بیان احساس شخصیت‌ها  
وقتی توتو ریشه یا ساقه درمی‌آورد، احساساتش را با کلمات پررنگ کنید؛ مثلاً بگویید: «وای! توتو خیلی هیجان‌زده شده! داره می‌گه: حالا می‌تونم آب بخورم!» این کار باعث می‌شود بچه‌ها با توتو هم‌ذات‌پنداری کنند.

#### ۷. جمع‌بندی پایانی با مشارکت بچه‌ها

الف) بازسازی داستان  
بعد از قصه، از بچه‌ها بخواهید داستان را دوباره تعریف کنند و هر کدام قسمتی را بگویند. یکی از بچه‌ها از درآمدن ریشه‌ها بگوید و دیگری از بلندشدن ساقه.

ب) نقاشی و کار دستی  
به بچه‌ها فرصت دهید دانه‌ای شبیه توتو را نقاشی کنند و قسمت‌های گوناگونش را (ریشه، ساقه، برگ و گل) رنگ کنند و اسم بگذارند.

ج) جمع‌بندی شفاهی  
از بچه‌ها سؤال‌هایی ساده بپرسید: «حالا می‌دونید که هر گیاه چه قسمت‌هایی داره؟ کدوم قسمت گیاه غذا درست می‌کنه؟ چرا ریشه‌ها توی خاک زندگی می‌کنن؟»

#### نتیجه‌گیری

استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در تولید داستان‌های آموزشی می‌تواند به معلمان کمک کند روش تدریس خود را جذاب‌تر، کارآمدتر و شخصی‌سازی‌شده‌تر کنند. این ابزارها علاوه بر اینکه در زمان و منابع معلمان صرفه‌جویی می‌کنند، فرصتی را برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند تا آن‌ها نیز در فرایند یادگیری فعالانه‌تر مشارکت کنند و مهارت‌هایشان از جمله تفکر انتقادی، خلاقیت و همکاری گروهی تقویت شود.



# مدرسه در دست والدین



اعظم لاریجانی

گفت: «مشارکت در این برنامه از وجه‌های متفاوتی قابل بررسی است. شاید برخی از والدین بگویند چرا معلم سخت‌گیری کرد. حضور در این برنامه می‌تواند این دیدگاه را عوض کند. من به‌عنوان روان‌شناس می‌گویم که باید با بچه‌ها خوب رفتار کرد. بچه‌های امروز دوست دارند حرفشان شنیده و به آن‌ها توجه شود. همه‌ی این‌ها درست؛ ولی در جای خودش باید محکم هم بود. اگر امروز در مدرسه مقابل برخی نابهنجاری‌ها یا رفتارهای نامناسب نایستند، فردا این بچه در جامعه سیلی می‌خورد. من مادرم و به فرزندم علاقه‌مند هستم. نمی‌خواهم کسی دلش را بشکند؛ ولی اگر امروز نازک‌نارنجی بارش بیاورم، فردا صدمه می‌خورد.»

زنگ تفریح خورده بود و مادرانی که زنگ پیش به‌عنوان معلم در کلاس درس داده بودند، با هیجان و البته خسته دور میز معلمان نشستند تا نفسی تازه کنند. من هم به جمعشان پیوستم تا نظرشان را در مورد اجرای این طرح جويا شوم. «زینب محمدزاده» مادر «مانی نیک‌پی» با اینکه دکترای زیست‌شناسی دارد، امروز نقش معلم ادبیات فارسی را بازی می‌کرد. او اجرای این طرح را مثبت دانست و گفت: «از یک طرف ما خودمان را به جای معلمی که گاهی ممکن است از او انتقاد کنیم، قرار می‌دهیم و آن وقت است که می‌فهمیم انتظاری که از یک معلم داریم، گاهی شاید زیاده‌خواهی باشد. از طرف دیگر این برنامه‌ها برای بچه‌ها جذاب است. پسر من امروز با شوق زیادی برای مدرسه آماده می‌شد.»

«سرور حاجی‌سعید» مادر «محمدحسن شبستری» ضمن تأیید این سخنان گفت: «بچه‌های امروز متفاوت هستند. همیشه فکر می‌کردم به‌دلیل اینکه فرزندان ما صاحب‌نظر هستند و به حقوق خودشان آگاهی دارند، باید به آن‌ها میدان داده شود. امروز فهمیدم که بله، این‌ها امتیاز

پیوستند. آن روز هر یک از والدین با جدیت در نقش خود فرو رفته بود. یکی معاون مدرسه بود و آن دیگری مدیر. یکی مشاور بود و بقیه معلم. جنب‌وجوش شایان توجهی در مدرسه به چشم می‌خورد و همه از این روز متفاوت لذت می‌بردند.

در اولین لحظات حضور در مدرسه، وارد اتاقی شدم که «فاطمه بهزادی‌نیا» مادر «امیراحسان داوودی» و «نوشین سرآهنگ» مادر «حسین شاهرخ»، در سمت معاون انضباطی پایه‌ی پنجم، ایفای نقش می‌کردند. نظر آن‌ها را درباره‌ی این طرح جويا شدم. «بهزادی‌نیا» ضمن ابراز خشنودی از آشنایی با فضای کاری مدرسه، بازخورد فرزندش را نیز مثبت قلمداد کرد. «نوشین سرآهنگ» هم که دکترای روان‌شناسی دارد، از حضور در این مدرسه انرژی زیادی گرفته بود و

آیا والدین می‌دانند معلمان با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟ آیا رفتار دانش‌آموزان در مقابل دیدگان والدینشان با زمانی که آن‌ها نیستند، فرق دارد؟ آیا آگاهی به اینکه معلمی مهارت است، ضرورت دارد؟ آیا والدین از تمام تلاش‌هایی که در مدرسه برای فرزندانشان انجام می‌شود، آگاه‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و برای ساختن روزی متفاوت، مدرسه‌ی کلام مهر در منطقه‌ی ۷ آموزش و پرورش تهران، در روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ از والدین دعوت کرد که برای یک روز، اداره‌ی مدرسه را به عهده بگیرند. ابتدا قرار بود مدرسه در دست مادران باشد؛ اما با درخواست تعدادی از دانش‌آموزان، چند نفر از پدران و یک برادر هم به این جمع



است؛ ولی باید تعادلی هم برقرار شود. باید به آن‌ها تفهیم شود که دلیل اصلی آمدنشان به مدرسه یادگیری است نه اینکه فقط نظرش را بگوید. البته معلم هم باید هماهنگ با بچه‌های امروزی باشد. دانش‌آموزان امروزی بچه‌های عصر اطلاعات، هوش مصنوعی و رایانه هستند.»

«آرزو یزدانی»، مادر «متین سیدآقمدنی» نیز به صحبت پیوست و گفت: «در گذشته تفریح ما فقط مدرسه رفتن بود و مدرسه هم به معنای درس خواندن؛ اما امروز بچه‌ها تفریحات متنوعی دارند. رشد فناوری بچه‌های امروز را متفاوت کرده است. بنابراین کنار آمدن با خواسته‌های این بچه‌ها و راضی کردنشان کار سختی است. اینجاست که می‌فهمیم فراهم کردن یک محیط آموزشی مناسب و به‌روز با امکانات کافی چقدر مشکل است.»

«انسبه تیمی» مادر «امین کیان‌قلی‌زاده» آن روز به این نتیجه رسیده بود که یک وقت‌هایی سخت‌گیری هم لازم است. او معتقد بود معلم‌های امروز نسبت به گذشته مهربان‌تر و آگاه‌تر هستند و به همین دلیل بچه‌ها با آن‌ها احساس راحتی دارند.»

از اتاق معلم‌ان بیرون آمدم و «علیرضا غفاری» برادر محمدرضا غفاری را تا کلاسی همراهی کردم که قرار بود او معلمش باشد. علیرضا در آن کلاس موضوع مایه‌کوبی (واکسیناسیون) را برای بچه‌ها توضیح می‌داد. این موضوع برای همه جذاب بود،

آن قدر که هم توجه می‌کردند و هم مشارکت؛ اما یکی از دانش‌آموزان با متلک‌هایش، جو کلاس را به هم می‌ریخت. از نگاه علیرضا به آن دانش‌آموز می‌شد حدس زد که در حال درک حال معلمی است که در چنین فضاهایی واقع می‌شود. از او پرسیدم: «این برنامه چه تأثیری می‌تواند در نگاه والدین به مسئولیت کارکنان مدرسه داشته باشد؟» او در پاسخ توضیح داد: «در واقع این برنامه نگاه والدین را واقع‌گرایانه‌تر می‌کند. به این ترتیب که آن‌ها متوجه می‌شوند سروکله‌زدن با بچه‌هایی با توانایی‌های متفاوت و از خانواده‌های گوناگون چگونه است.» از او پرسیدم: «به نظر شما یک معلم خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟» وی صبوری و باسوادی را مهم‌ترین ویژگی دانست و گفت: «باید روش تدریس هم جذاب باشد. آن قدر که همه‌ی دانش‌آموزان جذب شوند. معلم‌ها باید بازی و مسابقه و امتیاز جمع کردن را با درس همراه کنند تا بچه‌ها در یک رقابت سالم، بدون اینکه خودشان بفهمند، پیشرفت کنند.»

پس از آن به اتاق دیگری که معلم‌ان واقعی نشسته بودند و روز متفاوتی را تجربه می‌کردند، وارد شدم و به گفت‌وگو نشستیم. از آن‌ها نیز پرسیدم: «فکر می‌کنید

نتیجه‌ی اجرای این طرح در مدرسه چیست؟» «هونا آل‌سید» دبیر زبان و ادبیات پایه‌ی پنجم و ششم است. او که هفده سال سابقه‌ی کار دارد، در پاسخ به این پرسش توضیح داد: «این نمونه طرح‌ها باعث می‌شود اولیا کمی با چالش‌های مدرسه آشنا شوند. امروز من سر کلاسی که مادری آن را اداره می‌کرد، رفتم. چند دقیقه‌ی اول جذاب بود؛ ولی بعد هم مادر و هم بچه‌ها کلافه شده بودند. آن مادر همان‌جا به اینکه معلمی و اداره‌ی کلاس مهارت است، اذعان کرد. شاید وقتی از دور نگاه کنید، کلاس‌داری سهل به نظر برسد؛ ولی وقتی وارد میدان شوید، تازه می‌فهمید که چه هنری دارد معلمی که هم‌زمان هم بچه‌ها را ساکت نگه می‌دارد، هم مشتاق و هم به آن‌ها می‌آموزد آنچه را باید یاد بگیرند.»

«مهناز آجودانی» با ۳۷ سال سابقه‌ی کار هم به گفت‌وگو پیوست و گفت: «همه فکر می‌کنند آموزش ابتدایی کار راحتی است. چهار کلمه است که همه می‌دانند و می‌توانند به بچه‌ها یاد بدهند؛ اما باید بدانند دوره‌ی ابتدایی آغاز یک راه است. مهارت‌ها هم باید در این دوره شکل بگیرد. من معلم فقط با بیست‌وشش دانش‌آموز سروکار ندارم. علاوه بر آن‌ها ۲۶ پدر، ۲۶ مادر و ۲۶ هویت متفاوت سروکار دارم. این است که چنین برنامه‌هایی باعث می‌شوند والدین در موقعیت ما واقع شوند و انتظارانشان را متناسب با این موقعیت در نظر بگیرند و درک کنند که کلاس فقط مختص فرزند آن‌ها نیست، بلکه کلاس مجموعه‌ای است که فرزند آن‌ها هم عضوی از آن است.»

«بهمن بوربور» که ۱۵ سال سابقه‌ی کار دارد، معتقد است که هرچه مشارکت اولیا در آموزش‌وپرورش بیشتر باشد، می‌توان در تربیت موفق‌تر بود. وی گفت: «همیشه فاصله‌ای بین اولیا، دانش‌آموزان و معلم‌ان وجود داشته است. این‌گونه برنامه‌ها این فاصله را از بین می‌برد و باعث ایجاد همبستگی می‌شود.» از او پرسیدم: «آیا شما با این نظر که معلم‌ان دیگر احترام سابق را ندارند، موافق هستید؟» او مخالف بود و گفت: «به نظر من، احترام همچنان پابرجاست؛ فقط شکلش عوض شده است. در گذشته فاصله‌ی بین معلم و دانش‌آموز زیاد بود، ولی امروزه این فاصله برداشته شده است. امروز ممکن است من همراه دو دانش‌آموزم در مسیر خانه همراه شوم و درباره‌ی مسائلی غیر از درس گفت‌وگو کنم. این چیزی از احترام من کم نمی‌کند.»

بعد از آن پای صحبت «امیر سلیم‌زاده»،



### «امیر حسین افشار» فروشنده‌ی لوازم یدکی

خودرو، در سمت مدیر مدرسه، ایفای نقش می‌کرد. از او پرسیدم: «مدیر مدرسه بودن چه حسی دارد؟» او که بیشتر محو فضای مدرسه شده بود و روزهای تحصیلی خودش برایش تداعی می‌شد، گفت: «امروز برای من روزی به یاد ماندنی است. این کار خیلی مسئولیت دارد. از دور به مدیر مدرسه و رابطه‌اش با بچه‌ها نگاه می‌کردم. اینکه او با چه آرامشی با دانش‌آموزان صحبت می‌کند و چطور نیاز این لحظه‌ی دانش‌آموز را درک می‌کند، واقعا مهارت می‌خواهد.» او آن روز به این نتیجه رسید که کمی سختی هم لازم است تا بچه‌ها برای زندگی ساخته شوند. او گفت: «بچه‌ها باید یاد بگیرند و بی‌بهره نباشند که هر جایی قوانین خودش را دارد. همان‌طوری که خانه، محیط سربازی و کارمقرراتی دارد که باید به آن پایبند بود، مدرسه هم همان‌طور است و اگر دانش‌آموزی از رعایت این قوانین تخلفی کرد، باید جریمه شود.»

در آخر کار از «بردیا رشیدی» دانش‌آموز کلاس ششم پرسیدم: «این برنامه چه تأثیری روی والدین می‌گذارد؟» او به متفاوت بودن این روز اشاره کرد و گفت: «حس عجیبی است که یک روز پدرها و مادرها بیایند و در همان فضایی باشند که ما هستیم. شاید آن‌ها بهتر درک کنند که برای کمک در درس‌ها، چطور باید رفتار کنند تا فرزندشان با آن‌ها همراه شود و به آن‌ها گوش بدهد.» از او پرسیدم: «اگر تو معلم بودی، با بچه‌هایی که کنترل‌ناپذیرند، چه می‌کردی؟» بردیا گفت: «این‌طور نبود که فقط درس بدهم. بعضی وقت‌ها مثل یک دوست کنارشان می‌نشستم. باید بفهمم چرا شلوغ کاری می‌کنند. شاید من خوب درس نمی‌دهم.» آن روز با حسی متفاوت از مدرسه بیرون آمدم. از مدرسه‌ای که مدیریت و کارکنان آن، دست در دست اولیاء، خود را متعهد می‌دانند تا از دستیابی دانش‌آموز به تمام ظرفیت خود اطمینان حاصل کنند.



نگاه و حسی را عقب‌ماندن برخی از معلمان با جریان پیشرفت دانست و گفت: «گاهی اوقات معلم چون نتوانسته همپای بچه‌های امروزی پیشرفت کند، چنین حسی را دارد. اگر معلم همپای بچه‌ها حرکت و پیشرفت کند، بچه‌ها به او احترام خواهند گذاشت. به همین دلیل آموزش و پرورش موظف است آموزش‌های ضمن خدمت را مثل گذشته جدی بگیرد. حتی جدی‌تر از گذشته. اگر در گذشته می‌گفتند هر بیست سال، علم دو برابر می‌شود، امروز بعضی از اندیشمندان می‌گویند هر شش ماه، علم دو برابر می‌شود. من معلم هم باید همراه با این پیشرفت پیش بروم تا دانش‌آموز مرا باور کند. معلمی که در بیست سال قبل گیر کرده است، هیچ‌وقت بین بچه‌های امروزی صاحب احترام نیست.»

مدیر مدرسه‌ی «کلام مهر»، نشستیم. او سال ۱۳۸۹ بازنشسته شده است و چهل سال سابقه‌ی کار دارد. از وی پرسیدم: «دلیل اجرای این برنامه در مدرسه چیست؟» او خانواده‌ها را مکمل کار آموزش و پرورش دانست و گفت: «ما به دنبال این بودیم که والدین بیایند و مدرسه و بچه‌ها را از دید ما ببینند. به این ترتیب آن‌ها می‌توانند هم سختی کار معلمی و هم شیرینی آن را متوجه شوند. شاید این تجربه بتواند به نوع برخورد با فرزندشان در خانه هم کمک کند.»

از او پرسیدم: «شما با این نظر که معلمان جایگاه و احترام گذشته را ندارند، موافقید؟» مدیر مدرسه‌ی «کلام مهر» علت ایجاد چنین

# «نه» را به دایره‌ی واژگانت اضافه کن!



محسن آریزی  
دانشجوی دوره‌ی دکترای روان‌شناسی  
تربیتی، دانشگاه شیراز

انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از برقراری ارتباط است؛ اما گاهی در این روابط، دیگران درخواست‌هایی از ما دارند که منطقی نیستند و حتی غیرقانونی یا غیراخلاقی هستند. این درخواست‌ها معمولاً فرد را تحت فشار عصبی قرار می‌دهند و بنابراین، به لحاظ روان‌شناختی می‌توانند پیامدهای نامطلوبی همچون اضطراب را برای فرد در پی داشته باشند. موافقت با چنین درخواست‌هایی، علاوه بر پیامدهای نامطلوب روانی، پیامدهای جدی‌تری همچون افسردگی، اعتیاد، بزهکاری، فرار از خانه و مدرسه، مشکلات بین‌فردی، خشم، ورود به روابط نامتعارف و آسیب‌های ناشی از آن و... را نیز به همراه دارد؛ لذا ضروری است آموزش مهارت «نه گفتن» به‌مثابه ابزار موردنیاز برای زندگی در جامعه، به‌خصوص جامعه‌ی کنونی، فراگیر شود. این مهارت مانند ابزاری است که به‌واسطه‌ی آن می‌توانیم در زندگی روزمره از خودمان و سلامت روانمان محافظت کنیم و با انتخاب‌های درست، زندگی شادتر و ایمن‌تری داشته باشیم. با آموختن مهارت «نه گفتن» به‌موقع و به‌شیوه‌ی صحیح می‌توانیم از پیامدهایی منفی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، جلوگیری کنیم و از روابط سالم‌تری برخوردار باشیم.

مهارت «نه گفتن» نیز همانند سایر مهارت‌ها با آموزش و تمرین قابل یادگیری است. برای آموختن این مهارت علاوه بر فنون و روش‌هایی که در ادامه‌ی این نوشتار تشریح می‌شود، شناخت حقوق خود، باور به برابری افراد و برخورداری از حقوق یکسان همه‌ی افراد لازم به نظر می‌رسد. به بیان ساده‌تر، فرد باید بداند که «حق دارد برای خود تصمیم‌گیری کند»، «حق دارد درخواست‌های نامعقول دیگران

درس بخونم. فردا هم امتحان ریاضی داریم. آگه نمره‌ی امتحانم بد شد، تقصیر توست.» در اینجا، سارا با بیان اینکه اگر به خواسته‌اش نرسد، ناراحت می‌شود و عملکرد بدی در آزمون ریاضی خواهد داشت، سعی می‌کند در مریم احساس گناه ایجاد کند تا توبیش را به او بدهد.

**۲. تهدید:** روش دیگری که برخی از افراد برای گرفتن پاسخ مطلوب از آن استفاده

را بدون احساس گناه رد کند، «حق اوست که به شیوه‌ای محترمانه با او برخورد شود»، «حق دارد برای بررسی درخواست دیگران زمان صرف کند»، «حق دارد دیدگاه شخصی خود را داشته باشد» و... با آگاهی از حقوق خود، می‌توانید قاطعانه و بدون اضطراب و احساس گناه به درخواست‌های غیرمنطقی دیگران «نه» بگویید.

علاوه بر آگاهی از حقوق خود، نیاز است به موارد دیگری نیز توجه داشته باشید. برای مثال، گاهی اوقات فرد درخواست‌کننده برای تحمیل درخواست خود سماجت می‌کند و با روش‌های متعددی سعی می‌کند موافقت شما را جلب کند. بنابراین، نیاز است با این روش‌ها آشنا شوید. در ادامه روش‌هایی شرح داده می‌شوند که افراد برای متقاعد کردن دیگران به‌منظور موافقت با درخواستشان استفاده می‌کنند. آگاهی از این شیوه‌ها سبب می‌شود در تله‌ی آن‌ها قرار نگیریم.

**۱. القای احساس گناه:** وقتی فرد درخواست‌کننده در مرحله‌ی اول با پاسخ منفی مواجه می‌شود، ممکن است از طریق ایجاد احساس گناه در طرف مقابل که احساسی آزاردهنده است، سعی کند موافقت او را کسب کند.

**مثال:** فرض کنید دو دوست به اسم سارا و مریم در حیاط مدرسه مشغول بازی هستند. مریم توپ دارد و سارا هم دوست دارد با توپ بازی کند. سارا می‌گوید: «مریم، می‌شه توپت رو به من بدی تا من هم بازی کنم؟» مریم جواب می‌دهد: «نه، من خودم می‌خوام بازی کنم.» حالا سارا که دوست دارد با توپ بازی کند، ممکن است با کمی ناراحتی بگوید: «آگه توپت رو به من ندی، خیلی ناراحت می‌شم و وقتی هم ناراحت می‌شم، اصلاً نمی‌تونم

دیگری که برخی برای تحمیل خواسته‌های نامعقول خود به دیگران از آن استفاده می‌کنند، دست‌انداختن یا تحقیر است. بدین صورت که فرد سعی می‌کند، با بیان جملاتی، اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس و اقتدار فرد مقابل را هدف قرار دهد و او را مجبور به موافقت با درخواست خود کند. نمونه‌هایی از آن جملات عبارت‌اند از: «بچه نه‌ای!»، «هنوز دهننت بوی شیر می‌ده!»، «هنوز خیلی مونده مرد بشی!»، «ما با بچه‌ها نمی‌گردیم!»، «نترس مامانت نمی‌فهمه!»، «پس کی می‌خوای ثابت کنی که مرد شدی؟!»، «آخی! مامانت دعوات می‌کنه؟!». **مثال:** فکر کنید رضا می‌خواهد در زنگ ورزش به تیم فوتبال بپیوندد، اما مهارتش در این بازی کم است.

رضا: «منم می‌خوام پیام فوتبال.»  
حالا یکی از بچه‌های دیگر تیم، مثلاً سامان، که نمی‌خواهد رضا به تیمشان بیاید، ممکن است جملاتی از این قبیل بگوید: «تو که بلد نیستی بازی کنی! دست و پا چلفتی‌ها که تو تیم ما جا ندارن! برو همون بازی خودت رو بکن.» در اینجا، سامان با استفاده از کلمات تند و تحقیرآمیز، سعی می‌کند اعتمادبه‌نفس رضا را کاهش دهد و او را مجبور کند که از درخواست خود برای پیوستن به تیم منصرف شود.

#### ۴. عادی‌سازی و کم‌اهمیت نشان دادن پیامدهای رفتار

**نامطلوب:** این مورد نیز ترند دیگری است که برخی از آن برای تأمین خواسته‌های خودشان استفاده می‌کنند؛ لذا لازم است از آن آگاه باشید. در این شیوه فرد سعی می‌کند با عادی کردن و ناچیز قلمداد کردن پیامدهای منفی انجام رفتار نامطلوبی که تقاضا دارد، پاسخ مثبت را از فرد مقابل بگیرد. جملاتی از این دست از جمله جملاتی هستند که افراد بدین منظور از آن‌ها استفاده می‌کنند: «سختی‌اش فقط برای دفعه‌ی اوله»، «منم دفعه‌ی اولم خیلی حالم بد شد»، «دو روز که شد، اصلاً یادت می‌ره چه کار کردی»، «بیا تو، قول می‌دم تمام غم و غصه‌هات یادت بره. این جور پیش بری، دو روز دیگه پیر می‌شی»، «منم دفعه‌ی اولم خیلی نگران بودم؛ ولی بعد عادی شد»، «وای تو چقدر حساسی!

از شما می‌خواهد که جزوه یا کتاب خود را در اختیارش قرار دهید. پس از شنیدن توضیح شما که «خودم به آن نیاز دارم. متأسفم!»، چنین می‌گوید: «خیلی هم خوب! پس دوستی‌مان دیگر همین‌جا تمام می‌شود.» بدین طریق شما را به قطع ارتباط تهدید می‌کند.

#### ۳. دست‌انداختن و تحقیر: روش شایع

می‌کنند، تهدید است. آن‌ها تهدید می‌کنند که اگر با درخواستشان موافقت نشود، آسیبی به خودشان یا آن شخص یا شخص دیگری وارد می‌کنند. **مثال:** فرض کنید دوست شما که در طول سال تحصیلی به کلاس‌های درس توجه چندانی نمی‌کرد و برنامه‌ی مطالعاتی هم نداشت، شب امتحان به شما مراجعه می‌کند و



اینکه چیز خاصی نیست. دیگه الان همه ازش استفاده می‌کنن»، «دیگه دوره زمنش؛ تو هم باید داشته باشی. نداشته باشی، جا می‌مونی»، «تو یکی رو به من نشون بده که اهل این کار نباشه. دیگه همه‌ی جامعه این جوری شده. ویژگی دوره‌ی جدید».

برای مقاومت در برابر درخواست‌های غیرمنطقی دیگران و اصرارهای آن‌ها لازم است که شیوه‌هایی را فراگیریم تا بتوانیم در مقابل آن‌ها مقاومت کنیم. برخی از آن شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱. **رد درخواست یا نه گفتن:** در این شیوه لازم است قاطعانه و بدون هیچ احساس ناخوشایندی پاسخ منفی خود را بیان کنید؛ اما بسته به اینکه ماهیت درخواست چگونه باشد، لازم است از شیوه‌های متفاوتی برای رد درخواست استفاده کرد. دو نوع متداول آن در ذیل توضیح داده می‌شود:

**الف) همراه با تشکر:** در این شیوه فرد دلیل یا دلایل مخالفت خود را با درخواست طرف مقابل بیان می‌کند. این شیوه معمولاً در موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که خواسته‌ی طرف جنبه‌ی مثبتی دارد؛ به عبارت دیگر، درخواستی که از فرد می‌شود بیان‌کننده‌ی احترام‌گذاری به اوست. برای مثال، یکی از اقوامتان شما را به یک مهمانی دعوت می‌کند، اما شما فردای آن روز، آزمون مهمی در پیش رو دارید؛ لذا با ذکر

دلیل و تشکر از دعوت آن‌ها، عدم امکان حضور در مهمانی را اعلام می‌کنید.

**ب) همراه با عذرخواهی:** در این شیوه نیز همراه با ذکر دلیل از موافقت با درخواست سر باز می‌زنید، با این تفاوت که استفاده از این روش مربوط به درخواست‌هایی است که جنبه‌ی منفی یا ناخوشایندی دارند. برای مثال، دوستان از شما می‌خواهد مبلغی پول به او قرض دهید؛ اما شما خود به آن نیاز دارید؛ در اینجا با ذکر دلیل و ضمن عذرخواهی، بیان می‌کنید که قادر به پرداخت آن پول نیستید.

## ۲. خلع سلاح

همان‌طور که گفته شد گاهی اوقات افراد برای جلب موافقت طرف مقابل، سعی در زدن برجسب‌های منفی به او می‌کنند. در اینجا فرد باید برجسب موردنظر در مورد خود را تأیید کند تا فرد مقابل دیگر ابزاری برای وارد آوردن فشار روانی به او نداشته باشد. برای مثال، می‌گویید: «بله، تو درست می‌گی. من پاستوریزه‌ام»، «بله، تو درست می‌گی، من خسیسم»، «بله، تو درست می‌گی، من بچه‌نهام».

## ۳. نه گفتن پیوسته و قاطع

در مواردی که فرد درخواست‌کننده برای گرفتن پاسخ اصرار و پافشاری می‌کند، لازم است از این شیوه استفاده شود. در این روش

باید پس از یک یا دو بار نه گفتن قاطعانه و همراه با دلیل، به تدریج از همدلی کردن و بیان دلایل بکاهید و تنها به «نه گفتن» اکتفا کنید. پس از هر بار تکرار درخواست از سوی او، شما فقط «نه» بگویید. برای مثال، دوستان از شما می‌خواهد مبلغ زیادی به او پول قرض دهید؛ در حالی که می‌دانید او برای پس دادن پول با مشکل مواجه می‌شود. شما پس از چند بار توضیح دادن اینکه چرا نمی‌توانید این مبلغ را به او بدهید، در اصرارهای بعدی او تنها می‌گویید: «نه نمی‌توانم!»، «نه نمی‌شه!».

## ۴. ایجاد وقفه

یکی دیگر از روش‌های مؤثر در «نه گفتن» روش وقفه است. بدین صورت که وقتی درخواستی از شما می‌شود، در همان لحظه به درخواست‌کننده پاسخ نمی‌دهید؛ بلکه از او می‌خواهید که در زمان دیگری به درخواست او پاسخ دهید و بدین ترتیب برای خود زمان می‌خرید. با این کار شما می‌توانید هیجان‌ها و حالاتی همچون کم‌رویی، رودربایستی و احساس گناه را کنار بگذارید و شیوه و ادبیاتی جرئت‌مندانه برای «نه گفتن» خود بیابید.

تمامی موارد و نکات گفته‌شده در این نوشتار فقط بخشی از اطلاعات مربوط به این مهارت است. در اینجا برای پرهیز از طولانی‌شدن مطلب، از ذکر شیوه‌ها و راهکارهای بیشتر خودداری می‌شود؛ اما با توجه به اهمیتی که مهارت «نه گفتن» در زندگی اجتماعی دارد، آموختن شیوه‌های بیشتری که افراد سعی می‌کنند از طریق آن‌ها موافقت شما را با درخواست‌های غیرمنطقی خود به دست آورند، همچنین شیوه‌های بیشتر و خلاقانه‌تر برای «نه گفتن» ضروری به نظر می‌رسد. شایان ذکر است برای یادگیری هر مهارتی باید در سه سطح دانش، نگرش و مهارت اقدام کنیم؛ یعنی علاوه بر یادگیری و کسب اطلاعات در مورد این مهارت، تقویت و ایجاد نگرش‌های مثبت به آن و تمرین و تکرار در موقعیت‌های متعدد و استفاده از روش‌هایی همچون ایفای نقش برای یادگیری اساسی لازم و ضروری است.

منبع

۱. محمدخانی، شهرام؛ نوری، ربابه و موتایی، فرشته، ۱۳۹۶، مهارت‌های زندگی (مهارت‌های رفتاری، ویژه‌ی دانش‌آموزان)، تهران: طلوع دانش.



# فلسفه برای کودکان

## سفر به چپستی ها و چرایی ها با کودکان از آموزش فلسفه تا پرسشگری



پرستو بهاروند  
کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

یکی از وظایف مهم نظام‌های آموزشی «پرورش تفکر انتقادی» است.

### مقدمه

آموزش و پرورش از مهم‌ترین پایه‌های تعالی هر جامعه است. در روش‌های یادگیری کلاسیک، معمولاً وظیفه‌ی آموزش و پرورش را یاد دادن مطالب توسط معلم و حفظ آن‌ها توسط دانش‌آموز تلقی می‌کردند. معلم مطالبی را به شاگرد منتقل می‌کرد و شاگرد آن‌ها را بعدها به دیگران انتقال می‌داد. کسی حق به چالش کشیدن معلم را نداشت. طبیعی است این کودکان در آینده با مشکلاتی در حل مسائل خود و دیگران روبه‌رو می‌شدند؛ زیرا تفکر نقاد نداشتند و این‌گونه تفکر را آموزش ندیده بودند؛ بنابراین، در مواجهه با مسائل هم توانایی کاربرد روش‌های نقد و بررسی موشکافانه، تجزیه و تحلیل و سپس قضاوت

امروزه گسترش فناوری اطلاعات سبب شده است علم و فناوری و مهارت‌های مرتبط با آن به سرعت تغییر کنند. از این رو، نظام‌های آموزشی می‌بایست برای آموزش مهارت‌های اساسی و به‌منظور کسب و سازمان‌دهی اطلاعات و استفاده از آن‌ها برنامه‌ریزی کنند، به نحوی که فراگیرنده بتواند خود به خلق دانش بپردازد. برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در صدد است با استفاده از شیوه تفکر فلسفی، بچه‌ها را به مرحله‌ای برساند که صاحب ذهنی فلسفی شوند و بتوانند با نگاهی جامع و منطقی به تجزیه و تحلیل امور و حل مسائل روزمره‌ی زندگی بپردازند. تفکر فلسفی که همانا تفکر درباره‌ی هستی خود و موجودات است، چیزی است که هر کس آن را در خود می‌یابد. در عصر حاضر،

و داوری درباره‌ی آن را نداشتند. آنچه در زندگی بسیار به درد می‌خورد، تفکر نقاد است. این نوع تفکر به کودک کمک می‌کند، درست و غلط را تمیز دهد و در داوری‌ها جانب صحیح را بگیرد. داشتن این نوع از تفکر از نیازهای مبرم و ضروری جامعه‌ی ماست که باید از کودکی به آن پرداخت. کودکی که با این نوع تفکر پرورش یابد، تحت‌تأثیر تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمن قرار نخواهد گرفت. کودکی که بیاموزد چگونه بیندیشد، دلیل خواهد و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داوری توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت‌تأثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه، تفکر، کودک، آموزش، تفکر انتقادی

### آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان

مرز بین فلسفه‌پردازی و اندیشیدن آن قدر باریک است که می‌توان آن‌ها را یکی در نظر گرفت. در واقع، بررسی عمیق و ریشه‌ای موضوعات گوناگون را فلسفه‌پردازی می‌گوییم. آنچه امروزه به‌عنوان آموزش فلسفه به کودکان مطرح می‌شود، به‌منظور آموزش و پرورش تفکر نقادانه در کودکان و نوجوانان مطرح شده است.

کودکان ذهن خلاق و کنجکاو و آزاداندیشی دارند که نیاز به رشد و پرورش دارد. اگر روحیه‌ی جست‌وجوگری کودکان را پرورش دهیم، جوشش فکری آن‌ها به بزرگسالی انتقال پیدا می‌کند و اگر روحیه‌ی حیرت و تازگی را در بچه‌ها سرکوب کنیم، به بزرگسالانی وابسته و پیرو تبدیل می‌شوند. علاوه بر آموزش، می‌توان با جایزه‌دادن صحیح به کودکان روحیه‌ی کاوشگری آن‌ها را تقویت کرد.

### رشد مهارت‌های شناختی

مهم‌ترین هدف تقویت تفکر انتقادی کودکان، تقویت مهارت‌های شناختی آن‌هاست. رشد مهارت‌های شناختی، از طریق پرورش این توانایی‌ها در بچه‌ها امکان‌پذیر است:

- طبقه‌بندی و سازمان‌دهی اطلاعات؛
- کشف روابط بین اطلاعات سازمان‌دهی شده؛



**بهبود مهارت‌های کلامی**

به اعتقاد روان‌شناسان، رشد مهارت‌های زبانی و عقلی به یکدیگر وابسته هستند؛ یعنی با افزایش مهارت‌های تفکری، توانایی‌های کلامی‌مان نیز بهتر می‌شود و با افزایش مهارت‌های کلامی، استدلال منطقی‌مان نیز بهبود پیدا می‌کند. به همین دلیل، رشد قابلیت‌های زبانی، یکی دیگر از اهداف آموزش فلسفه به کودکان

مانند قوم، کشور یا فرهنگ بدانیم، احساس تعلق‌پذیری، عزت‌نفس و کارآمدی بیشتری می‌کنیم. جوامع و افراد موفق، از هویت جمعی ساختاریافته و منسجمی برخوردار هستند. بنابراین، یکی دیگر از اهداف آموزش فلسفه به کودکان شناخت میراث فرهنگی و آشنایی با آداب‌ورسوم و بازخوانی آثار برجسته‌ی ادبی و شناخت فرهنگ کنونی جامعه است.

- تشخیص درستی و نادرستی اطلاعات؛
- توانایی فرضیه‌سازی و استدلال؛
- نتیجه‌گیری و حل مسئله.

**بهبود مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی**

ایجاد و حفظ روابط پایدار و سازنده با دیگران یکی دیگر از اهداف آموزش فلسفه‌پردازی به بچه‌هاست. رشد تفکر اجتماعی، از طریق دستیابی به این اهداف امکان‌پذیر است:

- بهبود روابط میان‌فردی؛
- تقویت علاقه اجتماعی؛
- کمک به دوست‌یابی و روابط همسالان؛
- ایجاد روحیه‌ی مشارکت و کار گروهی؛
- رعایت قانون و مقررات؛
- افزایش نظم و مسئولیت‌پذیری در کودکان؛
- آموزش تصمیم‌گیری مستقل.

**بهبود مهارت‌های هیجانی**

برای درک درست جهان اطراف، ابتدا باید احساسات و عواطف خودمان را به‌درستی بشناسیم و از رفتارهای تکانشی خودداری کنیم. بچه‌ها تا حدودی عجول و زودرنج هستند و همین موضوع، مدیریت تعارضات را برایشان سخت می‌کند. یکی از اهداف آموزش فلسفه نیز «تقویت مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی» در کودکان است:

- پرورش درون‌نگری و خودآگاهی؛
- درس گرفتن از تجربه‌ها؛
- جست‌وجو و دستیابی به احساس هویت؛
- تقویت عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس و افزایش خودکارآمدی در کودکان؛
- پرورش دوستی و روحیه‌ی همدلی.

**بهبود خلاقیت و روحیه‌ی زیبایی‌شناسی**

کودکان از روحیه‌ی خلاق و شهودی نیرومندی برخوردارند. آن‌ها عاشق مسیره‌های جدید، گشت‌وگذار در طبیعت و توجه به زیبایی‌های آن هستند و هیچ پاداشی به‌اندازه‌ی طبیعت‌گردی برایشان ارزشمند نیست. تقویت روحیه‌ی شهودی، خلاقانه و فارغ از روزمرگی کودکان، برای ذهن کوشگر و آزاداندیش حیاتی است و جزو اهداف آموزش تفکر انتقادی محسوب می‌شود.

**آگاهی از ارزش‌های فرهنگی**

وقتی خودمان را عضوی از گروه بزرگ‌تری



- بیان آزادانه‌ی افکار و تخیلات؛
  - کاوشگری علمی.
- رویکردی فعال، پویا، فلسفی، گفت‌وگومحور و بازی‌وار دارند. برخی از مهم‌ترین روش‌های کلاس آموزش فلسفه را در ادامه به صورت موردی بیان می‌کنیم:

پیش‌دبستانی، دبستانی و بالاتر است. والدین نیز باید با گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات متعدد، مانند حرف‌زدن با کودکان درباره‌ی پول، به بهبود مهارت‌های کلامی فرزندان کمک کنند.

### روش آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان

- بحث گروهی با همسالان؛
  - پرسش و پاسخ؛
  - بارش مغزی؛
  - مداخله‌ی راوی؛
  - متن‌خوانی؛
- روش‌های آموزش فلسفه به کودکان از تنوع بسیار زیادی برخوردارند و با نیازهای رشدی سنین متعدد هماهنگ هستند. این روش‌ها

### نتیجه‌گیری

کنجکاوی و پرسشگری یکی از نیازهای اساسی و حیاتی کودکان است. والدین، معلمان و مربیان باید به این نیاز اساسی بچه‌ها توجه کنند. یکی از برنامه‌های طراحی‌شده‌ی مفید و مؤثر برای تقویت تفکر انتقادی کودکان، برنامه‌ی آموزش فلسفه است. این برنامه در پی دستیابی به اهدافی مانند پرورش مهارت‌های شناختی، افزایش آگاهی‌های فرهنگی و بهبود تعاملات اجتماعی بچه‌هاست. برنامه آموزش فلسفه با ارائه‌ی محتوای جذاب و کاربردی، مانند داستان‌های برگرفته از زندگی روزمره و استفاده از روش‌هایی مانند بحث گروهی، به تقویت قوه‌ی استدلال کودکان کمک می‌کند.



عکس: اعظم لاریجانی

منابع

۱. اسکندری، حسین و کیانی، زاله، ۱۳۸۶. «تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان»، نشریه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی، دوره ۲، شماره ۷، صفحات ۱-۳۶.
۲. اسمیت، فیلیپ، ۱۳۸۲. ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. ترجمه محمدرضا بهرنگی، کمال تربیت.
۳. جهانی، جعفر، ۱۳۸۱. «نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن»، نشریه‌ی علوم انسانی الزهراء، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صفحات ۵-۳۵.
۴. ستاری، علی، ۱۳۹۲. «بررسی مفهوم و نقش فلسفه در فلسفه برای کودکان با توجه به روش متیو لیپمن»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، دوره ۱۴، شماره ۱.
۵. سلیمانی ایهی، هادی، ۱۳۸۷. «آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال دهم، شماره ۱، یک، پیاپی ۳۷.
۶. شریفی اسدی، محمدعلی، ۱۳۸۷. «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان»، نشریه‌ی معارف عقلی، شماره ده، صفحات ۹۵-۱۱۴.
۷. صفایی مقدم، مسعود، ۱۳۷۷. «برنامه آموزش فلسفه برای کودکان»، نشریه‌ی علوم انسانی الزهراء، دوره ۸، شماره ۲۶-۲۷، صفحات: ۱۶۱-۱۸۴.
۸. فخرایی، الهام، ۱۳۸۹. «فلسفه برای کودکان: گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه»، تفکر و کودک، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۶۹-۸۱.
۹. فرامرزی قراملکی، احد و امی، زهرا، ۱۳۹۴. «مقایسه‌ی سبک‌های لیپمن و برنی فیر». فصلنامه‌ی علمی اندیشه‌ی دینی، شماره ۲، صفحات ۷-۲۳.
۱۰. فیشر، رابرت، ۱۳۸۹. آموزش تفکر، اهواز: رشد.
۱۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸. بیانات در جمع جوانان، کارگران و معلمان.
۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۸. بیانات در جمع عده‌ای از دانش‌آموزان جنوب شهر تهران.

13. Murriss, Karin, (1993). "Can children do philosophy?" Journal of Philosophy of education, Society of Crest Britain, PP. 281262-.

14. Lipman, Matthew, (1993). Philosophy for Children and Critical Thinking Thinking. Children and Education.

# رنگ، زبان آشنا



مریم اسدی  
کارشناس ارشد گرافیک

## رنگ؛ زبان مشترک هنر، آموزش و زندگی روزمره

امروزه زبان بصری، همپای زبان گفتاری، جایگاه ویژه‌ای در زندگی ما پیدا کرده است. کودکان پیش از آنکه خواندن و نوشتن را بیاموزند، از طریق رنگ‌ها با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند. رنگ‌ها نقش مهمی در انتقال پیام، ایجاد احساس، برقراری ارتباط و حتی آموزش دارند. شناخت رنگ‌ها و ویژگی هر کدام از آن‌ها فقط مختص نقاشان و هنرمندان نیست؛ بلکه در بسیاری از حرفه‌ها و زمینه‌ها از جمله معماری، طراحی داخلی، نساجی، تبلیغات و آموزش کاربردی گسترده دارد.

در نظام آموزشی، به‌ویژه در دوره ابتدایی که کودکان در حال رشد شناختی، احساسی و خلاقانه هستند، رنگ می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی قوی بین معلم و دانش‌آموز عمل کند. رنگ‌ها در طراحی بصری مواد آموزشی، نقاشی و کاردستی‌ها، حتی در خط و نوشتار و برگه‌های تمرین، می‌توانند یادگیری را لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر سازند. بنابراین، آشنایی معلمان با مفاهیم اولیه‌ی رنگ‌شناسی، ترکیب رنگ‌ها و تأثیر روانی آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در فرایند آموزش و پرورش ایفا کند.

استفاده از رنگ آبی در کلاس درس می‌تواند حس آرامش و تمرکز را افزایش دهد، در حالی که رنگ زرد باعث ایجاد انرژی و نشاط می‌شود. همچنین در نمانام‌سازی (برندسازی) و طراحی نمادها، رنگ‌ها چنان قدرتی دارند که به‌تنهایی می‌توانند معرف یک مجموعه یا پیام باشند. این موضوع می‌تواند در طراحی نماد کلاس یا فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد.

امروزه که مواد شیمیایی جایگزین منابع طبیعی شده‌اند، پایه‌ی ساخت رنگ همچنان رنگدانه‌هایی است که در ترکیب آب و روغن مخلوط می‌شوند.

## رنگ‌ها

با تاباندن نور سفید به منشور می‌توان طیف رنگی را مشاهده کرد. در این طیف، رنگ‌هایی ممتد مانند نارنجی، زرد، قرمز، سبز، آبی، بنفش و... دیده می‌شود. اگر دوباره همه‌ی این پرتوهای رنگی را از یک عدسی که همگرا باشد عبور دهیم، از ترکیب همه‌ی رنگ‌ها با هم دوباره نور سفید به دست می‌آید. این رنگ‌ها بر اثر تابش نور و تجزیه‌ی آن‌ها به وجود می‌آیند. رنگ‌های اصلی در این طیف رنگی باید با دقت مشخص شوند. رنگ‌شناسان بر اساس ماهیت و نقش رنگ‌ها در طبیعت به سه رنگ اصلی رسیده‌اند که عبارت‌اند از: قرمز، آبی و زرد.

## چرخه‌ی رنگ

یکی از مفاهیم مهم در رنگ‌شناسی، چرخه‌ی رنگ است. این چرخه به ما کمک می‌کند رنگ‌ها را بر اساس ترکیب‌شدن یا یکدیگر بهتر پیدا کنیم و رنگ‌های مکمل و متضاد را تشخیص دهیم. چرخه‌ی رنگ معمولاً به‌شکل یک دایره نمایش داده می‌شود که شامل دوازده رنگ است. این رنگ‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

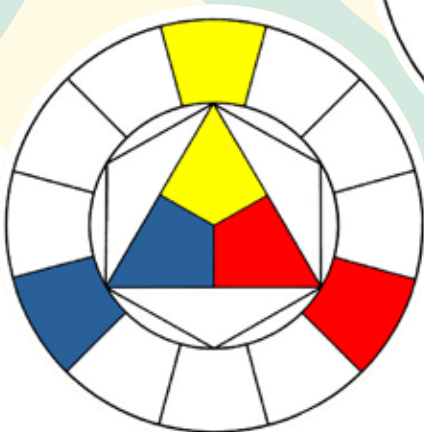
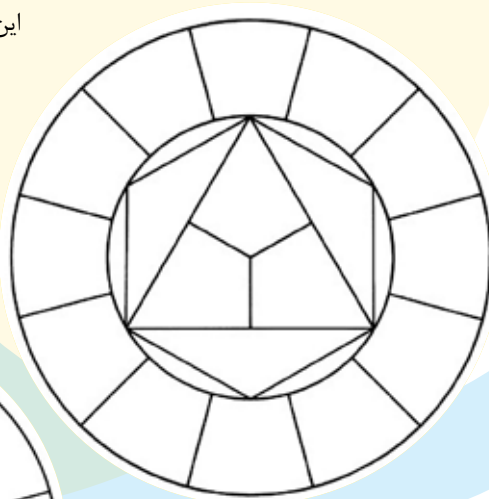
## الف) رنگ‌های اصلی

سه رنگ زرد، قرمز و آبی رنگ‌هایی هستند که سایر رنگ‌ها از ترکیب آن‌ها ساخته می‌شوند. این رنگ‌ها را نمی‌توان با ترکیب رنگ‌های دیگر به دست آورد.

## نگاهی کوتاه به تاریخچه‌ی رنگ

رنگ‌ها از دیرباز نقش مهمی در زندگی انسان‌ها داشته‌اند. نخستین نشانه‌های استفاده از رنگ به دوران غارنشینی بازمی‌گردد؛ زمانی که انسان‌های اولیه با ترکیب خاکستر باقی‌مانده از چوب‌های آتش‌زده و رنگ‌های اکسید فلزات و چربی حیوانات نقاشی‌هایی بر دیوار غارها می‌کشیدند. با گذر زمان، تمدن‌هایی مانند ایران، مصر و یونان از رنگ برای تزئین ظرف‌ها، پوشاک، ابزارها و حتی در نگارش و نقاشی استفاده کردند. آن‌ها رنگ را از طبیعت به دست می‌آوردند؛ مثلاً از خاک‌های رنگی، سنگ‌های معدنی، روغن‌های گیاهی و حتی سفیده‌ی تخم‌مرغ برای ساخت رنگ بهره می‌بردند.

با پیشرفت علم، رنگ‌ها به شکل صنعتی تولید شدند و کیفیت و ماندگاری آن‌ها بیشتر شد.



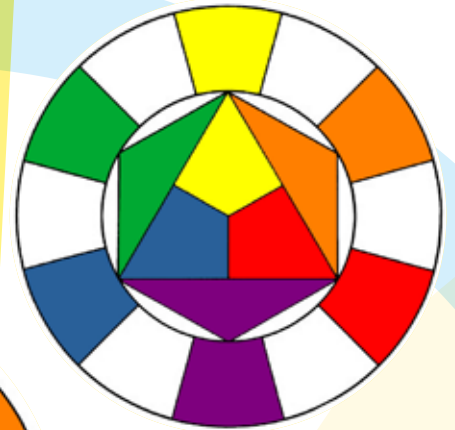
### رنگ‌های گرم و رنگ‌های سرد

یکی از مفاهیم مهم در آموزش هنر، به‌ویژه نقاشی، شناخت رنگ‌های گرم و سرد است. این تقسیم‌بندی به ما کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم که هر رنگ چه احساسی را به بیننده منتقل می‌کند و چگونه می‌توانیم از آن‌ها برای خلق فضاهای متعدد استفاده کنیم. رنگ‌های گرم مثل قرمز، نارنجی و زرد رنگ‌هایی هستند که ما را یاد خورشید، آتش، گرما و شور و نشاط می‌اندازند. این رنگ‌ها معمولاً انرژی‌زا، محرک و فعال‌کننده‌اند و در نقاشی‌ها تمایل دارند به سمت جلو و پیش‌زمینه تصویر بیایند؛ یعنی زودتر به چشم می‌آیند. در مقابل، رنگ‌های سرد مانند آبی، سبز، بنفش و سبزیابی و آبی بنفش آرامش‌بخش، خنک و ساکت هستند. این رنگ‌ها ما را به یاد طبیعت، آسمان، دریا و سایه‌ها می‌اندازند. در ترکیب‌های رنگی، رنگ‌های سرد معمولاً به پس‌زمینه می‌روند و حس سکون و تعادل ایجاد می‌کنند.

### چرا شناخت رنگ‌های گرم و سرد اهمیت دارد؟

در آموزش هنر و نقاشی به کودکان، با شناخت رنگ‌های گرم و سرد، آن‌ها یاد می‌گیرند چگونه فضای نقاشی‌شان را مدیریت و به‌طور خلاقانه از رنگ‌ها استفاده کنند. شناخت رنگ‌های گرم و سرد همانند یادگیری الفبای احساسات است؛ زبانی بی‌کلام که به کودک کمک می‌کند آنچه در دل دارد، روی کاغذ بیاورد. پیشنهاد می‌شود فعالیت‌هایی مانند دسته‌بندی رنگ‌ها، ساخت چرخه‌ی رنگ یا نقاشی موضوعی با هر دسته‌ی رنگی مثل رنگ‌های سرد و گرم را در کلاس اجرا کنید.

چرخه‌ی رنگ، برای کودکان و بزرگسالان تمرین مناسبی در شناخت رنگ‌ها و تشخیص دید رنگی در آن‌هاست. هرچه دقت بینایی بالاتر باشد، انسان می‌تواند تعداد رنگ‌های بیشتری را در چرخه‌ی رنگ بسازد و قرار دهد. برای ساخت چرخه‌ی رنگ می‌توان از سه رنگ اصلی گواش و مقوای ضخیم استفاده کرد.



### ب) رنگ‌های ثانویه

از ترکیب دو رنگ اصلی، رنگ‌های ثانویه به وجود می‌آیند.

زرد + آبی = سبز

قرمز + زرد = نارنجی

قرمز + آبی = بنفش

### ج) رنگ‌های مرتبه‌ی سوم

این رنگ‌ها از ترکیب یک رنگ اصلی با یکی از رنگ‌های ثانویه‌ی مجاورش ساخته می‌شوند؛ مثلاً

زرد + سبز = زرد - سبز

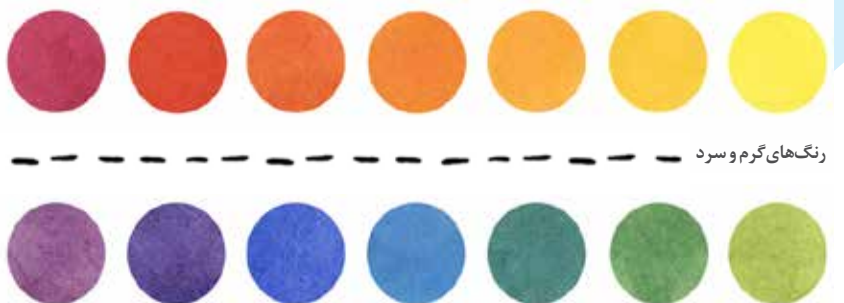
قرمز + نارنجی = قرمز - نارنجی

### چرا چرخه‌ی رنگ مهم است؟

چرخه‌ی رنگ ابزاری ساده اما بسیار مفید برای انتخاب رنگ‌های هماهنگ و زیبا در نقاشی است. معلمان و هنرجویان می‌توانند با استفاده از این دایره، بهتر تصمیم بگیرند که چه رنگ‌هایی را کنار هم به کار ببرند. استفاده از چرخه‌ی رنگ نه تنها به نقاشی نظم و زیبایی می‌بخشد، بلکه درک هنرجویان از رنگ‌ها را نیز عمیق‌تر می‌سازد. این مهارت، از پایه‌ای‌ترین آموخته‌ها در هنر است که می‌تواند خلاقیت کودکان را به‌شکل چشمگیری تقویت کند.

### رنگ‌های مشابه و مکمل

در چرخه‌ی رنگ، رنگ‌هایی که کنار هم قرار دارند، رنگ‌های «مشابه» نامیده می‌شوند. این رنگ‌ها هماهنگی زیادی با هم دارند و برای ایجاد حس آرامش و نظم در نقاشی مناسب‌اند. در مقابل، رنگ‌هایی که روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند، «رنگ‌های مکمل» هستند. این رنگ‌ها تضاد بیشتری ایجاد می‌کنند و اگر در



رنگ‌های گرم و سرد

# ماشین ها چگونه باهوش شدند؟



ژارمن یولیدسن ونسان  
کارشناس ارشد پژوهشگری، مدیر  
دبیرستان در مقطع متوسطه‌ی دوم

دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، با پویایی و تحولات شگفت‌انگیزی همراه است و در بسیاری از جنبه‌ها، آینده‌ای را شبیه به آثار علمی و تخیلی نویسندگانی چون چارلز لوتویچ داجسون، ریاضی‌دان بریتانیایی، به واقعیت نزدیک کرده است. پیشرفت‌های شگرف حاصل از توسعه‌ی هوش مصنوعی امکان‌هایی را در زمینه‌ی ماشین‌های خودکار، سامانه‌های هوشمند و تحلیلگرهای پیشرفته فراهم آورده است. هوش مصنوعی سامانه‌ای است که با کارکردهایی مثل قابلیت پردازش داده‌ها، یادگیری از تجربه‌های گذشته، سازگاری انعطاف‌پذیر با تغییرات و دستیابی به اهداف خاص تعریف می‌شود. این فناوری از دهه‌ی ۱۹۵۰ به صورت دانشگاهی و به صورت علمی آغاز به کار کرده است؛ هرچند تا نیمه‌ی قرن بیستم بیشتر شاخه‌ای ناشناخته باقی مانده و علاقه‌های محدودی به آن جلب شده بود.

امروزه، ظهور کلان‌داده‌ها و پیشرفت‌های بی‌نظیر در پردازش و گسترش محیط‌های دیجیتال و تعاملی در حوزه‌ی هوش مصنوعی، تحولی اساسی را رقم زده است. این پیشرفت‌ها توان تحلیل و پردازش اطلاعات را به سطح بالایی ارتقا داده‌اند و امکان شناخت و الهام از هوش انسانی را برای سامانه‌های مرتبط با هوش مصنوعی فراهم آورده‌اند. هوش مصنوعی به ابعاد متعددی که شامل هوش شناختی، اجتماعی یا حتی عاطفی می‌شود، قابل دسته‌بندی و بررسی است. همچنین می‌توان آن را بر اساس مراحل تکاملی‌اش به سه سطح هوش مصنوعی محدود، عمومی و فوق‌العاده تقسیم کرد.

در حال حاضر، نگرانی‌ها و پرسش‌هایی درباره‌ی رشد و استفاده‌ی عمومی از هوش مصنوعی مطرح است، از جمله اینکه آیا این فناوری به‌نحوی پیشرفت خواهد کرد که عموم مردم نتوانند توانایی‌های آن را از هوش انسانی تفکیک دهند. همان‌طور که آرتور کلارک، نویسنده‌ی





توضیح داده شده بود. آزمون تورینگ همچنان معیار شناخته‌شده‌ای برای شناسایی میزان هوشمندی یک سامانه محسوب می‌شود: «اگر انسان نتواند تشخیص دهد ماشینی که با آن تعامل دارد، غیرانسانی است، آن ماشین هوشمند تلقی می‌شود.»

### تابستان‌ها و زمستان‌های هوش مصنوعی

در طول دهه‌ها، رشد چشمگیر و همچنین افت‌وخیز فراوانی در این حوزه مشاهده شده است. آزمایش قابلیت‌های هوش مصنوعی یکی از مراحل اولیه‌ی مهمی بود که توسط آزمون تورینگ صورت می‌گرفت. این آزمون توانایی ماشین را برای نمایش رفتاری مشابه رفتار انسان بررسی می‌کرد. دانشگاه استنفورد و پروژه‌های متعدد دیگر نیز از اوایل تولد این فناوری نقشی کلیدی ایفا کردند. در دهه‌ی ۱۹۶۰، جوزف وایزنبوم در آم‌آی‌تی<sup>۲</sup> برنامه‌ای ابتدایی ساخت که الیزا نام داشت. این برنامه یکی از اولین تلاش‌ها برای پردازش زبان طبیعی بود. الیزا اولین ابزار موفقی بود که توانست آزمون تورینگ را بگذراند و شبیه‌سازی مکالمه‌ای ساده اما مؤثر با انسان را ارائه دهد. در همان دوران، «حل‌کننده‌ی مسائل عمومی»<sup>۳</sup> نیز توسعه یافت که مسائل متعدد را از طریق خودکار سازی فرایندها قابل حل می‌کرد. با وجود پیشرفت‌های اولیه، سال‌های پس از آن به‌دنبال توقعات بالای دولت‌ها و نهادهای تحقیقاتی این فناوری به شدت نقد شد. نمونه‌ای از این انتقادات، گزارش جیمز لایت‌هیل در بریتانیا بود که در قبال محدودیت‌های هوش مصنوعی دیدگاه واقع‌بینانه‌تری ارائه می‌داد. این انتقادات منجر به کاهش بودجه‌ها و حمایت‌های دولتی از تحقیقات هوش مصنوعی شد. چنین دورانی که به «زمستان هوش مصنوعی» معروف شده است، باعث رکود این حوزه شد. دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی اما دوباره امیدهایی خلق کرد و کشورهای پیشرفته، همچون ژاپن و ایالات متحده، بودجه‌هایی را برای تحقیقات پیشرفته تخصیص دادند.

بریتانیایی داستان‌های علمی و تخیلی، گفته است: «هر فناوری که به اندازه‌ی کافی پیشرفته باشد، از نظر افراد قابل تمایز از سحر و جادو نیست.»

از دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند که در آینده‌ای نزدیک سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی عمومی قادر خواهند بود رفتاری کاملاً شبیه به انسان از خود نشان دهند؛ سامانه‌هایی که علاوه بر برخورداری از هوش شناختی و اجتماعی، می‌توانند قدرت تصمیم‌گیری و احساسات مشابه انسان را نیز داشته باشند. با این حال، هنوز نمی‌توان به‌طور قطع گفت که آیا چنین پیشرفت‌هایی محقق خواهند شد یا خیر.

در این مقاله با مرور تاریخچه‌ی هوش مصنوعی، از گذشته تاکنون، چالش‌ها و فرصت‌هایی را که این حوزه پیش روی ما گذاشته است، بررسی می‌کنیم تا بتوانیم بهتر به درک مسیر طی شده و افق‌های پیش رو دست یابیم.

### فصل‌های تاریخی هوش مصنوعی

#### بهار پیدایش هوش مصنوعی

ریشه‌های شکل‌گیری این فناوری را می‌توان در دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی جست‌وجو کرد، زمانی که نویسنده‌ی علمی و تخیلی آمریکایی، آیزاک آسیموف، در سال ۱۹۴۲ داستان کوتاه خود با عنوان دور سرگردانی<sup>۱</sup> را منتشر ساخت. این داستان درباره‌ی سه قانون معروف رباتیک بود: ۱. آسیب‌نزدن به انسان؛ ۲. اطاعت از انسان؛ ۳. حفظ خود. این داستان بعدها الهام‌بخش بسیاری از دانشمندان در حوزه‌ی رباتیک، علوم رایانه‌ای و دیگر شاخه‌های مرتبط شد. همچنین در آن زمان آلن تورینگ، ریاضی‌دان انگلیسی، با طراحی ماشین رمزگشای بمب، نقش بزرگی را در فهم اولیه از هوش مصنوعی ایفا کرد. ماشین بمب یکی از اولین تلاش‌ها برای ساخت دستگاهی الکترومکانیکی بود که می‌توانست کدهایی را که ماشین انیگمای آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم رمزنگاری کرده بود، بشکند. موفقیت تورینگ در این پژوهش‌ها مفاهیم اولیه‌ی درک ماشین‌های هوشمند را شکل داد.

در سال ۱۹۵۰، تورینگ مقاله‌ی مهم خود را با عنوان «ماشین‌آلات محاسباتی و هوش» منتشر کرد. در این مقاله، اصول اولیه‌ی ساخت ماشین‌های هوشمند و آزمایش کارایی آن‌ها

این تحولات نیازمند بازنگری در حوزه آموزش و ارتقای سطح مهارت‌های کارکنان خواهد بود. طبیعتاً تأثیر این تغییرات در برخی مشاغل محسوس‌تر خواهد بود؛ اما مشاغل نیز وجود دارند که در آن‌ها، جایگزینی انسانی با هوش مصنوعی به راحتی امکان‌پذیر نیست یا مدت‌زمان بیشتری طول می‌کشد تا این تغییر اتفاق بیفتد. بنابراین توانایی انطباق با این تحولات از طریق آموزش مجدد کارکنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در بلندمدت، مقررات باید با مردم‌سالاری و رویکرد صلح‌آمیز سازگار باشد. وضع قوانین منعطف اما شفاف می‌تواند از تبعات جانبی پیشرفت‌های فناوریانه جلوگیری کند. چالش اصلی این است که چه کسی مسئول حفاظت از جامعه در برابر مخاطرات احتمالی ناشی از فناوری‌های نوین خواهد بود؟ همکاری بین‌المللی در سطح دولت‌ها و نهادهای مستقل ممکن است راهکاری مؤثر برای تضمین استفاده‌ی مسئولانه از هوش مصنوعی ارائه دهد. بدون شک، پیشرفت هوش مصنوعی فرصت‌های بی‌شماری را ارائه می‌دهد؛ اما غفلت از جنبه‌های نظارتی و انسانی این پیشرفت می‌تواند مشکلات جدی ایجاد کند. وظیفه ما نظارت و برنامه‌ریزی درست برای اطمینان از سازگاری فناوری با ارزش‌ها و نیازهای جامعه است.

در نظر گرفتن الگوریتم‌ها و عملکرد سازمان‌ها، برای مدیریت ابزارهای هوش مصنوعی ضروری است. در آینده‌ای نزدیک این سامانه‌ها قرار است قسمتی از زندگی روزمره‌ی ما شوند. بنابراین، همواره این سؤال مطرح است که آیا برای این مقوله نیاز به تنظیم قوانین و نظارت دقیق داریم یا خیر. هر چند هوش مصنوعی به دلیل ماهیت بی‌طرفانه و عاری از داوری ظاهری‌اش، شاید نیازی به چنین نظارت‌هایی نداشته باشد؛ ولی در عمل، به دلیل تأثیرپذیری سامانه‌ها از داده‌های ورودی، می‌تواند دچار خطا یا سوگیری‌های گوناگون شود. حتی الگوریتم‌هایی که برای مثال در سامانه‌ی حسگر خودروهای خودران طراحی شده‌اند، می‌توانند رفتاری تبعیض‌آمیز داشته باشند. به عنوان نمونه، ممکن است سامانه در تشخیص پوست روشن بهتر عمل کند و تصویر افراد با پوست تیره را با دقت کمتری تحلیل کند؛ چراکه ممکن است داده‌های آموزشی مناسبی برای رفع این سوگیری ارائه نشده باشد. این نوع خطاها می‌توانند در تحلیل داده‌ها یا ارائه‌ی تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی تعصباتی جدی ایجاد کنند، مگر آنکه راهکاری برای نظارت بر چنین الگوریتم‌هایی وجود داشته باشد.

بهترین راه برای جلوگیری از این نوع مسائل، تقویت نظارت و تنظیم مقررات مرتبط با توسعه و آموزش الگوریتم‌های هوش مصنوعی است. مشابه آزمایش ایمنی محصولات فیزیکی، باید برنامه‌های خاصی برای اطمینان از رعایت اصول اخلاقی و بی‌طرفی در سامانه‌های هوش مصنوعی طراحی و اجرا شود. حتی ممکن است در آینده نیاز به آیین‌نامه‌ی مبتنی بر رعایت تعهداتی اخلاقی باشد که مهندسان هوش مصنوعی مستلزم اجرای آن باشند، مشابه سوگندنامه‌ی که پزشکان یا وکلای پیش از انجام حرفه‌ی خود متعهد به آن می‌شوند. در میان مدت، ضرورت وضع قوانین استخدامی مرتبط با فرایندهای خودکار مطرح خواهد شد. کاربرد وسیع هوش مصنوعی می‌تواند، در بعضی زمینه‌ها، تقاضای نیروی انسانی را کاهش دهد. همان‌طور که خودکارسازی (اتوماسیون) در گذشته مشاغل متعددی را تحت تأثیر قرار داده است، هوش مصنوعی نیز می‌تواند نقش مشابهی ایفا کند. ما اکنون شاهد هستیم که ابزارهای تشخیصی مبتنی بر هوش مصنوعی در برخی موارد عملکرد بهتری نسبت به متخصصان سنتی ارائه می‌دهند.

وقتی برنامه‌هایی مانند دیپ‌بلو<sup>۱</sup> توانست قهرمان جهان شطرنج را شکست دهد، بار دیگر جهان به قابلیت‌های هوش مصنوعی توجه کرد، هر چند این سامانه‌ها بیشتر بر پایه‌ی قوانین از پیش تعیین‌شده و تحلیل‌های دقیق بودند تا یادگیری حقیقی. با محدودیت سخت‌افزارها و پردازشگرها، مدل‌سازی‌هایی مانند شبکه‌های عصبی مصنوعی هم که در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی معرفی شده بودند، با شکست مواجه شدند؛ اما دور جدیدی از تحقیقات در دهه‌ی ۲۰۱۰ میلادی با قدرت سخت‌افزاری نوین و داده‌های گسترده آغاز شد و دوباره یادگیری عمیق به میدان آمد. موفقیت‌هایی مانند آلفاگو که قهرمانان بازی پیچیده‌ی «گو»<sup>۲</sup> را شکست داد، نمونه‌ای از این پیشرفت‌ها بود.

همچنان که هوش مصنوعی مسیر تکامل خود را ادامه می‌دهد، چالش‌ها و امیدواری‌ها دست به دست هم داده‌اند تا این فناوری هر روز به واقعیت نزدیک‌تر شود. نگاه ما به آینده‌ای است که هوش مصنوعی نه تنها تقلیدی از انسان بلکه مکمل و ابزار قدرتمندی برای او باشد. تنظیم مقررات و نظارت بر این فناوری، با



پی‌نوشت‌ها

1. Runaround
2. MIT
3. general problem solver
4. Deep Blue
5. Go

منابع

1. Andreas M. Kaplan and Michael Haenlein, "Siri, Siri, in My Hand: Who's the Fairest in the Land? On the Interpretations, Illustrations, and Implications of Artificial Intelligence," *Business Horizons*, 62/1 (January/February 2019): 1525-.
2. Alan Turing, "Computing Machinery and Intelligence," *Mind*, LIX/236 (1950): 433-460.
3. For a practical exploration of ELIZA, visit: <https://www.masswerk.at/elizabo/>.
4. The Towers of Hanoi: A mathematical puzzle involving three rods and multiple disks—starting in one arranged stack—that must be moved to another rod while maintaining their order.
5. Murray Campbell, A. Joseph Hoane Jr., and Feng-Hsiung Hsu, "Deep Blue," *Artificial Intelligence*, 1342-1/ (January 2002): 5783-.
6. Matthew Hutson, "How Researchers Are Teaching AI to Learn Like a Child," *Science*, May 24, 2018, available at <https://www.sciencemag.org>.
7. Donald Olding Hebb, *The Organization of Behavior: A Neuropsychological Theory* (New York, NY: John Wiley, 1949).

# توانایی خودوالایی



امیرمسعود عباسی منجری  
دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، اهواز

اخلاق اسلامی به معنای رعایت فضیلت‌هاست. از فضیلت‌های مهم اخلاقی در حوزه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی «عزت‌نفس» است. عزت‌نفس نوعی نگرش مثبت به خویش همراه با باور به توانایی‌های درونی است که موجب بروز رفتارهای شایسته‌ی اخلاقی از انسان می‌شود و با تصوراتی ناظر به ناتوان بودن و خارج از اختیار بودن شرایط که به تدریج در او افسردگی ایجاد می‌کند، به مقابله می‌پردازد.

فردی که خود را بشناسد و جوهره‌ی وجودی خود را ببیند و ارزش آن را بداند، عزت‌نفس زیادی دارد؛ زیرا تقویت عزت‌نفس با نگاه مثبت فرد به درون و ارزش‌های درونی و تفکیک عوامل بیرونی و بازدارنده‌ی محیطی محقق می‌شود. در نهایت، فردی که درون و ارزش‌های درونی خود را دوست دارد، سعی می‌کند با

انجام رفتار شایسته و ترک رفتار ناشایست ارزش‌های درونی‌اش را حفظ کند تا بتواند با این دوست‌داشتن از آن ارزش‌ها مراقبت کند. توجه به درون و ارزش‌های درونی خود است که موجب می‌شود انسان خودش را عزیز بداند و به هر کاری دست نیازد. این تجلی حقیقی عزت‌نفس در دوره‌ی نوجوانی است. در نتیجه فرد دارای عزت‌نفس با صداقت با خویشتن این طور سخن می‌گوید: «با وجود همه‌ی مشکلات و موانع این کار را انجام می‌دهم یا تمام سعی‌ام را می‌کنم تا این کار را انجام بدهم.»

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق اسلامی، عزت‌نفس، شناخت خویش، صداقت با خویشتن

## مقدمه

زمانی که در زندگی دانش‌آموزی شکست‌هایی پیش می‌آید؛ مثلاً در مدرسه، دانش‌آموز در امتحانی شرکت می‌کند و نمی‌تواند نمره‌ی

لازم را کسب کند یا به هنگام مواجهه با تهدید احساس می‌کند نمی‌تواند از خودش دفاع کند و هیچ اختیاری ندارد یا در خانواده، نمی‌تواند درست رفتار کند یا به‌عنوان فرزند، روابط خود را با اعضای خانواده مدیریت کند و در نهایت زمانی که شرایطی برای او پیش می‌آید که به جنبه‌ی ناتوانی خود می‌اندیشد و زمانی که بیش از اندازه به این جنبه‌ی خود تمرکز می‌کند، عزت‌نفس به منصف ظهور می‌رسد و با تصوراتی ناظر به ناتوان بودن و خارج از اختیار بودن شرایط که به تدریج در او افسردگی ایجاد می‌کند، به مقابله می‌پردازد.

عزت‌نفس با ارزیابی صادقانه از خود، برداشت یا تصویر ذهنی از خود و توصیفی نسبتاً بدون قضاوت همراه با دو مؤلفه‌ی واقع‌بینانه و تحسین‌آمیز در مقابله نمایان می‌شود. واقع‌بینانه به معنای درست و صادق بودن است و تحسین‌آمیز به احساسات و علاقه‌های مثبت اشاره دارد و در پی این است تا فرد دارای عزت‌نفس اولاً شرم و خجالت بیهوده و باور به این مسئله را که دیگران در او جرح هستند و او کمتر از انسان‌های دیگر است، نداشته باشد و ثانیاً دچار غرور بیهوده نشود و نگرش به دیگران سلسله‌مراتبی و عمودی یا نسبی نباشد و فکر نکند که چیزی بیشتر از انسان‌های دیگر است.

## مبانی نظری

### اصل ارزش ذاتی و بی‌قیدوشرط

هر انسانی ارزشی ذاتی و بی‌قیدوشرط دارد. پنج ویژگی این اصل را به‌خوبی توصیف می‌کنند:

۱. ارزش انسانی جاودان و پایان‌ناپذیر است؛ یعنی با گذر زمان خدشه‌دار نمی‌شود و از آن کاسته نمی‌شود.

۲. همه‌ی انسان‌ها ارزشی برابر دارند و ارزش موضوعی مقایسه‌ای یا رقابتی نیست. ممکن است که انسان‌ها به‌لحاظ استعداد در تحصیلات، تجارت و ورزش از یکدیگر برتر یا پست‌تر باشند یا یکی در مهارت‌های اجتماعی برتر از دیگران باشد؛ ولی همه‌ی انسان‌ها به‌واسطه‌ی انسان بودن ارزشی برابر دارند.

۳. عوامل بیرونی و ظاهری مانند پول و قیافه نه ارزش انسان را کم می‌کنند و نه به آن می‌افزایند. این موارد فقط مقام اجتماعی فرد را می‌افزایند یا کم می‌کنند؛ اما ارزش اجتماعی فرد همواره ثابت و تغییرناپذیر است.



۴. ارزش انسانی ثابت و پایدار است و هرگز به خطر نمی‌افتد، حتی اگر کسی ما را نپذیرد و ارزشمندی ما را قبول نداشته باشد.  
۵. در نهایت، فردی که خود را بشناسد و جوهره‌ی وجودی خود را ببیند و ارزش آن را بداند، عزت‌نفس زیادی دارد؛ زیرا تقویت عزت‌نفس با نگاه مثبت فرد به درون و ارزش‌های درونی و تفکیک عوامل بیرونی و بازدارنده‌ی محیطی محقق می‌شود.

### اصل عشق و محبت

۱. نقطه‌ی شروع سلوک معنوی عشق و محبت است. محبت چنان جذبه‌ای در انسان ایجاد می‌کند که همچون آتش همه‌ی جان و روان انسان را می‌گدازد و آماده‌ی تغییر می‌کند.  
۲. محبت عنصری است ناظر بر تجربه‌ی انسانی که می‌تواند بر ساختار شخصیتی فرد، به‌ویژه در دوره‌ی نوجوانی، به‌شدت تأثیر بگذارد و رفتار و منشأ شخصیتی او را تغییر بدهد یا اصلاح کند. محبت و عشق به‌عنوان مؤلفه‌های عاطفی و هیجانی بیشتر از هر چیز به هیجانات توجه می‌کنند.  
۳. محبت از طریق چهار منبع تجربه می‌شود؛ خداوند متعال، والدین، خود و افراد خالص.  
۴. محبت احساسی است که تجربه می‌شود و نگرشی در آن دخیل است؛ زیرا فرد به‌واسطه‌ی نگرش خاصی که به محبوب دارد، به او محبت می‌ورزد. محبت تصمیم و تعهدی است که فرد در خود به محبوب می‌یابد و در نهایت، مهارتی پرورش‌یافته در وجود انسان است.

۵. در نهایت، فردی که درون و ارزش‌های درونی خود را دوست دارد، سعی می‌کند با انجام رفتار شایسته و ترک رفتار ناشایست ارزش‌های درونی‌اش را حفظ کند تا بتواند با این دوست‌داشتن از آن ارزش‌ها مراقبت کند.

لازم به ذکر است که عشق و محبت به خداوند متعال به‌عنوان منبع بی‌پایان الهی در وجود هر انسانی از بدو تولد نهاده شده است و خانواده اولین منبع تجربه‌ی شخصی فرد از عشق و محبت است که به‌شکل محبت به والدین و برعکس بروز می‌یابد و در تقویت

عزت‌نفس نقش مهمی دارد.

### راهکارها

#### مهارت هوشیاری درباره‌ی توانمندی خود

این مهارت چند مرحله دارد:

#### مرحله‌ی اول: یادآوری یک تجربه

باید اتفاق یا مشکلی را که در زندگی‌تان پیش آمده است و توانسته‌اید از عهده‌ی آن برآید یا آن را حل کنید، به یاد آورید. در نظر داشته باشید بزرگی و کوچکی آن تجربه مهم نیست.

#### مرحله‌ی دوم: تعیین سهم خود در موفقیت

اکنون باید ببینید در به‌دست‌آمدن این موفقیت چقدر خودتان مؤثر بوده‌اید و چقدر دیگران و امور دیگری مثل سرنوشت و مانند این‌ها.

ببینید بین صفر تا صد چه درصدی را برای نقش خودتان قائل هستید. دیگران چند درصد در به‌دست‌آمدن این موفقیت نقش داشته‌اند و امور دیگر چند درصد در به‌دست‌آمدن این موفقیت نقش داشته‌اند.

اگر شما بیش از ۵۰ درصد به خودتان سهم می‌دهید، معنای خوبی دارد؛ یعنی شما می‌خواهید بگویید که خود من توان تغییر را دارم. شایان ذکر است که جمع نمرات خود، دیگران و امور دیگر نباید از صد بیشتر بشود.

#### مرحله‌ی سوم: تبدیل سهم خود از موفقیت به جملات مثبت

تلاش کنید جمله‌هایی را از نتیجه‌ی این تحلیل استخراج کنید که نشان می‌دهند شما توانایی لازم

را برای موفقیت دارید یا از توانایی جلب حمایت دیگران برخوردارید یا توانایی ایجاد شایستگی برای تأثیرگذاری امور دیگر را دارا هستید.

می‌توانید تجربه‌ی موفقیت‌آمیز خود را با استفاده از جمله‌ی (من توانستم...) در یکی از این

سه حالت بیان کنید:

الف) در صورتی که نقش خودتان را بیشتر می‌دانید، باید بگویید: «من توانستم در... موفق

بشوم.»

ب) در صورتی که نقش خود را کمتر و نقش دیگران را بیشتر می‌دانید، باید بگویید: «من توانستم یاری دیگران را در فلان موفقیت به طرف خودم جلب کنم.»

ج) در صورتی که نقش خودتان را کمتر و نقش امور دیگر را بیشتر می‌دانید، باید بگویید: «من توانستم شایسته‌ی دریافت فلان موفقیت بشوم.»

اکنون جملات را سه بار با خود بگویید و تکرار کنید. به معنای آن‌ها هم دقت داشته باشید.

### مهارت «با وجود این»

این مهارت پاسخی واقعی، خوشبینانه و سریع به عوامل بیرونی ناخوشایند می‌دهد. پاسخی که احساس ارزش ما را با جداکردن از عوامل بیرونی تقویت می‌کند. از این‌رو، به جای استفاده از گزینه‌های «به‌علت اینکه» و «بنابراین» از گزینه‌های «حتی اگر» یا «با این وجود» استفاده



می‌شود؛ مثلاً هنگام یادآوری اتفاقی که به‌ظاهر به‌خوبی پیش نرفته است، چنین جمله‌ای گفته می‌شود: «حتی اگر آن طرح را خراب کردم، با این وجود هنوز فرد ارزشمندی هستم.»

### مهارت عادت به افکار خودتأییدکننده

افراد دارای عزت‌نفس زیاد با تمرکز بر عوامل بیرونی می‌کوشند به‌دلیل روابط ناپایداری که با دیگران داشته‌اند، خود را سرزنش نکنند؛ بلکه گزینه‌هایی مانند «در اندازه‌ی هم نبودیم» یا «از چهره‌ی من خوشش نیامد» را در ارزیابی خود لحاظ کند. شایان ذکر است که باید سه بار جمله‌ی موردنظر را با خود بگوید، آن را روی کاغذ بنویسد و تکرار کند و به معنای آن نیز حتماً توجه داشته باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

زمانی که در آینه به چشمانتان نگاه می‌کنید و به درونتان می‌نگرید، جایگاه و اهمیت

ظواهر و ابعاد بیرونی مشخص می‌شود. در این هنگام، در می‌یابید که این موارد از درجه‌ی دوم اهمیت برخوردار هستند و به‌تدریج از نگاه و توجه خود لذت می‌برید؛ زیرا توجه به درون و ارزش‌های درونی خود است که موجب می‌شود انسان خودش را عزیز بداند و به هر رفتاری دست نیازد. این تجلی حقیقی عزت‌نفس در دوره‌ی نوجوانی است.

عزت‌نفس آنگاه معنای کامل‌تری پیدا می‌کند که با صداقت با خویشتن همراه باشد. صداقت با خویشتن سه بخش دارد: آگاهی از خود، پذیرش خود و بیان خود. **آگاهی از خود:** دانش‌آموز باید در برقراری ارتباط با دیگران تصور درست و واقعی از خودش داشته باشد؛ یعنی بداند چه کسی است، چه نگرشی به خود دارد و چه نقاط قوت و ضعف و چه استعدادها و توانایی‌هایی دارد.

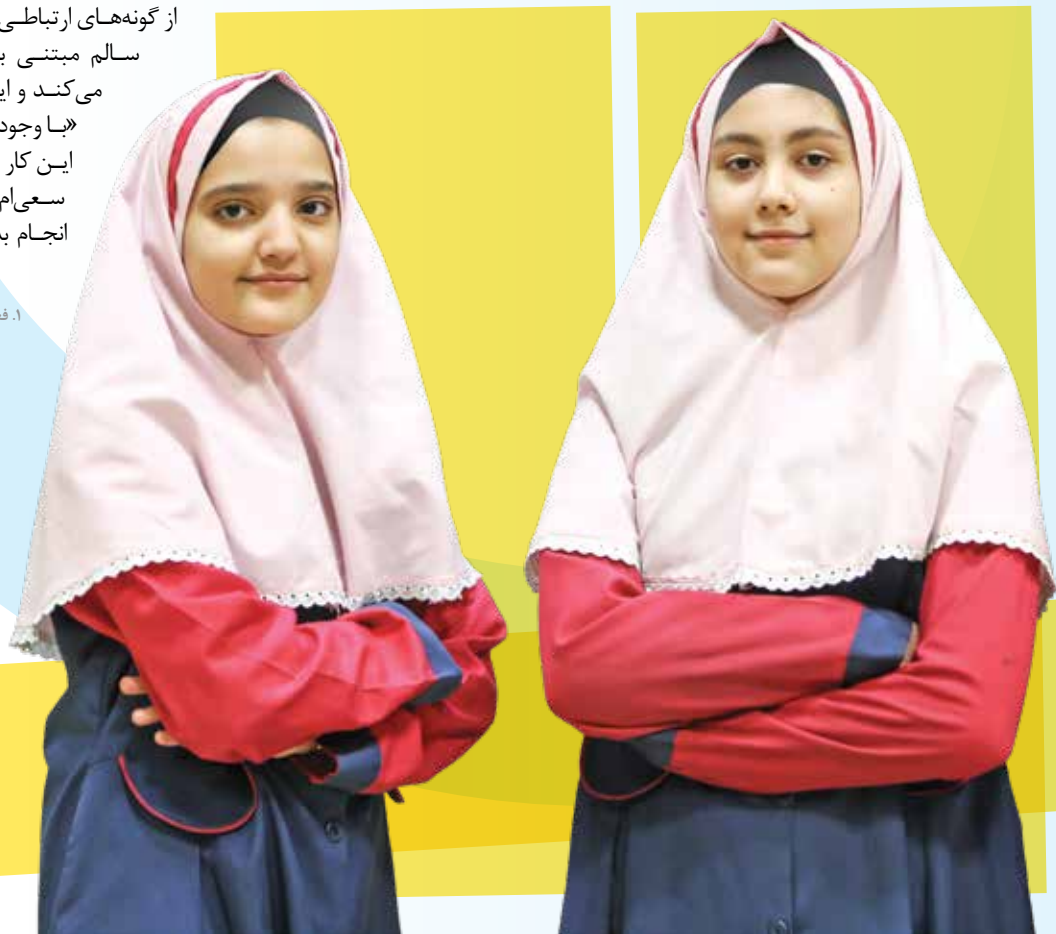
**پذیرش خویشتن:** پذیرفتن خود به‌معنای خودشیفتگی و عزت‌نفس خیلی زیاد و

غیرمعمول نیست؛ بلکه به‌معنای احترام به نفسی است که بر اساس آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود باشد. در ابتدا باید موقعیت‌هایی کشف بشود که در آن، فرد احساس ارزش یا پذیرش شخصی را از دست داده است؛ مثلاً می‌توان باور بیهوده‌ی «باید در نظر همه دوست‌داشتنی باشیم» را با باور «عزت‌نفس من نمی‌تواند به خواست و نظر دیگران وابسته باشد» جایگزین کرد.

**بیان خود:** سومین بخش صداقت با خویشتن بیان خود است. فردی که خود را بیان می‌کند، از درونی‌ترین افکار و احساسات خود آگاه است، آن‌ها را می‌پذیرد و در زمانی مناسب و آن‌ها به‌شکلی مسئولانه با دیگران در میان می‌گذارد. چنین فردی حتی در حالت اضطراب شدید می‌تواند آنچه را در آن لحظه حس می‌کند، با آرامش و بی‌پرده آشکار سازد. در واقع او در بیان خود و احساساتش دچار افراط و تفریط نمی‌شود. در اینجاست که عزت‌نفس در فرد با صداقت با خویشتن شکل می‌گیرد و فرد در هر یک از گونه‌های ارتباطی که قرار بگیرد، ارتباطی سالم مبتنی بر عزت‌نفس را تجربه می‌کند و این‌طور سخن می‌گوید: «با وجود همه‌ی مشکلات و موانع این کار را انجام می‌دهم یا تمام سعی‌ام را می‌کنم تا این کار را انجام بدهم.»

#### منابع

۱. فعالی، محمد تقی، ۱۳۹۲، خودباوری، تهران: دارالصادقین.
۲. توزنده جانی، حسن، ۱۳۹۰، آموزش مهارت‌های زندگی ارتباط مؤثر؛ سازگاری اجتماعی، عزت‌نفس و خودآگاهی، نیشابور: دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. نوری خواجوی، مرتضی، ۱۳۸۷، عزت‌نفس چیست؟، تهران: مهارت‌های زندگی رویش.
۴. رفیعی هنر، حمید، ۱۳۹۷، «تبیین سازه‌ی خودمهارگری بر اساس اندیشه‌ی اسلامی»، مجله‌ی روان‌شناسی و دین، ش ۲۷.



# اگر جای او بودی ...

## آموزش مهارت حل تعارض از طریق گفت‌وگو

محمود صیادی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی  
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی، زاهدان



می‌کند تا همدلی را تمرین و به‌جای قضاوت عجولانه، تلاش کنند احساسات و دلایل رفتار دیگران را بفهمند. برای مثال، اگر کودک «الف» احساس کند حقیقت نادیده گرفته شده است، حالا باید در نقش کودک «ب» قرار گیرد و از دیدگاه او صحبت کند. این تغییر نقش می‌تواند با استفاده از کارت‌های مشخص‌کننده‌ی نقش یا نشانه‌های ساده انجام شود تا کودکان به‌راحتی بتوانند خود را در موقعیت جدید تصور کنند. کودکان باید احساسات و دلایل رفتار طرف مقابل را بیان کنند؛ مثلاً کودک «ب» ممکن است بگوید: «من فقط می‌خواستم کمی بیشتر بازی کنم؛ چون دیروز فرصت نداشتم.»

### ۴. پرسش‌های هدایت‌کننده (سؤال‌های کلیدی، هدایت گفت‌وگو)

معلم در طول بازی چنین سؤال‌هایی می‌پرسد: «اگر جای او بودی، چه احساسی

ایجاد می‌کند تا کودکان احساس راحتی کنند. برای ایجاد این فضا، معلم می‌تواند از موسیقی ملایم، چیدمان دایره‌ای صندلی‌ها و قوانین ساده و مثبت مانند «احترام به نظرات دیگران»، «قطع‌نکردن صحبت دیگران» و «همدلی کردن با احساسات سایرین» استفاده کند. این فضا باید به‌گونه‌ای باشد که کودکان بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، بتوانند احساسات و نظرات خود را بیان کنند.

### ۲. معرفی موقعیت تعارض (انتخاب موقعیت، توضیح موقعیت، پرسش‌های آغازین)

سپس معلم موقعیت تعارض ساده و آشنایی را برای کودکان تعریف می‌کند؛ مثلاً اختلاف بر سر استفاده از وسیله‌ای مشترک، نوبت بازی یا نادیده گرفته شدن در گروه را انتخاب کند. این موقعیت‌ها باید واقعی و مرتبط با تجربه‌های روزمره‌ی کودکان باشند. معلم باید موقعیت را به‌صورت داستانی کوتاه و جذاب تعریف کند؛ مثلاً بگوید: «فرض کنید دو نفر از شما می‌خواهند هم‌زمان با یک توپ بازی کنند؛ اما فقط یک توپ وجود دارد. چه اتفاقی می‌افتد؟» از کودکان بپرسد: «اگر شما در این موقعیت بودید، چه احساسی داشتید؟» یا «فکر می‌کنید چرا این اتفاق افتاد؟» انتخاب موقعیت‌هایی که کودکان با آن‌ها آشنا هستند، کمک می‌کند تا ارتباط بهتری با موضوع برقرار کنند.

### ۳. تعویض نقش‌ها (تقسیم نقش‌ها، ابزار کمک‌کننده، اجرای نقش‌آفرینی)

بعد از توضیح موقعیت، از کودکان خواسته می‌شود نقش‌های خود را عوض کنند و هر کدام از زاویه‌ی دید دوست خود به مسئله نگاه کنند. این مرحله به کودکان کمک

کلاس درس دوره‌ی ابتدایی به‌عنوان جامعه‌ای کوچک، بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی اولیه است. در این فضا، تعارض‌ها طبیعی هستند؛ اما نحوه‌ی مواجهه با آن‌ها می‌تواند به رشد مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کودکان کمک کند. بازی «اگر جای او بودی!» روش مؤثری برای حل تعارض و تقویت مهارت‌های گفت‌وگو در کودکان است. این بازی به کودکان می‌آموزد که خود را در موقعیت دیگران قرار دهند و از زاویه‌ی دید آن‌ها به مسئله نگاه کنند. از این طریق، کودکان یاد می‌گیرند احساسات و نیازهای دیگران را درک کنند و به‌جای واکنش‌های سریع و احساسی، به دنبال راه‌حل‌های منطقی و منصفانه باشند.

مراحل اجرای بازی «اگر جای او بودی!» شامل گام‌هایی است که به‌صورت هدفمند طراحی شده‌اند تا کودکان درک عمیق‌تری از تعارضات و راه‌حل‌های سازنده پیدا کنند. این مراحل عبارت‌اند از: ایجاد فضای امن و آرام، معرفی موقعیت تعارض، تعویض نقش‌ها، پرسش‌های هدایت‌کننده، بازتاب احساسی و تحلیلی، یافتن راه‌حل و انجام فعالیت‌های تکمیلی. در نهایت، جلسات بازتاب هفتگی، تشویق و تحسین و تشکیل شورای دانش‌آموزی به تکمیل این فرایند کمک می‌کنند.

### گام‌های اجرای بازی

۱. ایجاد فضای امن و آرام (چیدمان فیزیکی، قوانین پایه، فضای عاطفی)  
در ابتدای بازی، معلم فضایی آرام و امن



عمل کنیم؟» «چه راه‌حل‌هایی به ذهنتان می‌رسد؟» یا «چطور می‌توانیم این مشکل را حل کنیم؟» این نوع سؤالات به کودکان کمک می‌کند مسیر بهتری را برای حل تعارض پیدا کنند.

#### ۷. فعالیت‌های تکمیلی

از فیلم‌های کوتاه آموزشی استفاده کنید که موقعیت‌های مشابه را نشان می‌دهند. پس از نمایش فیلم، از کودکان بخواهید درباره‌ی احساسات شخصیت‌ها و راه‌حل‌های ممکن بحث کنند. این روش به کودکان کمک می‌کند تا بهتر با موضوع ارتباط برقرار کنند و راه‌حل‌های خلاقانه‌تری ارائه دهند.

بازی «اگر جای او بودی!» نه تنها مهارت‌های همدلی و حل تعارض را تقویت می‌کند، بلکه با اقدامات تکمیلی، یادگیری کودکان را عمیق‌تر می‌سازد. معلم می‌تواند کتابچه‌ای از راه‌حل‌های پیشنهادی کودکان برای موقعیت‌های گوناگون تعارض تهیه کند تا به‌عنوان مرجع در کلاس استفاده شود. برگزاری جلسات هفتگی بازتاب نیز به کودکان فرصت می‌دهد درباره‌ی تجربه‌ها، موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خود صحبت کنند که این امر موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و مثبت‌گرایی می‌شود. همچنین، تشویق مداوم و ارائه‌ی بازخوردهای مثبت انگیزه‌ی مشارکت را در آن‌ها تقویت می‌کند. تشکیل یک شورای دانش‌آموزی کوچک نیز کودکان را به مسئولیت‌پذیری، رهبری و تصمیم‌گیری گروهی عادت می‌دهد و محیطی حمایتی برای حل مسائل ایجاد می‌کند.

بازی «اگر جای او بودی!» به کودکان کمک می‌کند تا تعارضات را حل و مهارت‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری و خلاقیت را تقویت کنند. این بازی آن‌ها را با اهمیت احترام به تفاوت‌ها و استفاده از تعارضات به‌عنوان فرصتی برای رشد آشنا می‌کند. نقش معلم در ایجاد فضایی امن، تشویق مشارکت برابر و هدایت گفت‌وگو به‌سمت راه‌حل‌های سازنده بسیار مهم است. این بازی فراتر از یک فعالیت کلاسی، ابزاری مؤثر برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و ایجاد محیطی مبتنی بر احترام و همکاری است که به پرورش شهروندانی مسئول و همدل کمک می‌کند.

خود را از طریق نقاشی، نوشتن یا کاردستی بیان کنند. این فعالیت‌ها به کودکان کمک می‌کند تا احساسات خود را به شیوه‌ای خلاقانه و غیرکلامی بروز دهند. بازتاب احساسی و تحلیلی یکی از مهم‌ترین بخش‌هاست. کودکان باید فرصتی داشته باشند تا درباره‌ی تجربه‌ها و احساسات خود صحبت و یادگیری خود را مرور کنند.

#### ۶. یافتن راه‌حل (گفت‌وگویی جمعی، توافق جمعی)

در نهایت، پس از پایان نقش‌آفرینی، گفت‌وگویی جمعی برگزار می‌شود. در این گفت‌وگو، کودکان تجربه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و درباره‌ی احساسی که در طول بازی داشتند، صحبت می‌کنند. معلم می‌تواند از چنین سؤالاتی استفاده کند: «چه چیزی باعث شد احساس بهتری پیدا کنید؟» یا «چطور می‌توانیم در آینده بهتر

داشتنی؟» یا «چطور می‌توانستی بهتر رفتار کنی؟» معلم باید گفت‌وگو را به‌سمت درک متقابل و یافتن راه‌حل‌های عملی هدایت کند؛ مثلاً اگر کودکان در حال بحث درباره‌ی نوبت بازی هستند، معلم می‌تواند بپرسد: «چطور می‌توانیم مطمئن شویم همه فرصت بازی‌کردن دارند؟» تا کودکان به عمق احساسات و رفتارهای یکدیگر پی ببرند.

#### ۵. بازتاب احساسی و تحلیلی (بیان احساسات، پرسش‌های باز، فعالیت‌های خلاقانه)

پس از پایان نقش‌آفرینی، معلم از کودکان می‌خواهد درباره‌ی احساسی که در طول بازی داشتند، صحبت کنند. معلم می‌تواند از چنین سؤالاتی استفاده کند: «چه چیزی باعث شد احساس بهتری پیدا کنی؟» یا «چطور می‌توانیم در آینده بهتر عمل کنیم؟» برخی کودکان ممکن است ترجیح دهند احساسات



# علیجان و آقا معلم



اعظم لاریجانی

بود. نه قرار بود اتوبوسی سوار شود، نه ترافیکی بود. نه قرار بود از یک سر شهر به سر دیگر آن برود که آن قدر زود شال و کلاه کرده و بیرون زده بود. نمی دانست چه کند. هر چه قدم هایش را کند کرد، هر چه الکی خم شد و بند کفش بستنش را دوباره محکم کرد، هر چه دور خودش گشت، باز هم فقط نیم ساعت گذشته بود و هنوز تا شروع کار مدرسه خیلی مانده بود. دست در جیبش کرد که زنگی به مادرش بزند تا کمی وقت بگذرد. می دانست که او بیدار است. این جیب و آن جیب را گشت و بعدش هم داخل کیف چرمی اش را زیر و رو کرد. تلفن همراهش را پیدا نکرد. باخوش حالی به سمت خانه برگشت. هیچ وقت نشده بود که از جا گذاشتن چیزی آن قدر خوش حال شود. بالاخره یک ربع هم یک ربع است که بگذرد و به ساعت بازگشایی مدرسه نزدیک تر شود. خودش هم نمی دانست با این همه وقتی که دارد، چرا قدم هایش را تند کرده است! کم مانده بود به سمت خانه بدود. جلوی در خانه نوبت به جست و جوی کلید در کیف و جیب هایشان رسید. کلید را هم مثل تلفنش جا گذاشته بود. صدای مادرش در گوشش پیچید که می گفت: «پسرم، شاید یک روز من خانه نباشم. کلیدت رو بذار تو کیفیت. چرا می اندازی روی میز که یادت بره برداری؟!»

نگاهی به ارتفاع دیوار انداخت. تا حالا حتی در نوجوانی هم از دیواری بالا نرفته بود. دو دست و دو پایش را در شکاف بین آجرهای شکسته جای داد و خودش را کمی بالا کشید. لاغر و نحیف بود و در راه بالا رفتن از دیوار به خاکی شدن لباس های پلوخوری اش هم که برای روز اول مدرسه پوشیده بود، فکر می کرد؛ اما چاره ای نبود. دوباره به سختی خودش را بالا کشید. دیگر از اینکه وقت دارد آن قدر سریع می گذرد، مضطرب شد. هوا دیگر کاملاً روشن شده بود که او به بالای دیوار رسید. یک پایش را یک طرف دیوار گذاشت و پای دیگرش را آن طرف، تا کمی خستگی در کند که صدای تپ تپی شنید و سوار بر دیوار، برگشت و به پشتش نگاه کرد. پسر بچه ای با تویی چهل تکه روپایی می زد و به سمت خانه او می آمد. همان لحظه پسر هم او را دید و ایستاد. هیچ کدامشان نمی توانستند تکان بخورند. یک دفعه پسر بچه داد زد: «دزد! دزد! آقا جان! دزد بیمو!» و با وحشت راه آمده را برگشت و توپش را همانجا جا گذاشت. آقا معلم هم دیگر ترس از ارتفاع را کنار گذاشت و پرید توی حیاط خانه اش و همانجا ایستاد و به صدای پاهایی که

صبح خیلی زود از خانه بیرون زد. اشتیاق زیادش برای معلمی نگذاشته بود تا صبح پلک روی هم بگذارد. همین که صدای اذان را شنید، از جا پرید و مثل کسی که دیرش شده باشد، بدود و لباس پوشید. حتی نرسید در آینه به چهره ای که قرار بود برای اولین بار به نام معلم در کلاس حاضر شود، نگاهی بیندازد. دوسه ماه از پایان تحصیلش گذشته بود که به او پیشنهاد کردند در روستا به کار مشغول شود. زود پذیرفت. زودتر هم اسباب کشی کرد و آمد به روستا و ساکن شد. یک هفته قبل از شروع مدرسه بود و او هیچ کاری نداشت که با انجام آن وقتش پر شود. یک اتاق سه در چهار که شستن و رفتن آن چندان زمانی لازم نداشت. برای غذا هم زیاد نمی توانست وقت بگذارد؛ یعنی بلد نبود. هر روز تخم مرغ را به شکل متفاوتی می شکست تا شاید احساس کند نوعی در غذا پختنش ایجاد شده است. گاهی از دور قهوه خانهای را می دید که عصرها مردهای عموماً مسن، آنجا دور هم می نشستند و گپ می زدند. کم رویی مانع می شد تا به آن جمع بپیوندند و کمی وقت بگذرانند. اصلاً همین کم رویی باعث شد که خیلی زود و بدون فکر، تدریس در روستا را بپذیرد. وقتی به مادرش گفت که می خواهد برود روستا درس بدهد، او به اعتراض گفت: «پسرم تو نه بلدی یک کته بیزی، نه یک بار تا حالا گذاشتم لباس هات رو خودت بشووری، حالا کار قحطی که نیست. می گردیم، می سپریم همین نزدیک خودمون یه جایی مشغول بشی.»

او و پایش را کرد توی یک کفش که الا و بلا می خواهد برود روستا و کار خیر کند؛ اما در اصل از کم رویی اش بود که آن کار را پذیرفت. نمی خواست حتی به روی مادرش هم بیاورد که می رود روستا. چون بچه های آنجا ساده تر هستند و او کمتر جلوی آن ها خجالت می کشد. ساعت ۵ صبح که بیرون زد، هوا هنوز گرگ و میش

«حالتون خوبه آقا؟ آقا مدیر رو صدا بزنوم.» معلم گفت: «گوشی‌م و کلیدم هر دو در خانه بود.» پسر بچه همان‌طور ایستاده بود؛ ولی نفسش راحت‌تر می‌رفت و می‌آمد. معلم گفت: «توپت را گذاشتم یک جای امن.» پسر بچه آرام نشست سر جایش و سرش را انداخت پایین.

یکی از بچه‌ها با ذوق گفت: «نمایش بازی به؟» بچه‌ها به حساب اینکه معلم و پسر بچه نمایش اجرا کرده‌اند، کف ممتدی زدند. آن روز به‌کندی گذشت، بدون اینکه حتی یک بار آقا معلم و پسر بچه به چشم هم نگاه کنند.

معلم به خانه که رسید، توپ را از زیر پله برداشت و برد در خانه. صبح روز بعد آقا معلم باز هم زود بیدار شد؛ ولی از خانه بیرون نزد خودش را در آینه نگاه کرد. برای خودش چای درست کرد. کمی در حیاط قدم زد. کفش را برای بار سوم تمیز کرد. بالاخره سر وقت از خانه بیرون زد. به سمت مدرسه رفت. دیگر اضطراب نداشت. توپ در یک دست و کیف در دست دیگر وارد مدرسه شد. مدیر گفت: «توپ علی‌جان؟ کجا بود؟» و قبل از اینکه آقا معلم جوابی بدهد ادامه داد: «آره، پسر هم استعداد داره هم پشتکار. صبح قبل مدرسه او مدن می‌ره تمرین می‌کنه. ببین کجا پاهت گفتم! این بچه وارد تیم ملی می‌شه.»

معلم وارد کلاس شد. توپ را گذاشت گوشه‌ی کلاس و گفت: «موقع رفتن توپت رو ببر!»

صدای چشم‌او را شنید. رفت کنار تخته ایستاد و درس را شروع کرد. بعد از تعطیلی مدرسه به خانه که رسید، اول رفت سراغ یخچال، قابلمه‌ی برنج را بیرون گذاشت و با قاشق برنج‌های شفته‌ی به‌هم چسبیده را به‌زور از هم جدا می‌کرد و در قابلمه‌ی کوچک دیگری می‌ریخت تا گرم کند و زیر لب می‌گفت: «یک هفته باید این شفته‌پلور رو تحمل کنم. البته

بعدش هم دوباره درست می‌کنم. کاری نداره که! فقط میزان به‌هم چسبیدنش کمتر و بیشتر می‌شه.» کسی با چیزی شبیه سنگ به‌درزد. به سمت در رفت. علی‌جان با قابلمه‌ای روبه‌روی در ایستاده بود: «آقا بفرما! شامی داشتیم. گفتیم برا شما هم بیاریم.» آقا معلم لیخند محوی زد و قابلمه را گرفت و گفت: «بفرما داخل.» علی‌جان گفت: «باید بروم. همه پای سفره‌اند.»

همین‌طور که پسر بچه به سمت خانه می‌رفت، آقا معلم از میان در تماشای بیرون کشید و داد زد: «یک وقتایی، بیا با هم بریم تمرین. من صبح زود بیدارم.» پسر بچه خندید و گفت: «به روی چشم آقا، چی بپتر از این!»

از آن روز به بعد دیگر کمتر روزی می‌شد که آقا معلم پلوی شفته‌ی دست‌پخت خودش را بخورد.

می‌دوبند و می‌آمدند به آن سمت، گوش سپرد. مردی از پسر بچه پرسید: «از کدام طرف رفت؟» پسر بچه گفت: «یک کیف از این خونه دزیده بود و داشت از روی دیوار می‌پرید توی کوچه.»

هیچ‌کدام از افراد گروه هم اصلاً فکر نکردند چرا دزدی که رفته است داخل خانه، دوباره باید از دیوار بالا برود؟! چرا در را باز نکرده و به راحتی بیرون نیامده است. بعد از آن، همه به‌سوی مقصد نامعلومی دنبال دزد یک کیف چرمی بزرگ می‌دویدند.

معلم نفس راحتی کشید. به سمت اتاقش رفت و تلفن همراهش را برداشت. دیگر باید عجله می‌کرد تا به مدرسه برسد. خاک لباسش را تکاند و بعد دستمال مرطوبی هم روی کفش‌هایش کشید و از خانه بیرون آمد. توپ هنوز آنجا بود. او ضربه‌ای به توپ زد و آن را انداخت زیر پله‌ی خانه‌اش و به سمت مدرسه دوید. وارد مدرسه شد. رفت پیش مدیر. مدیر معلم تازه‌وارد را به سمت کلاسش راهنمایی کرد و به او گفت: «آروم باش داداشم، برو به امید خدا!»

وارد کلاس شد. یکی از بچه‌ها بر پا گفت. قلبش تندتند می‌زد. کیفش را روی میز گذاشت و مثل مبصرها گفت: «برجا.» بچه‌ها به هم نگاه کردند و لیخند زدند. با خود فکر می‌کردند: «چه معلم خوبی! از روز اول شوخی می‌کنه.» انتظار نداشت در مدرسه‌ای

روستایی این همه دانش‌آموز در یک کلاس باشند. به نظر می‌آمد، پانزده نفر باشند. وقتی توانست به کم‌رویی‌اش غلبه کند و برگشت به سمت کلاس، همه نشستند. جز یک نفر. همان پسر بچه که داشت با تعجب به او نگاه می‌کرد. هر دو بی حرکت، بدون پلک‌زدن به هم نگاه می‌کردند. قلب هر کدامشان آن قدر تند می‌زد که صدای نفس‌هایشان را به گوش بچه‌ها می‌رساند. بالاخره آقا معلم توانست لب‌هایش را از هم باز کند و گفت: «دیوار خودم بود.»

بچه‌ها نه از این نگاه‌ها و نه از آن جمله چیزی سردر نیاروند. پسر بچه نفس بلندی کشید و به کیف معلم که روی میز بود، نگاه کرد. معلم دوباره گفت: «کلیدم رو جا گذاشته بودم.» بچه‌ها با تعجب به معلمی که به روش عجیبی درس را شروع کرده بود، نگاه می‌کردند.

معلم یک قدم به جلو برداشت و گفت: «رفته بودم گوشه‌ی م رو بردارم.» بچه‌ها مات مانده بودند. یکی از بچه‌ها گفت:



# هدایت با تشویق و تنبیه بجا



مریم السادات پورمسجدی میبدی  
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی،  
آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی

تشویق و تنبیه نشانه‌ی زنده‌بودن انسان و نشانه‌ی سرحال بودن او و علامتی برای میل و انگیزه‌ی دستیابی به کمال است. در تشویق به میل انسان به گرفتن پاداش و در تنبیه، به میل انسان به دور شدن از عذاب و تنبیه توجه می‌شود. هر دو میل به خداخواهی انسان برمی‌گردد و میل به تشویق بیشتر از تنبیه است؛ ولی با این حال، به دلیل فطری بودن این امیال، انسان در صورت انجام کار اشتباه، تمایل دارد کسی او را تنبیه کند و از روند اشتباه دوری بگزیند.

تشویق در عرف به معنای سوق دادن افراد به انجام یا ترک کاری با محرک‌های بیرونی یا درونی، همراه با ایجاد هیجان در آن‌هاست و برای کارهایی که از نظر عقلی یا عرفی نفع و مزیتی دارند، به کار می‌رود. در جامعه با توجه

هفت سال دوم همچنین به «هفت سال ادب» شناخته می‌شود که همزه‌اش را برداشته‌اند و به عمد یا به سهو، دبستان شده است. من و شما آمده‌ایم که اینجا ادب بشویم؛ یعنی جهت پیدا بکنیم، بی‌رویه نگاه نکنیم، نشنویم، مطالعه نکنیم، از هر طرف حرکت نکنیم. انسان موحد و مؤمن در تمام لحظات عمرش یک مقصد دارد. در همه‌ی رفتارهایش یک نیت دارد. این یعنی شرایطی را فراهم کنیم که انرژی فرزند ما و توانایی‌های او در جهتی به‌خصوص رشد کند، نه اینکه من آن را شکل بدهم، بلکه خود او به سمت موردنظر بیاید. خودش رعایت کند. می‌خواهیم کم‌کم به سن بلوغ و تکلیف برسد. تکلیفش را خودش بفهمد نه اینکه من به او بگویم. پس ادب، فراهم کردن شرایطی است که طرف بتواند خودش درست تشخیص بدهد، خودش درست تفکر کند، درست دقت پیدا کند، تمیز بدهد، بین حق و باطل و زشت و زیبا، حق و زیبا را انتخاب کند و کار درست را انجام دهد (غفرانی و رضازاده، ۱۳۹۷، صص ۴۴ و ۴۵). ادب‌داشتن به معنای در ضابطه قرار گرفتن است و به این منظور لازم است مرتباً ابتدا در تشخیص حدود و حقوق خود و دیگران و از همه مهم‌تر، حدودی که لازم است برای خداوند مراعات کند، مساعدت و کمک و سپس در پاسداشت رعایت حرمت‌ها و عمل بر اساس تشخیص یاری شود. با توجه به این توضیحات، دوره‌ی دوم را می‌توان دوره‌ی ظهور عبودیت یا دوره‌ی ظهور ادب نیز نام نهاد (اخوت و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۳۳).

نظر به حضور مؤثر اولیا، انسان در این دوره‌ی رشدی و ارتباطی که به سبب تلاش برای ظهور مشورت و ادب صورت می‌گیرد، مبحثی در این مورد تحت عنوان «تشویق و تنبیه» مطرح می‌شود.

به باورها، اعتقادات و فرهنگ‌ها معمولاً کالایی یا سخنی برای تهییج و تشویق به افراد عطا و بیان می‌شود. این امر برای افراد کم‌سن‌وسال بیشتر اتفاق می‌افتد و هرچه فرد بزرگ‌تر می‌شود، این‌طور به نظر می‌رسد که به تشویق کمتر نیاز دارد. انسان موجود عجیبی است؛ گاه کار بسیار سختی را با هزاران مانع، به دلیل میل و رغبت، به آسانی انجام می‌دهد و گاه انجام کار آسانی به دلیل دوست نداشتن آن، بسیار برایش سخت است. با رغبت می‌توان میل ناخوشی به چیزی را از بین برد.

رغبت زمانی ایجاد می‌شود که فرد بتواند نسبتی مناسب و مطلوب بین خود و آن چیز برقرار کند که در فارسی به آن دوست‌داشتن و در عربی به آن «حب» می‌گویند. حب به معنای دوست‌داشتنی است که همراهی با آن امری حیاتی و دوری از آن سبب ضرر و فقدان تلقی می‌شود. حب عامل اتصال چیزی به فرد است و به‌عنوان ذخیره‌ی نعمت و هدایت یا گمراهی محسوب می‌شود. هر رغبتی بر مبنای حبی ایجاد می‌شود.

از بین مواردی که به‌عنوان غایت زندگی انسان مطرح است، رشد را می‌توان یکی از کاربردی‌ترین آن غایت‌ها معرفی کرد. در منطق این غایت، برای انسان مرتبه‌هایی از منفعت بر اساس ساختار وجودی‌اش در نظر گرفته شده است که با فعال کردن هر مرتبه، امکان و توان صعود به مرتبه‌های بالاتر فراهم می‌شود (اخوت و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳). بعد از گذشتن از هفت سال اول زندگی، وابستگی انسان به دیگران کمتر می‌شود؛ اما هنوز تا مستقل شدن کامل فاصله‌ی زیادی را باید طی کند. در این دوران که با عنوان «دوران دوم رشد تفکر اجتماعی» از آن یاد می‌شود، افراد نه آن قدر وابسته‌اند که لازم باشد در همه‌ی امور آن‌ها دخالت کرد و نه آن قدر غیروابسته‌اند که بتوان همه‌چیز را به عهده‌ی خود آن‌ها گذاشت. بر اساس همین موضوع بخشی از وظایف بر عهده‌ی والدین و اولیای جامعه و بخشی دیگر بر عهده‌ی خود افراد است. بر همین اساس در این دوره آنچه مورد تأکید قرار می‌گیرد، تقویت هم‌فکری و خارج شدن از تعصب و پیش‌داوری‌هاست. این موضوع با مشورت صورت می‌پذیرد. مشورت به فردی که در این دوره قرار دارد، می‌آموزد که تصمیم‌گیری امور در واقع به عهده‌ی خود فرد است و او می‌تواند از دیگران در این خصوص استفاده کند (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۴).

مشورت یکی از ضروریات زندگی انسان است که در همه‌ی مراحل زندگی حضور فعال دارد و هیچ‌گاه از زندگی انسان قطع نمی‌شود؛ ولی شروع آموزش آن از این دوره آغاز می‌شود.

### راه‌های ایجاد بازدارندگی و تنبیه

- آگاهی از خطرهای پیش رو:
  - آگاهی بیشتر = رهب (ترس) بیشتر
  - بیان نتیجه‌های نامطلوب و منفی: شرط این مورد معتبر بودن نتیجه‌ها نزد فرد است.
  - ایجاد محدودیت: بیشتر اوقات لازم نیست فرد از این محدودیت آگاه شود.
  - ایجاد هزینه و غرامت: این مورد باید متناسب با توان فرد باشد.
  - ایجاد کراهت از کارهای اشتباه.
  - بالابردن مراقبت و توجه: با توجه به درونی بودن مراقبت، باید نسبت به آن رغبت وجود داشته باشد.
- تنبیه در این دوره بیشتر با سؤال کردن و فعال کردن مراقبت درونی در کودک صورت می‌گیرد. ترجیح بر آن است که کودک، خودش تنبیه خودش را تعیین کند. مهم آن است که گزاره «برای هر اشتباهی باید هزینه‌ای بپردازم»، برای فرزند فعال شود. اگر در صورت حق انتخاب با سکوت کودک روبه‌رو شدیم، باید به او کمک کنیم که تنبیهی برای خودش تعیین کند. به قدرت انتخاب او کمک کنیم. در این سن باید بسیاری از اشتباهات را نادیده گرفت؛ زیرا تکرار تنبیه در طول روز و هفته، از ابهت آن در ذهن کودک به‌شدت کاسته می‌شود. باید تنبیه در ذهن کودک کار امیدبخشی باشد که سبب جبران بدی‌ها می‌شود. هر قدر تنبیه برای کودک بیرونی‌تر شود یا اینکه به‌گونه‌ای القا شود که در زندگی هیچ تنبیهی او را تهدید نمی‌کند، با تقوا و طهارت بیشتر فاصله می‌گیرد. تشویق کنند و تنبیه‌کننده و تشویق‌شونده و تنبیه‌شونده باید سیر را به سمت درونی‌شدن حرکت دهند و فرد به سمت تقوای درونی حرکت کند. با وجود تمام محاسن تشویق و تنبیه، اگر درونی نشوند و فرد پیوسته در انتظار تشویق و تنبیه دیگران باشد، نمی‌تواند در موقعیت‌های متعدد خود را از خطا و لغزش حفظ کند.
- امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اساس تشویق و تنبیه دیگران، هدایت آن‌هاست» (اخوت، ۱۴۰۱).

کودک همراه باشد؛ اما سبب تشویق است. نمونه‌ی تشویق‌های مناسب برای این دوره:

۱. نگاه و توجه محبت‌آمیز؛
۲. تشویق‌های کلامی و امتیازدهی‌های ازپیش‌تعیین‌شده یا دفعی؛
۳. عطای چیزی با شور و حرارت؛
۴. از همه مهم‌تر، بزرگداشت کودک و گرمی داشتن او نزد دیگران.

تشویق‌های بی‌ضابطه که سبب توقع کودک در دریافت پاداش در ازای کوچک‌ترین کارها می‌شود، از تشویق‌های ناپسند است. در کنار تشویق، معمولاً از موضوعی به نام «تنبیه» نام می‌بریم. تنبیه در معنای عمومی نوعی جزاست که فرد را آگاه می‌کند تا کار اشتباهی را که موجب متضررشدن خود یا دیگران می‌شود، انجام ندهد و نبود آن موجب هلاکت و خسران است.

بنابراین رغبت‌داشتن به‌صورت مسستقیم با طلب و اراده رابطه دارد و تا رغبت نباشد، اراده و طلب برای انجام امری به وجود نمی‌آید. رغبت‌داشتن سرُّ انجام عمل با طوع، یعنی دلخوشی است و از این حیث با اطاعت که در قرآن بیان شده است، ارتباط دارد. با توجه به شکوفایی بخشی از ساختار وجودی انسان در هر دوره از زندگی، ترغیب نیز در هر دوره‌ی رشد شکل خاص به خود می‌گیرد و هر اشتباهی در این زمینه، می‌تواند زحمات تربیتی والدین و مربی را هدر دهد. در دوره‌ی دوم رشد، کودک وارد محیط آموزش مسستقیم و ارائه‌ی تکلیف می‌شود و نیاز او به تشویق افزایش پیدا می‌کند. چون کودک تفکر کاملاً فعالی ندارد، تشویق باید همچنان بر مدار محبت باشد. محبت با تکریم و عزیزداشتن کودک اتفاق می‌افتد که گاهی حتی ممکن است با به‌سختی‌افتادن



منابع

۱. اخوت. احمدرضا (۱۴۰۱). تشویق و تنبیه در دوره‌های رشد، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۲. اخوت. احمدرضا (۱۳۹۲). دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۲) از تکلم تا بلوغ. انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۳. اخوت. احمدرضا و دیگران (۱۳۹۷). سند تزکیه و تعلیم، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۴. غفرانی. محمدجعفر و رضازاده. یاسر (۱۳۹۷). کودک و ادب، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

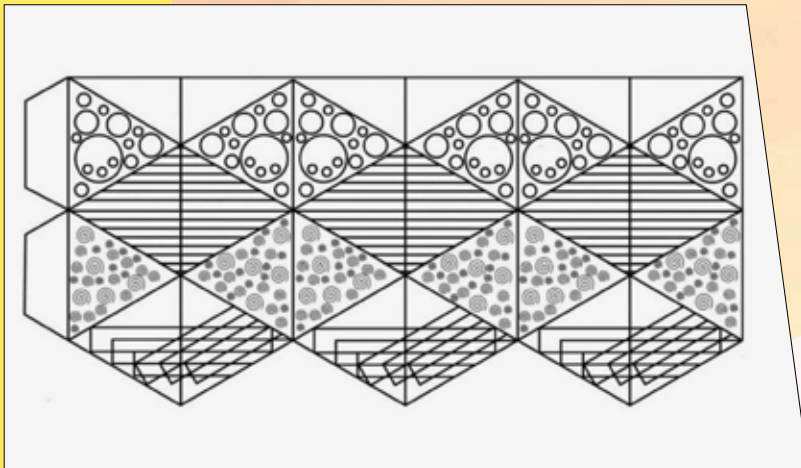
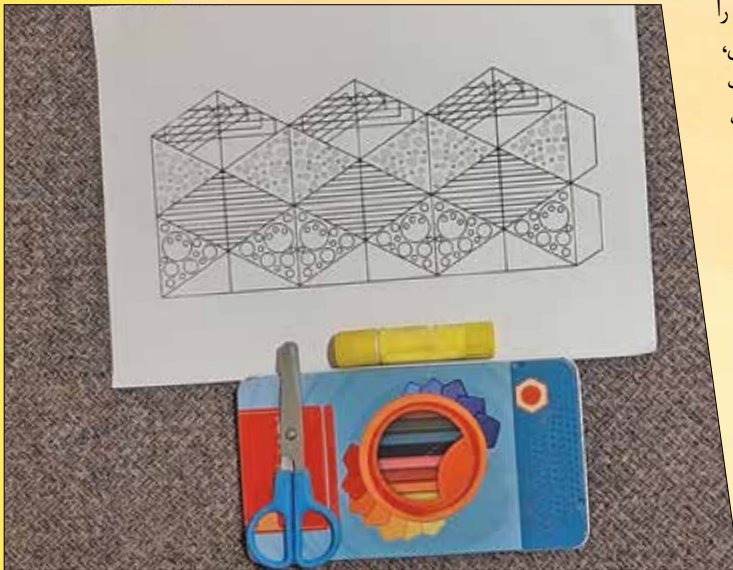
آموزش تصویری  
کاردستی

# خلاقیت دست‌ساز



مریم جلیلی، کارشناس گرافیک و  
آموزگار هنر پایه‌ی اول تا ششم ابتدایی

لوازم مورد نیاز: الگو، قیچی، مداد رنگی، چسب



بازی فعالیتی است که در سبک زندگی کودکان نقش بسیار مهم و انکارناپذیری را ایفا می‌کند و به‌طور چشمگیری بر رشد نیمکره‌های مغز و هماهنگی سایر اعضا با آن تأثیر می‌گذارد. بازی‌ها اگر درست و اصولی انتخاب شوند، به کودکان کمک می‌کنند مهارت‌های مهم زندگی را یاد بگیرند و روابط اجتماعی خود را بهبود ببخشند. رشد شناختی، توسعه‌ی مهارت‌ها، ایجاد اعتمادبه‌نفس، خلاقیت و تخیل، تقویت مهارت‌های حرکتی و... همه و همه حاصل بازی کردن‌های درست و فکرشده در دانش‌آموزان هستند. بازی کردن جدای از هر هدف جدی یا کاربردی‌ای که برای آن در نظر بگیریم و پیش از همه‌ی آن‌ها، فعالیتی برای تفریح و سرگرمی کودکان است.

امروزه بازی برای رشد کودک به قدری اهمیت دارد که به‌عنوان حقی برای او شناخته می‌شود. انتخاب بازی برای کودکان می‌تواند سبک زندگی آن‌ها را دگرگون کند و زمینه‌ی پیشرفت و آماده‌سازی کودک را از نظر جسمی، ذهنی، اجتماعی و مواجهه‌ی او با چالش‌های زندگی فراهم می‌کند اما همین بازی‌های ساده اگر بی‌هدف باشند، به رشد جسمی و ذهنی کودکان آسیب می‌رسانند.

تقویت هوش هیجانی ایجادشده در بازی به رشد اعتمادبه‌نفس سالم در کودک کمک می‌کند. بازی‌های فکری که حاصل دست‌سازهای خوددانش‌آموز هستند، مفهومی به نام «تفکر واگرا» را توسعه می‌دهند. کودکان می‌توانند خلاق باشند و بازی روشی است که می‌توانیم از آن برای تحریک خلاقیت ذاتی آن‌ها استفاده کنیم.

کاغذ و مداد رنگی ساده‌ترین و در دسترس‌ترین وسایلی هستند که برای سرگرمی دانش‌آموزان استفاده می‌شوند. خلاقیت در استفاده از این ابزار جذابیت‌های آن‌ها را صدچندان می‌کند. به‌چالش کشیدن دانش‌آموز برای ساخت وسیله‌ی بازی با این ابزار نتیجه‌های شگفت‌انگیزی را در بالابردن سطح اعتمادبه‌نفس آن‌ها به دنبال دارد. دوری از بازی‌های رایانه‌ای و روی آوردن به بازی‌های سالم و ساده، با رنگ‌های دلنشین، سبک سالم زندگی را نیز تقویت می‌کند. امید است این کاردستی رنگارنگ و ساده بتواند دانش‌آموزان را در اوقات فراغتشان سرگرم کند.



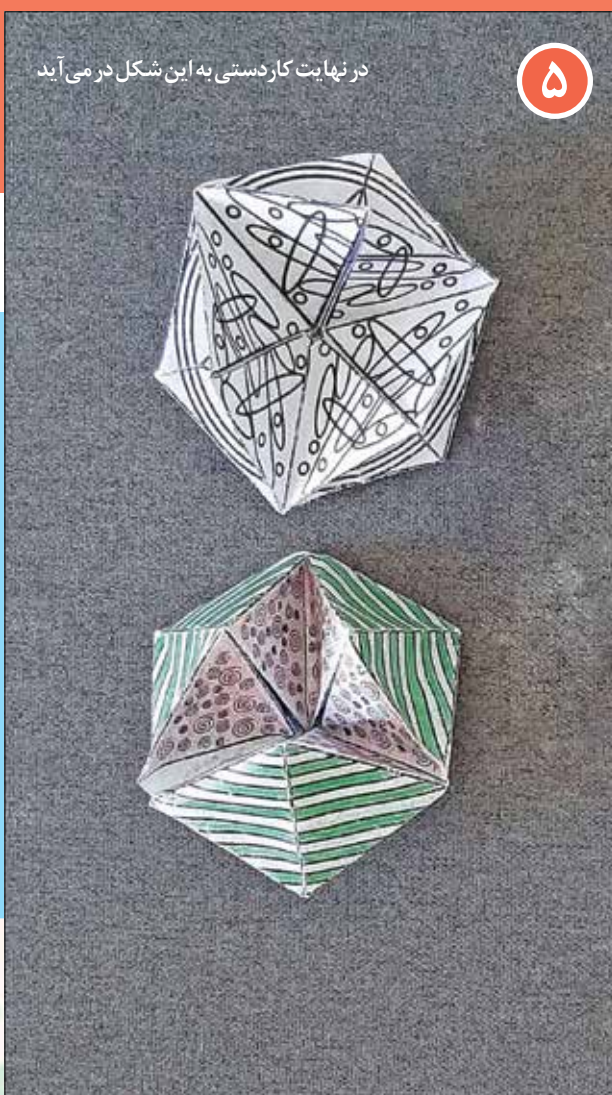
ابتدا طرح را به دلخواه رنگ می‌کنیم. سپس از روی خط بیرونی برش می‌دهیم.



دو قسمت اول و آخر کار را به هم می‌چسبانیم.



از روی تمام خط‌ها به سمت بیرون تا می‌زنیم.



در نهایت کار دستی به این شکل در می‌آید



قسمت بدون طرح را از داخل تا می‌کنیم و به قسمت‌های رنگی می‌چسبانیم.

# کلاس داری خوب

## آشنایی با روش‌ها و ترفندهای مدیریت کلاس

عفت کریمی‌زند  
کارشناس آموزش ابتدایی و معاون آموزشی مدرسه،  
استان البرز

از طنز و شوخی‌های مناسب برای جذاب‌تر کردن درس استفاده کنید. دانش‌آموزان را به همکاری و دوستی با یکدیگر تشویق کنید.

### ۲. مدیریت کلاس و کنترل رفتار دانش‌آموزان

مدیریت صحیح کلاس نظم را ایجاد می‌کند و تمرکز دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. برخی از راهکارهایی که به این مدیریت کمک می‌کند، عبارت‌اند از:

قوانین مشخصی برای کلاس تعیین کنید و آن‌ها را در ابتدای سال تحصیلی به‌وضوح بیان کنید.

با لحنی محکم اما مهربانانه، دانش‌آموزان را به رعایت قوانین ترغیب کنید.

نظام پاداش و تشویق<sup>۱</sup> داشته باشید (مثلاً دانش‌آموزان مرتب را با امتیاز یا کارت تشویقی تقدیر کنید).

هنگام بی‌نظمی، به‌جای تنبیه شدید، از روش‌های جایگزین مانند محروم کردن موقت از فعالیت‌های جذاب استفاده کنید.

### ۳. تدریس جذاب و فعال

کودکان یادگیری را زمانی جدی می‌گیرند که تدریس جذاب باشد. برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

از بازی‌های آموزشی در تدریس استفاده کنید. فعالیت‌های عملی و گروهی را جایگزین تدریسی که فقط نظری است، کنید.

از ابزارهای کمک‌آموزشی<sup>۲</sup> مانند ویدئوها، تصویرها، نمونک‌ها و کاردهی‌ها بهره‌بردارید. داستان‌سرایی را به‌عنوان روش تدریس به کار بگیرید تا مطالب بهتر در ذهن دانش‌آموزان بماند.

### ۴. توجه به تفاوت‌های فردی

هر دانش‌آموز استعداد و شیوه‌ی یادگیری خاصی دارد.

مدیریت کلاس در مدرسه‌های پسرانه‌ی دوره‌ی ابتدایی نیازمند مهارت‌های خاصی است؛ زیرا دانش‌آموزان این گروه سنی معمولاً پرنرژی و کنجکاو هستند. در این مقاله، روش‌های مؤثر کلاس‌داری از جمله ایجاد محیطی دوستانه، مدیریت رفتار<sup>۱</sup>، تدریس خلاقانه و مشارکت والدین و همچنین، موضوعاتی مثل اهمیت ایجاد نظم و در عین حال حفظ فضای شاداب و پویا بررسی شده است. نتیجه نشان می‌دهد که معلمان با به‌کارگیری راهبردهای مناسب می‌توانند یادگیری<sup>۲</sup> مؤثرتر و فضای آموزشی بهتری را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

**کلیدواژه‌ها:** کلاس‌داری<sup>۳</sup>، یادگیری، مهارت، تمرکز، مدیریت، روش تدریس<sup>۴</sup>، تفاوت‌های فردی<sup>۵</sup>، عملکرد تحصیلی<sup>۶</sup>

### مقدمه

کلاس‌داری یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که هر معلم باید داشته باشد، به‌خصوص در مدرسه‌های پسرانه‌ی دوره‌ی ابتدایی که دانش‌آموزان پرنرژی و کنجکاو هستند. شیوه‌ی مدیریت کلاس تأثیر مستقیمی بر یادگیری و رشد دانش‌آموزان دارد. در این مقاله، نکاتی کلیدی برای بهبود نحوه‌ی کلاس‌داری معلمان ابتدایی ارائه می‌شود.

### ۱. ایجاد محیطی شاد و دوستانه

دانش‌آموزان پسر معمولاً پرتحرک و بازیگوش هستند، بنابراین محیط کلاس باید به‌گونه‌ای باشد که آن‌ها احساس امنیت و شادی کنند. برای این کار پیشنهاد می‌شود:

با لبخند و روی خوش وارد کلاس شوید. فضایی فراهم کنید که دانش‌آموزان از ابراز نظر و پرسش نترسند.

عکاس: احمد رضا کریمی

برای رعایت این تفاوت‌ها بهتر است به این موارد توجه کنید: به دانش‌آموزان ضعیف‌تر بیشتر توجه کنید و روش تدریس‌های متعددی را امتحان کنید.

به دانش‌آموزان مستعد فرصت دهید تا توانایی‌های خود را بروز دهند. در تکلیف‌ها و پرسش‌ها تنوع ایجاد کنید تا همه‌ی دانش‌آموزان بتوانند توانایی‌های خود را نشان دهند.

### ۵. افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان

برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود: به آن‌ها هدف‌های مشخص و قابل دسترس بدهید. از تشویق کلامی و توجه مثبت استفاده کنید. دانش‌آموزان را در تدریس مشارکت دهید؛ مثلاً از آن‌ها بخواهید در حل مسائل به همدیگر کمک کنند. روش‌های تدریس را متنوع کنید تا یکنواختی کلاس، اشتیاق را کاهش ندهد.

### ۶. ارتباط مؤثر با والدین

همکاری با والدین تأثیر بسزایی در بهبود عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان دارد. برای این منظور پیشنهاد می‌شود: از طریق جلسات، تماس تلفنی یا پیامک، والدین را از وضعیت تحصیلی و رفتاری فرزندشان مطلع کنید. در برخورد با مشکلات دانش‌آموز، از والدین راهنمایی بگیرید و نظر آن‌ها را جویا شوید. به والدین پیشنهادهایی برای کمک به یادگیری فرزندشان در خانه ارائه دهید.

### نتیجه‌گیری

کلاس‌داری در مدرسه‌های پسرانه‌ی دوره‌ی ابتدایی نیاز به مدیریت، خلاقیت و صبر دارد. معلمانی که می‌توانند محیطی شاد، منظم و انگیزه‌بخش ایجاد کنند، تأثیر مثبتی بر یادگیری و رشد دانش‌آموزان خواهند داشت. با استفاده از روش‌های جذاب تدریس، رعایت تفاوت‌های فردی و برقراری ارتباط مؤثر با والدین، می‌توان کلاس را به فضایی پویا و موفق تبدیل کرد. اگر معلم هستید، می‌توانید این نکات را در کلاس خود اجرا کنید و از نتیجه‌ی آن‌ها بهره ببرید.

پی‌نوشت‌ها

1. Behavior management
2. Learning
3. Classroom management
4. Teaching method
5. Individual differences
6. Academic performance
7. Behavior control
8. Rewards and encouragement
9. Educational assistance
10. Motivation and Participation

منابع

۱. صادقی، علی (۱۳۹۹). «روان‌شناسی تربیتی کودکان پسر». انتشارات آوای دانش.
۲. کریمی، مریم (۱۳۹۸). «راهکارهای نوین تدریس در مدارس ابتدایی». مجله‌ی آموزش و پرورش نوین، شماره‌ی ۵.
۳. نجاتی، زهرا (۱۴۰۰). «مدیریت کلاس درس در مدارس ابتدایی». انتشارات رشد.
۴. وزارت آموزش و پرورش (۱۴۰۱). «راهنمای کلاس‌داری مؤثر».





# سبک زندگی را بازی کن!

## الگویی برای بازی وارسازی آموزش مهارت‌های اجتماعی

ندا سهرابی  
آموزگار چندپایه‌ی استان کرمانشاه

### ۱. بازی نقش‌آفرینی و حل مسئله

**هدف:** تمرین مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض، تفکر انتقادی و همدلی.  
**شرح:** وضعیت‌های گوناگون اجتماعی را با کارت‌های تصویر یا داستان‌های کوتاه ارائه دهید؛ مثلاً دوستت در جشن تولد تو را نادیده می‌گیرد، در صف نوبت خرید خوراکی یکی از هم‌کلاسی‌هایت نوبت تو را نادیده می‌گیرد، یک نفر وسایل تو را بدون اجازه برداشته است، در گروه کاری، کسی وظیفه خود را درست و به‌موقع انجام نمی‌دهد.

برای طراحی یک بازی آموزشی جذاب، به‌منظور آموزش سبک زندگی به دانش‌آموزان ابتدایی، نخست باید ببینیم چه جنبه‌هایی از سبک زندگی را می‌خواهیم پوشش دهیم؛ مثلاً می‌خواهیم به تغذیه سالم توجه کنیم یا فعالیت بدنی؟ مدیریت زمان بیشتر مورد توجه ماست یا مهارت‌های اجتماعی؟ می‌خواهیم توانایی حل مسئله در زندگی را تقویت کنیم یا آموزش روابط سالم را هدف بازی قرار دهیم؟ البته بازی‌هایی که ترکیبی از این موضوعات را در خود به همراه داشته باشند، قطعاً بسیار خاص و سودمند هستند.

### ۲. بازی تشخیص حالت چهره و حل مسئله

**هدف:** تشخیص زبان بدن و حالات چهره و درک ضمنی پیام‌ها.  
**شرح:** عکس‌ها یا فیلم‌هایی از حالت‌های متفاوت چهره و زبان بدن را به دانش‌آموزان نشان دهید.

**روش بازی:** دانش‌آموزان باید حدس بزنند که فرد در تصویر یا فیلم چه احساسی دارد و چه پیامی می‌خواهد منتقل کند.  
**موارد قابل توجه:** این بازی به دانش‌آموزان

**روش بازی:** دانش‌آموزان به‌صورت گروهی یا تک‌به‌تک نقش‌ها را ایفا می‌کنند و راه‌حل‌های گوناگون را برای حل مسئله پیشنهاد می‌دهند. مربی نقش راهنما و هدایتگر را ایفا می‌کند و به دانش‌آموزان یاری می‌رساند تا راه‌حل‌های سازنده و مؤثری پیدا کنند.

**موارد قابل توجه:** در این بازی، به دانش‌آموزان تأکید کنید که به احساسات خود و دیگران توجه کنند و به جای قضاوت، راه‌حل‌های متعددی را بررسی کنند و از زبان بدن و کلام مناسب برای برقراری ارتباط بهره ببرند.

در بازی‌هایی که تاکنون طراحی و اجرا کرده‌ام، بیشتر آموزش مهارت‌های اجتماعی را مدنظر داشته‌ام. برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان باید از بازی‌های تعاملی و جذاب استفاده کنیم. ناگفته نماند با توجه به اینکه دانش‌آموزان من در پایه‌ی دوم ابتدایی تحصیل می‌کنند، بازی‌هایی که برای آن‌ها طراحی کرده‌ام و در ادامه بیان می‌شوند، تقریباً متناسب با رده‌ی سنی و درک و فهم این گروه سنی است.



نظرات خود را بیان کنند.  
با دانش‌آموزان به‌صورت گروهی و انفرادی کار کنید.  
از تشویق و پاداش‌های مناسب استفاده کنید.  
به دانش‌آموزان اجازه دهید تا اشتباه کنند و از اشتباهات درس بگیرند.  
بازی‌ها را باید با توجه به سن و سطح درک دانش‌آموزان طراحی کنید.  
آنچه بیان شد، فقط چند ایده اولیه هستند. شما می‌توانید با توجه به شرایط و نیازهای دانش‌آموزان، بازی‌ها را تغییر و گسترش دهید.

مناسب را برای حل این چالش‌ها ارائه و عواقب احتمالی هر یک از آن راه‌حل‌ها را پیش‌بینی کنید.  
**موارد قابل توجه:** این بازی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از رفتارهای گوناگون و عواقب آن‌ها داشته باشند.

**نکات مهم برای اجرای بازی‌ها**  
بازی‌ها را سرگرم‌کننده و جذاب طراحی کنید. نقش راهنما و هدایتگر را داشته باشید. به دانش‌آموزان فرصت دهید تا ایده‌ها و

کمک می‌کند تا زبان بدن و حالات چهره را بهتر بشناسند و درک بهتری از ارتباطات غیرکلامی داشته باشند.

### ۳. بازی چالش‌های اجتماعی

**هدف:** آموزش حل چالش‌های اجتماعی و پیش‌بینی عواقب کارها.  
**شرح:** موضوع‌های چالش‌برانگیز مانند دعوا، حسادت یا رفتارهای نامناسب را به‌صورت داستان یا بازی شبیه‌سازی کنید.  
**روش بازی:** دانش‌آموزان باید راه‌حل‌های

# پوشه‌های پایش

## نحوه‌ی ثبت و ضبط فرایندها و کیفیت آموزش در ارزشیابی توصیفی



سحر زمانی بلیوندی  
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی، زرین شهر اصفهان

پوشه‌ی کار یکی از مهم‌ترین ابزار ارزشیابی کیفی توصیفی است که هویت دانش‌آموزان را در همه‌ی ابعاد شخصیتی در خود نگهداری می‌کند. مجموعه‌ای از نمونه کارهای دانش‌آموزان که در جریان هدفمند یاددهی یادگیری، آگاهانه انتخاب و به‌طور منظم سازماندهی می‌شود. پوشه‌ی کار بیانگر میزان تلاش، پیشرفت و موفقیت دانش‌آموزان است. به عبارتی پوشه‌ی کار همچون آلبومی است که تصویرهای گوناگون و در مسیر رشد دانش‌آموزان را در مراحل متعدد فرایند یاددهی یادگیری به نمایش و قضاوت می‌گذارد.

### مزایای پوشه‌ی کار

- ارائه‌ی بهترین کارها (فراورده‌ها).
- نشان‌دهنده‌ی بهترین توانایی‌های یادگیرنده که سنجش او بر اساس آن توانایی‌ها انجام می‌گیرد؛ مانند کار پوشه‌ی هنر، نوشتن، ریاضی.
- نشان‌دهنده‌ی «فرایند» رشد تحصیلی یادگیرنده.
- نشان‌دهنده‌ی رشد تحصیلی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموز.
- تأکید نکردن بر تولید نهایی.

● ارائه‌ی مجموعه‌ای از مدارک مربوط به پیشرفت دانش‌آموز که مرحله‌به‌مرحله در پوشه‌ی کار او گذاشته می‌شود تا برای هدایت یادگیری و تفکر جدید استفاده شود؛ مانند پیش‌نویس اولیه‌ی یک انشا، مراحل تفکر، چگونگی بازبینی و اصلاح آن.

### انواع پوشه‌ی کار

- **فراورده‌ای:** یعنی پوشه‌ی کاری که حاوی بهترین کارهای یادگیرنده است و برای نشان دادن موفقیت‌های او تنظیم می‌شود.
- **فرایندی:** پوشه‌ی کاری است که به‌منظور معرفی رشد پیشرفت دانش‌آموز به کار می‌رود.

● **فراورده‌ای و فرایندی:** در این پوشه‌ی کار، منتخبی از کارهای دانش‌آموز (به انتخاب دانش‌آموز و معلم) به‌منظور ارائه‌ی تصویری از موفقیت‌ها و رشد و پیشرفت او گردآوری و گلچین می‌شود. در واقع این نوع از پوشه‌ی کار مدنظر ارزشیابی کیفی توصیفی است.

● **پوشه‌ی کار الکترونیکی:** این نوع پوشه‌ی کار نسخه‌ی الکترونیک پوشه‌ی کار کاغذی است که در آن، مجموعه‌ای از نمونه کارها، فعالیت‌ها و عملکردهای گوناگون دانش‌آموزان در قالب دیجیتال سازماندهی می‌شود؛ فعالیت‌هایی که معلم و دانش‌آموز در جریان یاددهی یادگیری به‌صورت هدفمند جمع‌آوری و انتخاب کرده‌اند. در پوشه‌ی کار الکترونیک محتوای کار دانش‌آموزان و فرایند یادگیری آنان به‌صورت فایل‌های مکتوب، صوت، تصویرها و فیلم قرار می‌گیرد که بیانگر میزان تلاش و موفقیت و پیشرفت آنان است.

### مراحل تهیه‌ی پوشه‌ی کار

- **مرحله‌ی اول:** سازماندهی و برنامه‌ریزی.
- **مرحله‌ی دوم:** جمع‌آوری و انتخاب شواهد.
- **مرحله‌ی سوم:** ارزیابی و ارائه‌ی بازخورد.
- **مرحله‌ی چهارم:** سازماندهی و برنامه‌ریزی.

### ویژگی‌های محتوای پوشه‌ی کار

۱. تفکیک برای هر درس.
  ۲. ارائه‌ی بازخورد مناسب به‌همراه تاریخ.
- این ویژگی‌ها پوشه‌ی کار مناسبی را در دست معلم می‌گذارد تا از طریق آن به‌راحتی روند یادگیری دانش‌آموز را قضاوت کند.

### محتوای پوشه‌ی کار به چهار

#### قسمت تقسیم می‌شود

۱. آزمون‌ها.
۲. تکالیف.
۳. تولیدات.

### آزمون‌ها

- آزمون مداد کاغذی.
- آزمون عملکردی.
- هر نوع آزمونی که مراحل فرایند یادگیری را شامل شود و بیانگر میزان تلاش و موفقیت دانش‌آموز به‌منظور تحقق هدف‌های آموزشی و پرورشی باشد. آزمون‌ها باید جدول انتظارات آموزشی داشته باشد.

### تکالیف

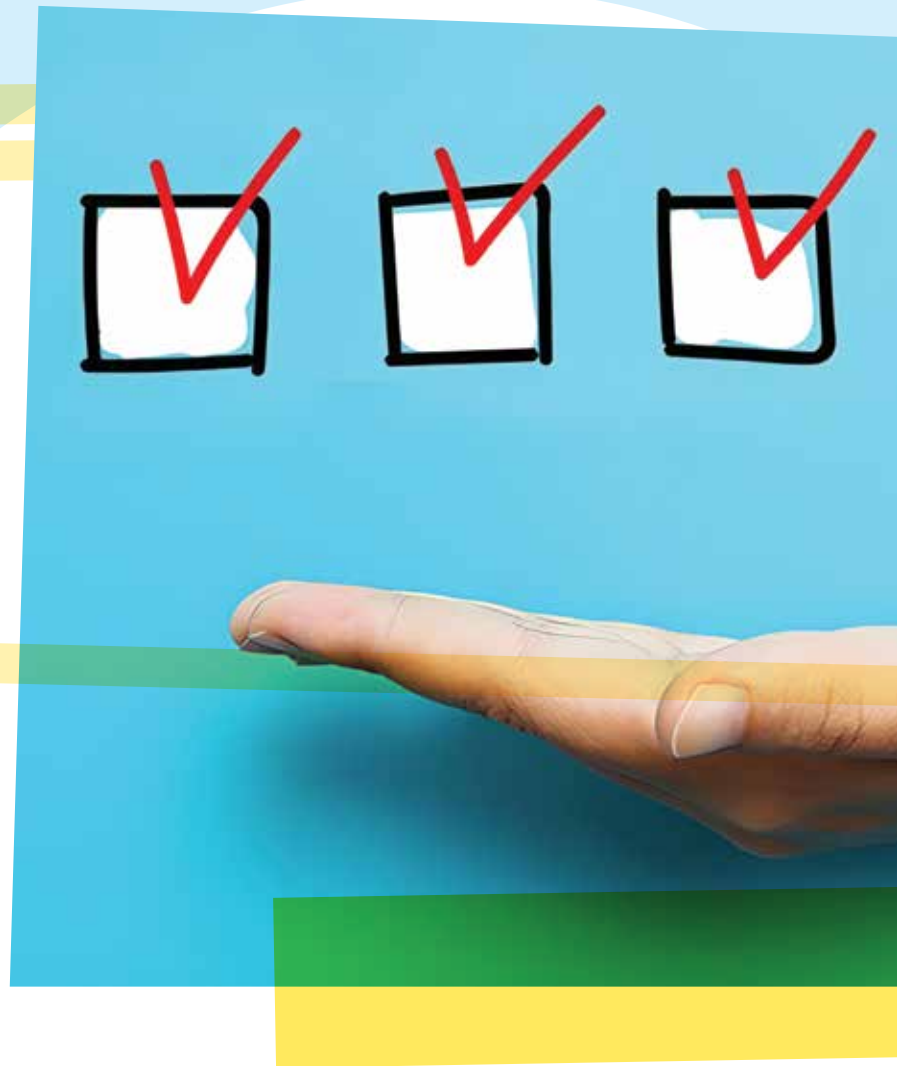
- تکالیف درسی خارج از کلاس.
- تکالیف درسی انفرادی در کلاس، شامل تکالیف‌های نوشتنی، تمرینات، املا، جمله‌نویسی، خودآزمایی‌ها، مسائل و ...



- **پایه‌ها): الزامی (به‌صورت فصلی).**
- **برگه‌ی خودارزیابی دانش‌آموز: الزامی** (به‌صورت ماهانه یا فصلی).
- **برگه‌ی هم‌سال‌سنجی (پایه‌ی سوم تا ششم):** اختیاری (به‌صورت ماهانه یا فصلی). بهتر است آموزگاران هم‌سال‌سنجی را کم‌کم تا پایه‌ی ششم قوی کار کنند.
- **برگه‌ی خودارزیابی معلم در تنظیم پوشه‌ی کار:** اختیاری.
- **برگه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز (کارنامه‌های دو ماهانه):** اختیاری.

### چه کسانی، چه وقت و به چه منظوری از پوشه‌ی کار و نتایج ارزیابی آن استفاده می‌کنند؟

- **دانش‌آموز:** استفاده از پوشه‌ی کار به دانش‌آموز امکان می‌دهد تا شاهد رشد و پیشرفت خود باشد و فرصت شناخت و اصلاح اشتباهات را نیز به او می‌دهد.
- **معلم:** مرور پوشه‌ی کار به معلم امکان می‌دهد تا قابلیت‌های دانش‌آموز را به‌درستی بشناسد، برای آموزش وی برنامه‌ریزی کند و با اطمینان بیشتر و بر اساس دلایل مستند او را مورد قضاوت قرار دهد.
- **والدین:** مستندات پوشه‌ی کار به والدین امکان می‌دهد تا در جریان روند آموزش فرزندشان قرار گیرند، نقاط قوت و ضعف او را بشناسند و نقش مثبت، سازنده و فعالی در هدایت تحصیلی او داشته باشند.
- **مدیر واحد آموزشی و بازرس آموزشی:** بازرسی از کار معلمان را نیز می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، بررسی و نظارت دفتر کلاسی، حضور و غیاب و بازبینی‌ها (چک‌لیست‌ها) و پوشه‌ی کار امتحاناتی که او برگزار کرده است. بخش دوم، بازرسی و ارزیابی از نحوه‌ی تدریس و تعامل معلم با دانش‌آموزان که از طریق پوشه‌ی کار صورت می‌گیرد.
- با توجه به موارد گفته‌شده، پوشه‌ی کار ابزاری مهم و ضروری در ارزشیابی توصیفی شناخته می‌شود تا کاملاً نشان دهد دانش‌آموز چگونه یادگیری را آغاز کرده است، اکنون در کجای مسیر یادگیری است و پیشرفت او چگونه ارزیابی می‌شود.
- پوشه‌ی کار ملاکی برای ارزیابی کار معلم و شیوه‌ی تدریس و تعامل وی با دانش‌آموزان توسط ارزیاب آموزشی است.



● هر تولیداتی که مراحل فرایند یادگیری را شامل شود و بیانگر میزان تلاش و موفقیت دانش‌آموز برای تحقق هدف‌های آموزشی و پرورشی باشد.

#### سایر موارد

- تشویق کتبی دانش‌آموز.
- ثبت پرسش‌ها و اظهارنظرها و رفتارهای شایان توجه دانش‌آموز.
- نامه‌های مربوط به دانش‌آموز.
- نمونه‌ی پیشرفت موضوعی درس‌ها.
- یادداشت‌های معلم.

#### برگه‌هایی که باید در پوشه قرار بگیرند

- **برگه‌ی شرح حال:** اختیاری.
- **فهرست محتوا:** اختیاری.
- **برگه‌ی ارزیابی والدین (برای تمام**

- تکالیف درسی گروهی در کلاس.
- چرکنویس‌ها و کارهای ابتدایی در طراحی، از تحقیق تا موارد نشان‌دهنده‌ی حاصل کار تحقیقی
- هر نوع تکلیفی که مراحل فرایند یادگیری را شامل شود و بیانگر میزان تلاش و موفقیت دانش‌آموز برای تحقق هدف‌های آموزشی و پرورشی باشد.

#### تولیدات

- آثار هنری دانش‌آموز.
- خلاصه‌ی داستان و فیلم و گزارش بازدیدها.
- کارهای عملی دانش‌آموز.
- گزارش مصاحبه‌ی دانش‌آموز با افراد متفاوت.
- گزارش‌هایی علمی، مثل گزارش گردش‌های علمی.

# معلم عروسکی



فاطمه زهرا گردن‌دهی  
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، آموزگار  
پایه پنجم ابتدایی، استان مازندران

تا پیراهنش قابلیت باز شدن را داشته باشد. عروسک من پسرک کوچکی شد که در آن اعضای بدن (دست، پا، سر، مو، دهان، گوش و اجزای چشم خارجی) قابل دیدن بود؛ ولی من می‌خواستم عضلات و استخوان‌بندی و به‌خصوص اجزای گوش داخلی را هم به بچه‌ها نمایش دهم. با کشیدن نقاشی آن قسمت‌ها و چسباندن آن‌ها روی عروسک توانستم به هدفم برسم. حالا دیگر عروسک من می‌توانست درس‌های پنجم و ششم علوم پایه پنجم را که در مورد اجزای چشم خارجی، گوش داخلی، عضلات، استخوان‌بندی و حرکت بدن بود، پوشش دهد.

عروسک را به یکی از استادانم نشان دادم. ایشان پیشنهاد کردند که برایش نامی اصیل انتخاب کنم. موها و نوع لباس عروسک پسرانه بود و برای همین، باید به دنبال نامی پسرانه برای آن می‌گشتم. برای آنکه بتوانم این مبحث را با درس آزاد فارسی تلفیق کنم، باید به اهداف درس آزاد فارسی توجه می‌کردم. این اهداف عبارت بودند از: پرورش قوه‌ی خلاقیت، مجالی برای گریز از تمرکزگرایی و توجه به فرهنگ بومی و محلی، پاسخ به خلأها و نیازهای کتاب، فرصتی برای مشارکت معلم و دانش‌آموزان و فرصتی برای یادگیری خانواده‌ها و مشارکت آنان با مدرسه.

شهر من، بهشهر، شهری با قدمتی تاریخی در مازندران است که بیشتر آثار تاریخی آن به دوران صفویه تعلق دارد. با توجه به فرهنگ بومی منطقه، نام عروسک را صفی (به‌معنای نیک، منتخب، برگزیده، بی‌آلایش) گذاشتم که یادآور یکی از معروف‌ترین بناهای تاریخی شهر یعنی صفی‌آباد است. دلیل نام‌گذاری این بنا علاقه‌ی شاه‌عباس به پسر ارشدش بود که صفی‌میرزا نام داشت. این بنا از دوره‌ی صفویه این‌گونه نام‌گذاری شده است.

حالا می‌توانستم با نام این عروسک هم‌زمان با درس علوم به درس آزاد فارسی هم که مرتبط با فرهنگ بومی یا تاریخی شهرم بود، بپردازم. این عروسک ابزاری شد برای تلفیق دو درس علوم و فارسی و حتی هنر. برای ایجاد انگیزه، آموزش، ارزشیابی تکوینی و پایانی و حتی دادن تکلیف‌های مهارت‌محور یا فردی هم می‌توانستم از آن استفاده کنم. هنگام استفاده از این عروسک، توجه و شور و انگیزه در دانش‌آموزانم بیشتر می‌شد و در مدیریت زمان هم بهینه‌تر عمل می‌کردم. این عروسک در یادگیری بهتر و باانگیزه‌تر دانش‌آموزان به‌طور چشمگیری اثرگذار بود.

را طراحی و درست کنم. ابزارهای که داشتم عبارت بودند از: خمیر گل چینی و مقداری پارچه‌های اضافه و مفتول فلزی و کاغذ باطله. استخوان‌بندی اولیه‌ی عروسک را با مفتول درست کردم. سپس با کاغذ به آن حجم دادم و در نهایت با خمیر چینی پوست بدنش را ساختم. از این مراحل عکس گرفتم تا بتوانم در کلاس مفهوم استخوان‌بندی، عضلات و پوست را به دانش‌آموزان نشان دهم. چشم، مو، دست، پا، گوش و دهان هم برای آن عروسک درست کردم. برای طبیعی‌تر نشان دادن عروسک، حتی مژه‌های چشمش را هم فراموش نکردم. تک‌تک لحظاتی که مشغول ساخت عروسک بودم، به اندازه‌ای برایم شیرین بود که گذشت زمان را حس نمی‌کردم. در انتها هم برایش لباس و کلاه درست کردم. ظرافت در ساخت عروسک را تا جایی جدی گرفتم که حتی برای پیراهن کوچکش جادکمه‌های کوچکی در نظر گرفتم





دانش آموزان اغلب از شروع تحصیل تا پایان دبیرستان، با بیش از دهها معلم سروکار پیدا می کنند اما زمانی که از آنان در مورد کیفیت و اثر بخشی معلم هایی که داشتند سؤال می کنیم، نام و خاطره ای اکثر معلم ها فراموش شده است. آن ها تنها معلم هایی را به یاد می آورند که یا مقام انسانی و توانمندی های آنان را ندیده گرفته و یا برعکس معلم هایی که بر زخه های آنان مرهم گذاشته و با نگرش مثبت، با کلام امیدوارکننده و رفتارهای سنجیده، اعتماد خود را به دانش آموزان انتقال داده اند. تجربه نشان می دهد که برای این گونه معلم ها، کودکان هر کاری حاضرند انجام دهند تا به آن ها ثابت کنند که در قضاوتشان اشتباه نکرده اند و این باور مثبت را همانند هدیه ای نفیس در سراسر عمر خود همراه خواهند داشت.

معلمان موفق متفاوت عمل می کنند. نوشته تاد ویتنکر



جنگ ۱۲ روزه، استحکام بی نظیر پایه‌های جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)